

بسم الله الرحمن الرحيم

# تاریخ جنگ

فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

سال ششم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۶

ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اداره عملیات

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ



## فهرست مطالب

۵	بحرانهای داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی - الف: کردستان	حسین یکتا
۲۴	چگونگی کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ توسط عراق	یحیی فوزی
۳۳	استراتژی جمهوری اسلامی در جنگ هشت ساله (۲)	
۴۶	درسهای از جنگهای نوین: جنگ ایران و عراق (۴) کرد زمن - واگنتر ترجمه حسین یکتا	
۵۶	روزشمار تحرکات نظامی عراق در استان خوزستان - قبل از شروع جنگ	
۶۹	تأثیر تحول بین المللی شدن جنگ بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (۲)	محمود یزدانفام
۷۷	بررسی اجمالی دو جنبه از علل آغاز جنگ تحمیلی	خانم آهنگر زاده
۸۵	جنگ نفت	غلامرضا صفرپور
۹۱	خلاصه یک پژوهش علمی درباره هشت سال دفاع مقدس	
۹۵	معرفی کتاب، روز شمار جنگ ایران و عراق - جنگ نامه اول: پیدایش نظام جدید	



## بحرانهای داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

الف: بحران کردستان

اشاره:

حسین یکتا

در مورد پیروزی انقلاب اسلامی چند نکته قابل ذکر است:

۱- انقلاب در تهران و شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای کوچک چند مرحله جلوتر بود.

۲- بعضی از شهرها کوچک هر چند از روند سریع انقلاب در پایتخت و شهرهای بزرگ عقب تر بودند، اما به جهت وجود روحانیت انقلابی با مسیر انقلاب انطباق یافته و تأخیر زمانی باعث اختلاف در حرکت نشد.

۳- در نقاطی که روحانیت فعال و انقلابی حضور نداشت، انحراف در هدایت و مسیر انقلاب اجتناب ناپذیر بود.

۴- گروههای چپ و بعضاً راست پس از اینکه درک کردند از جریان انقلاب و رهبری آن عقب هستند و داعیه رهبری خلق را داشتند، دست به حرکات تند زدند تا بدین ترتیب عقب ماندگی خود را جبران کنند. لذا مناطق حساس و تحریک پذیر، همچون کردستان و ترکمن صحرا را انتخاب کردند و با سوار شدن بر موج انقلاب در این مناطق، روند انقلاب را به دست گرفتند. این امر یکی از عوامل اصلی بروز بحرانهای داخلی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. در مقاله زیر به تجزیه و تحلیل این موضوع در منطقه کردستان پرداخته شده است.

توطئه در کردستان بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شروع شد. دلایلی که موجب شد

کردستان این چنین به صحنه فعالیت “ضد انقلاب” تبدیل شود. بافت اجتماعی، وجود فتودالیزم، ناسیونالیسم کردی، فقر فرهنگی و اقتصادی، اختلافات مذهبی و تفرقه اندازی بین تشیع و تسنن،\* محیط جغرافیایی و اقلیمی مناسب برای فعالیتهای خرابکارانه و جنگهای چریکی و وجود عناصر وابسته از خوانین، ساواکیها و ارتشیهای فراری گرفته تا گروههای چپ الحادی و التقاطی و شیوخ مرتجع و قرار داشتن در همسایگی عراق است عزالدین حسینی در ۱۰ اسفند ۱۳۵۷ در راستای موارد فوق گفت:

“ مبارزه در ایران بطور کلی بر علیه ظلم و استبداد و برای آزادی بوده است، ولی در کردستان رنگ مذهبی کمتری داشته. بلکه رنگ ملی و سیاسی آن غلبه بیشتری داشته است.” (مأخذ ۱)

وی با اینکه مدعی بود به عنوان روحانی در تمام تظاهرات، اعتصابات و سخنرانیها “(مأخذ ۲) ای انقلاب شرکت داشته، حکومت اسلامی را “حکومت ارتجاعی” و حکومت کند قابل پذیرش نیست.” (مأخذ ۳) در مقابل با اذعان به اینکه “افق سیاسی ما وسیع باشند.”، (مأخذ ۴) به حمایت از گروههای ضد انقلاب پرداخت. در نتیجه از همان ابتدای امر سراسر کردستان در زیر سلطه گروههای چپ الحادی قرار گرفت و “تمام امکانات شهری و روستای به دست آنان افتاد.” در چنین فضایی گروههای طرفدار خود مختاری کردستان، چون حزب دمکرات به همراه شیوخ مرتجع، فتودالها و ارتشیان فراری با انگیزه‌های اسلامی مردم منطقه ترسیم نمایند. از آنجا که امام جایگاه ویژه‌ای در بین مردم داشتند، گروهها شرایط را برای موضعگیری علنی در مقابل ایشان مساعد نمی‌دیدند اما با این حال در همان روزهای اوج انقلاب با پخش این شایعه که (امام) خمینی شیعه است و به زودی تمام اهل تسنن را از بین خواهد برد» (مأخذ ۵) اذهان ساده مردم کرد را شدیداً آشفته ساختند و زمینه را برای اقدام نظامی علیه انقلاب اسلامی فراهم آوردند. در

---

\* البته قابل ذکر است که اهل سنت در کردستان شافعی مذهب هستند که از نزدیکترین فرق اهل سنت به شیعه است. در نتیجه ایجاد اختلاف فی‌مابین شیعه و سنی در این منطقه کمتر از سایر مناطق ایران محتمل بود. اما کثرت تبلیغات و جوسازیهای گروهکها و رسانه های خارجی، زمینه های بروز اختلاف را بیش از پیش تشدید می کرد.

روزهای نخست حیات انقلاب اسلامی، اندیشه‌های رهبری انقلاب به لحاظ نوبودن هنوز کاملاً مشخص نشده بود و شناخت و ارزیابی آنها برای مردمی همچون مردم کردستان که از داشتن رهبران روحانی متقی و انقلابی محروم بودند بسیار مشکل بود. گروه‌های چپ با استفاده از این خلاء تفسیری از انقلاب اشاعه دادند که مبتنی بر اصول ایدئولوژیک خودشان بود. در نتیجه از همان ابتدای امر حکومت اسلامی مخالف خواسته‌های خلق ایران معرفی گردید و مبارزه با آن به اشکال مختلف از جمله مبارزه نظامی در برنامه کار گروه‌های مدعی دفاع از خلقها بویژه خلق کرد قرار گرفت. مبارزه مسلحانه در شکل حمله به پادگان مهاباد تنها هشت روز پس از پیروزی انقلاب آغاز شد. این حمله درست زمانی انجام شد که از سوی دولت و امام (مأخذ ۶) هیأتی برای تشریح اهداف انقلاب اسلامی و گفتگو با عزالدین حسینی وارد مهاباد شده بود. شیخ عزالدین حسینی این اقدام ضد انقلابی را حرکتی جهت خلع سلاح هواداران رژیم سابق دانست و گفت:

"در جریان مذاکرات با هیأت اعزامی از تهران، شورش مهاباد پیش آمد و سربازان و افسران انقلابی، بعضی از افراد نظامی طرفدار رژیم سابق را خلع سلاح کردند." (مأخذ ۷)

در همین اثنا رادیویی به نام "صدای آزاد کردستان" تحت پوشش خودمختاری، مردم را به قیام علیه نظام اسلامی دعوت می کرد اقدام به پخش اعلامیه های حزب دمکرات کردستان شیخ عزالدین حسینی کرده و از مردم کردستان دعوت می کرد تا "برای دستیابی به خودمختاری کردستان قیام کنند." (مأخذ ۸) در پی آن سراسر کردستان درگیر ناآرامیها و تظاهرات می شود. در سنج بیش از ۴ هزار نفر از اعضای گروهک "جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب" (که سخنگوی آن صدیق کمانگر کمونیست بود و از حمایت شیخ عزالدین حسینی برخوردار بود) اقدام به راهپیمایی کردند و شعارهایی چون "اسلحه در دست مردم تنها راه پاسداری از انقلاب است، کشته ندادیم که آشتی کنیم، شورای انقلابی نظامی، فقط با انتخاب آزاد سربازان، درجه داران و افسران تشکیل گردد" (مأخذ ۹) سر دادند. به دنبال این حوادث خبرگزاری فرانسه گزارش داد:

"کردها که در غربی ترین بخش ایران در کنار عراق زندگی می کنند یکبار دیگر پس از بیست و نه سال زمزمه تجزیه طلبی سرداده اند. اخباری که از کردستان می رسد حاکی است که

تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای این استان با شرکت معلمان، کارگران، دانش آموزان، نظامیان و مردان مسلح کرد صورت گرفته است و این تظاهرات به عنوان حرکت مخالفی علیه دولت مرکزی تلقی می‌شود. " (مأخذ ۱۰)

رادیو لندن نیز در تفسیری گفت:

بحران کردها در مرز ایران و عراق مهمترین مشکلی است که دولت جدید ایران با آن

روبروست؛

این رادیو افزود:

در ماهها اخیر و بعد از ضعیف شدن شاه ایران، کردها توانستند اسلحه زیادی در حمله به پاسگاههای ایران به دست آورند. (مأخذ ۱۱)

در تداوم اقدامات گروههای ضد انقلاب در تسخیر پایگاهها و پاسگاههای نظامی منطقه کردستان در روز پنجم اسفند ماه ۱۳۵۷ پادگانهای پسوه و پیرانشهر در نزدیکی مهاباد عملاً به دست افراد مسلح کرد خواهان خودمختاری افتاد. (مأخذ ۱۲) علاوه بر این، بیانیه‌هایی در شهرهای سقز، بانه و مریوان پخش شد که در آنها از مردم خواسته شده بود به پایگاههای نظامی حمله نمایند. (مأخذ ۱۳)

از سوی دیگر در حالی که هیأت اعزامی دولت به کردستان تلاش داشت تا از طریق مذاکره و دادن امتیاز به اشغال پادگانها پایان دهد، سازمان چریکهای فدایی خلق اقدام به آموزش جوانان کرد (مأخذ ۱۴) کرده و هواداران این سازمان در اجتماعي در سنندج؛ خواستار اداره پادگانها بوسیله شوراهای انقلابی؛ شدند. (مأخذ ۱۵)

در پی گسترش ناآرامیها و اقدامات مسلحانه گروههای ضد انقلاب روزنامه اطلاعات نوشت: "رزمندگان کرد جدایی طلب، جادها، شهرها و مناطق حساس را زیر نظر و کنترل دارند." (مأخذ ۱۶)

از سوی دیگر برای جلوگیری از حمله مهاجمین مسلح، به پادگانهای نظامی، به دستور سرلشکر قرنی، رئیس ستاد ارتش، جت‌های شکاری بر فراز شهرهای کردستان به پرواز درآمدند.



در پی این اقدام، این شایعه در منطقه قوت گرفت که «چنانچه رزمندگان کرد بر در خواست خود، مبنی بر خود مختاری پافشاری کنند، دولت مرکزی دست به عملیات نظامی در منطقه خواهد زد» (مأخذ ۱۷) به دنبال آن ترکهای مقیم مناطق کرد نشین سرعت خانه و کاشانه خود را تخلیه کردند و به سوی شهرهای تبریز و ارومیه گریختند.

در این ایام امام خمینی در دیدار گروهی از علمای کردستان با ایشان، ضمن واجب الهی دانستن وحدت تمامی اقشار ملت خطاب به آنان فرمودند:

«بر شما مأمورین کردستان و علمای کردستان بر حسب وظیفه ملی و شرعی است که اگر چنانچه آنجا نغمه‌ای از جهال یا از مفسده‌ها جوها در این امور بلند شد، بدانید که این از حلقوم اجانب است. آنها می‌خواهند این اختلافات را ایجاد کنند تا باز برگردند به حال اول منتها به فرم دیگر.» (مأخذ ۱۸)

تنها سه روز پس از سخنان امام خمینی، شیخ عزالدین حسینی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

«اگر به خواسته‌های ما که در قطعنامه ۸ ماده‌ای منتشر شده است توجه نشود ما هر طوری که صلاح بدانیم مبارزه خواهیم کرد.» (مأخذ ۱۹)

در مقابل احمد مفتی زاده بانی گروهی تحت عنوان حزب «مساوات اسلامی» در مورد مفاد قطعنامه ۸ ماده‌ای کردستان می‌گوید:

در این ۸ ماده کمترین رنگ اسلامی به چشم نمی‌خورد.

وی ضمن تأکید بر «حق خود مختاری خلق کرد» در مورد شیوه رسیدن به این هدف برخلاف شیخ عزالدین حسینی که بر مبارزه مسلحانه اصرار دارد، اعلام کرد:

«طریق راه سیاسی هم برای ملت و هم در شرایط فعلی انقلاب پسندیده تر است» (مأخذ ۲۰)

همزمان با اوج گیری ناآرامیها در سنندج، احزاب چپ مدعی رهبری کرد که در پی سیطره نظامی بر کردستان بودند، بعد از تصرف پادگانهای مهاباد، پسوه و پیرانشهر، تدارکات خلع سلاح پادگان سنندج را دیدند. اگر آنها در این اقدام موفق می‌شدند می‌توانستند از لحاظ استراتژیک

بخش زیادی از منطقه کردستان را از کنترل دولت خارج سازند و حد فاصل سنندج، مهاباد که اصلی‌ترین مرکز فعالیت گروه‌های ضد انقلاب بود به تصرف آنها درمی‌آمد و راه برای تصرف پادگانهای جلدیان، سردشت، سقز و غیره همواره می‌شد. مهمتر از آن، تسخیر پادگان سنندج به مثابه به دست گرفتن دروازه کردستان بود و در واقع بابه چنگ آوردن پادگان و لشکر ۲۸ سنندج آنها می‌توانستند ارتباط ما بقی پادگانهای منطقه را از لحاظ کمک گرفتن و تقویت شدن قطع کنند و بدین ترتیب زمینه‌های سقوط آنان را فراهم کنند. (مأخذ ۲۱) در روز ۲۷ اسفند مسئولیت حجه الاسلام صفدری و مفتی زاده که در غیبت آن دو رخ داد و با پخش شایعه "خالی کردن گندم سیلوی سنندج" از سوی حکومت برای گرسنگی دادن به کردهای اهل تسنن، مردم را برای حمله به پادگان سنندج تحریک کردند. در همین اثنا صدیق کمانگر به اتفاق چند تن رادیو سنندج را اشغال کردند و با خواندن پیامی، مردم را به حمله به پادگان تشویق نمودند. وی طی پیامی از مردم خواست:

"مردم قهرمان و مبارز کردستان، هر کس سلاحی دارد به پادگان حمله کندهرفشنگ

شما می‌تواند هم‌زمان را نجات دهد. شهر راسنگر بندی کنید." (مأخذ ۲۲)

علاوه بر این وی طی تماس با مهاباد از شیخ عزالدین حسینی و نیروهای حزب دموکرات کمک خواست در پی این درخواست گروه گروه از نیروهای مسلح مهاباد، بوکان و شهرهای دیگر به سوی سنندج سرازیر شدند. آنها ابتدا پادگان ژاندارمری را که در جنب پادگان لشکر ۲۸ قرار داشت بر اثر خیانت برخی فرمانده آن بدون هیچگونه مقاومتی تسخیر کردند و اسلحه‌های آن را به غنیمت گرفتند. فرمانده لشکر ۲۸ سنندج به دست مهاجمین اسیر شد و آنها از او خواستند از طریق رادیو به پادگان دستور دهد تا تسلیم شوند. به رغم اینکه وی از سربازان و درجه داران و افسران مقاومت کننده خواست که در مقابل نیروهای محاصره کننده مقاومت نکنند و بی‌درنگ تسلیم شوند ولی آنها از دستورات او سرپیچی کرده و به مقاومت خود ادامه دادند (مأخذ ۲۳) با ادامه این مقاومت، به دستور سرلشکر قرنی رئیس ستاد ارتش چند فروند هلی کوپتر حلقه محاصره را به مسلسل بستند و با اعزام نیروهای کمکی حمله مهاجمین را با شکست مواجه کردند. دکتر

مصطفی چمران در یادداشتهای خود در مورد توطئه سنندج می نویسد:

در ساعت ۲۳ روز ۵۷/۱۲/۲۷ هزاران نفر از توطئه‌گران پادگان نظامی سنندج را محاصره کردند و بدون آنکه گلوهای از داخل به طرف آنها شلیک شود وارد پادگان شدند و ۲۱ سرباز را کشتند و چند ساختمان را تسخیر کردند، می رفت که پادگان بزرگ سنندج به دست توطئه‌گران سقوط کند. و به همان روز سیاه مهاباد بیافتد. اما تیمسار قرنی (که خدا رحمتش کند) تصمیم گرفت که پادگان سنندج را محافظت کند و اجازه ندهد که بی شرمانه مثل مهاباد به دست دشمن سقوط نماید. لذا عده‌ای از پاسداران و سربازان را از کرمانشاه با هلی کوپتر به داخل به پادگان سنندج گسیل داشت و آنها مدت ۱۱ روز زیر آتش مهاجمین مقاومت کردند تا پادگان را از سقوط حتمی نجات دادند. (مأخذ ۲۴)

اما این قاطعیت تیمسار قرنی در برخورد با گروههای ضد انقلاب در سنندج به مذاق دولت خوش نیامد و در اوج درگیریها وزیر کشور وقت با ارسال تلگرافی از وی خواست تا از به کارگیری هلی کوپترهای مجهز به مسلسل درمقابله با مهاجمین به پادگان سنندج خوداری کرده و از پرواز فانتومها برفراز شهر جلوگیری نماید. شهید قرنی در پاسخ به تلگراف وزیر کشور گفته بود.

“تا موقعی که این جانب از طرف رهبر انقلاب مسئولیت اداره ارتش رادارم از انجام نظر جنابعالی و آزاد کردن افرادی که به داخل پادگان هجوم برده‌اند و تا زمانی که متجاوزان گمراه، شهر را به وضع آرام برنگردانند و ایستگاه رادیو تلویزیون و ستاد لشکر ۲۸ سنندج و فرودگاه به مسئولین معین واگذار نشود، معذورم.” (مأخذ ۲۵)

در نتیجه این ایستادگی بنا دستور نخست وزیر موقت انقلاب اسلامی، شهید قرنی از سمت ریاست ستاد کل ارتش کنار گذاشته شد و به ترتیب دولت در مقابل تبلیغات گروههای چپ که شهید قرنی را “قاتل مردم کردستان” می نامیدند، تسلیم شد، درحالی که پادگان سنندج و مراکز اصلی این شهر هنوز در معرض تهاجم نیروهای مهاجم بود.

رادیو لندن در خصوص برکناری قرنی از سمت خود گفت:

تغییر رئیس ستاد ارتش ایران به خاطر شدت عملی بوده است که ضمن زد و خورد‌ها با کردها در پیش گرفته شده است.\* (مأخذ ۲۶)

سفارت آمریکا در تهران طی گزارشی برای وزارت خارجه آن کشور نوشت:  
ظاهراً شورشیان کرد بیشتر نقاط شهر را اشغال کردند. هرچند پادگان هنوز در دست ارتش است و از قرار معلوم از ارومیه و تهران به وسیله هلی کوپتر نیروی تقویتی به آنجا ارسال می شود. (مأخذ ۲۷)

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد که رهبری، در سنندج به دست نیروهای رادکالتر احتمالاً شامل عناصر فدائیان افتاده است. خبرگزاری فرانسه تصریح می کند که:  
این جنگ (درگیری سنندج) دولت را با سخت‌ترین مبارزه طلبی‌هایی که تاکنون با آن ارتش تأیید خواهد شد و در نتیجه، دیگر گروه‌های ناراضی احتمالی تشویق خواهند شد که در مورد خواسته‌های خود پافشاری کنند. (مأخذ ۲۸)  
این پیش‌بینی خبرگزاری فرانسه بطور وحشتناکی درست از آب درآمد. در روزهای نخستین

---

\* بنابراین دولت موقت بجای اینکه با گروه‌های مسلح ضد انقلاب با قاطعیت برخورد کند و از مدافعان انقلاب اسلامی حمایت نماید، روش مماشات را در قبال آنان در پیش گرفت و با دادن امتیازات مختلف آنها را در اهدافشان جدی تر ساخت. البته این سیاست از همان ابتدای قدرت رسیدن دولت موقت اتخاذ شده بود.  
دولت بازرگان در ابتدای کار یکی از افسران توده ای به نام ابراهیم یونسی را به سمت استاندار حساسترین استان کشور یعنی کردستان منصوب کرد. خود دکتر یونسی درباره اقداماتش در کردستان می گوید: «در شروع کار کوشیدم میان گروه‌های مختلف تفاهم و توافق به وجود آوردم. تا براساس این تفاهم آرامش در منطقه به وجود آید. به این منظور قبل از هر چیز باید کمیته‌ها و پاسداران را تصفیه می کردم. یکی از این کمیته‌ها که احمد مفتی زاده این را اداره می کرد باعث به وجود آمدن مشکلات و ناراحتی‌های زیادی در منطقه بود.»  
انتصاب فریده قریشی کاندیدای سازمان چریک‌های فدایی خلق شاخه سنندج، برای مجلس شورای اسلامی به سمت ریاست بهداری و بهزیستی سنندج از سوی دکتر سامی وزیر بهداری و بهزیستی دولت موقت نیز در همین راستا است. این روند در طول حکومت دولت موقت ادامه داشت و جز تقویت گروه‌های مسلح و ضد انقلاب نتیجه ای به بار نیاورد. (روزنامه کیهان ۲۶/۴/۵۸)

سال ۱۳۵۸ درحالی که هیأت اعزامی از تهران مرکب از مرحوم آیت الله طالقانی، شهید دکتر بهشتی، حاج سید جوادی، بنی صدر و حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی درحال مذاکره با شیخ عزالدین حسینی و رهبران دمکرات کردستان و سایر دست اندرکاران قضایی پادگان سنندج بودند تا آتش بس را در شهر برقرار نمایند، نیروهای مسلح شورشی که قصد داشتند ماجرای مه‌آباد را تکرار کنند حلقه محاصره را به دور پادگان سنندج تنگ‌تر کردند. آتش بسی که در روزهای دوم و سوم فروردین ۱۳۵۸ در این شهر برقرار شده بود بارها به توسط افراد مسلح نقض گردیده و تقصیر آن به گردن نیروهای مستقر در پادگان سنندج انداخته شده بود.

اما همه این ترفندها، به سبب حضور آیت الله طالقانی و هیأت همراه در منطقه و افشاگریهای ایشان از یکسو و مقاومت نیروهای نظامی مستقر در پادگان سنندج از سوی دیگر با شکست مواجه شد و نیروهای مهاجم نتوانستند به اهداف خود در حمله به پادگان سنندج دست یابند. آیت الله طالقانی در سخنرانیهای مختلفی که در سنندج ایراد کردند بارها از مردم کردستان خواستند که «آلت دست» نشوند و به دولت اسلامی اجازه دهند تا سر فرصت به خواسته های آنان رسیدگی کند. در قطعنا مه ای هم که پس از دستیابی به توافقات بین طرفین از سوی هیأت اعزامی از تهران انتشار یافت، هیأت تضمین کرد که:

۱- حقوق همه مردم ایران از جمله مردم کردستان تأمین شود. ۲- مردم کردستان برای اشاعه فرهنگ کردی آزادی کامل داشته باشند. ۳- امور منطقه با اراده و انتخاب مردم اداره شود. ۴- همه گونه امکانات به مردم کردستان داده شود و منابع اقتصادی داده شود و منابع اقتصادی منطقه در راه رفاه مردم به کار گرفته شود. ۵- مردم کردستان حق دخالت در سیاست عمومی و تصمیم گیری در سرنوشت مملکت بدون هیچگونه تبعیضی را داشته باشند. (مأخذ ۲۹)

در پی توافقات به عمل آمده آتش بس در سنندج برقرار گردید و هیأت اعزامی دو کمیته انقلابی این شهر به سرپرستی مفتی زاده و حجت الاسلام صفدری را منحل کرد و یک شورای ۵ نفره مرکب از ۲ نفر از جناح وابسته به احمد مفتی زاده، ۲ نفر از شورای موقت

انقلاب سندج وابسته به عزالدین حسینی و حزب کومه‌له و یک نفر نماینده آیت الله طالقانی را مسئول اداره شهر کرد تا مقدمات انتخابات شورای ۱۱ نفره برای اداره شهر را فراهم آورد. به این ترتیب غائله اول سندج بطور موقت پایان یافت. پایانی گروهکها توانستند درصد قابل توجهی از خواسته های خود را تحمل کنند با گروهکهای که در راه رسیدن به هدف تسخیر مسلحانه سر تا سرکرد ستان درسندج ناکام مانده و نتوانسته بودند با تصرف پادگان لشکر ۲۸ به نیات خود دست یابند با تحریک عده ای از نظامیان وابسته مسئله اداره پادگانها تحت نظر شورای انقلابی را مطرح کردند تا به این طریق بر پادگانهای نظامی تسلط یابند به دنبال آن عده‌ای به عنوان افسران و درجه داران ارتش در شهرهای کردستان دست به راهپیمایی تحصن و اعتصاب زدند و در قطنامه ای اعلام کردند<sup>۳۰</sup>

همه پادگانها در کردستان باید تحت نظر شورای انقلابی اداره شود بدین منظور باید یک کمیته مشترک نظامی از افسران میهن پرست و نمایندگان شورای انقلابی تشکیل گردد<sup>۳۰</sup> (مأخذ ۳۰) از سوی دیگر با نزدیک شدن زمان انجام<sup>۳۱</sup> «فراندم تعیین نظام سیاسی کشور» تلاشهای گستردهای از سوی احزاب چپ و التقاطی و شیوخ مرتجع برای جلوگیری از شرکت مردم در فراندم صورت گرفت. شیخ عزالدین حسینی در این مورد گفت:

«چون محتوای جمهوری اسلامی مبهم و نامعلوم است و حق تعیین سرنوشت و مسئله خودمختاری کردستان در چارچوب ایران آزاد و حقوق حقه سایر خلقها نامشخص می باشد، بنابراین از شرکت در فراندم خودداری می نمایم.»<sup>۳۱</sup> (مأخذ ۳۱)

در پی تبلیغات گسترده در مخالفت با فراندم در سرتاسر کردستان در بین کشاورزان منطقه شایع شد<sup>۳۲</sup> «اگر برگ سبز به صندوق بیندازید اراضی شما را پس می گیرند و به مالکان می دهند.»<sup>۳۲</sup> (مأخذ ۳۲)

در روز فراندم صندوقهای بسیاری را به آتش کشیدند و مردم را به گلوله بستند. به عنوان نمونه از ۴۵ صندوق مستقر در روستای سقر تنها ۳ صندوق به ستاد انتخابات برگشت مهباد عده‌ای مسلح مانع از رای دادن مردم و با حضور آنها درحوزه‌های رأی گیری شدند در سندج چندین

صندوق را به آتش کشیده بودند (مأخذ ۳۳) و به این ترتیب از انجام یک رفراندوم آزاد در منطقه کردستان جلوگیری کردند و مردم مسلمان کردستان را از ادای دین به اسلام محروم ساختند.

بعد از اخلاگری در رفراندوم نیروهای ضد انقلاب مسلحانه وارد نرده شدند و اقدام به قدرت نمایی کردند حزب دمکرات به منظور گسترش بحران از منطقه کردستان به آذربایجان غربی هیچگاه دست از توطئه و اخلاگری در منطقه نرده برنداشتند و هر چند که به خاطر دخالت ارتش و حضور پاسداران انقلاب در رسیدن به این هدف ناکام ماندند. با این حال در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۵۸ فرصتی به دست آمد تا عده‌ای از فئودالهای منطقه از جمله فئودال طاغی "سنارمادی" با نهایت حزب دمکرات و با استفاده از کمکهای مالی رئیس سابق ساواک آذربایجان غربی و کمکهای تسلیحاتی دولت عراق علیه انقلاب اسلامی و دولت مرکزی دست به قیام مسلحانه زده و بر شهر مرزی "سرو" مسلط شوند و نیروهای ژاندارمری را مجبور به عقب نشینی به خاک ترکیه نمایند ژاندارمری ارومیه عده‌ای از ژاندارمها و نیروهای دواطلب محلی ارومیه را به شهر سرو فرستاد. ولی آنها در گردنه (قلعه حصار) در وسط ارومیه - سرو به محاصره نیروهای شورشی درآمدند و با دادن تلفات سنگین به ارومیه بازگشتند. در پی این حادثه نیروی زمینی ارتش به فرماندهی تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی در حالی که دکتر چمران در کنار او بود برای کمک به ژاندارمری به "قلعه حصار" رفت و با یک عملیات نظامی این گردنه را تسخیر کرد. در این عملیات دکتر چمران در اولین حرکت انقلابی - نظامی خود با کلاشینکف پیشاپیش نیروهای نظامی حرکت و راه را برای عبور تانکها باز میکرد. در نتیجه این رشادتها گردنه سخت (قلعه حصار) از چنگال نیروهای ضد انقلاب خارج شد و با باز شدن راه ارومیه به سرو، شهر مرزی سرو از محاصره خارج گردید. فئودالهای منطقه نیز با فرستادن نمایندگان خود موافقت کردند که دست از جنگ و خونریزی بردارند. اما در همان ایامی که مذاکرات در ارومیه ادامه داشت گروهی از فئودالها با حمایت حزب دمکرات کردستان با منطقه "قطور" حمله بردند و ۶ پاسگاه ژاندارمری را خلع سلاح کردند. همزمان عده‌ای از عناصر مسلحه ضد انقلاب در (منطقه بند) کمین کرده و اقدام به غارت اموال مردم و حملات مسلحانه علیه نیروهای دولتی کردند. در پی این حوادث

ارتش پس از اتمام مأموریت در قلعه حصار به ارومیه بازگشت تا برای پاکسازی منطقه قطور به آن مناطق عازم شود. اما گروه‌های ضد انقلاب که از عملیات ارتش به هراس افتاده بودند تلاش کردند تا با تحریک عوامل خود، در داخل نیروهای مسلح، انسجام آن را به هم ریخته و مانع از انجام مأموریت ارتش شوند در خلال ناآرامیها و در گریه‌های مسلحانه در منطقه مرزی ارومیه اخباری مبنی بر دخالت عراق در امور داخلی ایران و ورود اسلحه از آن کشور برای شورشیان کرد در مطبوعات ایران درج گردید. روزنامه جمهوری اسلامی طی گزارشی از وضعیت منطقه خبر داد “در دهکده مرزی به نام “سرو” حد فاصل ارومیه - کردستان اسلحه زیادی وجود دارد که از مرز عراق به داخل ایران وارد می شود” (مأخذ ۳۴)

در همین حال وزارت کشور ایران اعلام کرد که اخیراً بنا به دعوت دولت عراق “سردار جاف” - رئیس ایل جاف - به بغداد رفت و دولت عراق دو میلیون دینار عراقی در اختیار او گذاشت تا برای ایجاد نا آرامی در ایران از آن استفاده کند. (مأخذ ۳۵) علاوه بر این دولت بعثی عراق به تحکیم و تثبیت مواضع خود در مرز مشترک با ایران در منطقه کردستان اقدام کرد. در اسناد سفارت امریکا در تهران در این باره چنین آمده است:

اخیراً دولت بغداد سربازان بیشتری را به مناطق کرد نشین اعزام داشته و مرز خود با ایران را بسته است و بر جریان امور، نظارت دقیق دارد. (مأخذ ۳۶)

عراق با استفاده از جلال طالبانی قصد دارد کردهای ایران را تحریک نماید. هدف عراق این است که ثابت کند اگر ایران با عراق همکاری ننماید بغداد می تواند وضع را مشکل کند. (مأخذ ۳۷)

این در حالیست که سعدون حمادی وزیر خارجه وقت عراق ادعا می کند که فعالیتهای خرابکارانه از داخل ایران علیه عراق انجام می شود که هدف آن ایجاد مشکلاتی در روند انقلابی این کشور است. (مأخذ ۳۸) از سوی دیگر روزنامه الثورة ارگان حزب بعث عراق، جمهوری اسلامی ایران را “همدست امپریالیسم” خوانده و می نویسد:

دولت ایران دیگر نمی تواند نیت ستیزه جویانه و توسعه طلبانه خود را پنهان کند.



دولت ایران با بازگرداندن اوضاع به وضعی که در گذشته بود به میل و خواسته آمریکا عمل می‌کند." (مأخذ ۳۹)

این عبارت در زمانی گفته و نوشته می‌شود که علاوه بر حکومت و نیروهای مسلح عراق، عده ای از کردهای مسلح آن کشور، در شورشهای کردستان ایران دست دارند و از آنجایی که ژاندارمری و گارد مرزی ایران کنترل کافی بر مرزهای مشترک ایران و عراق در ناحیه کردستان ندارند، دقت و آمد شورشیان و تبادل پول و اسلحه در مرز بدون مانع صورت می‌پذیرد. (مأخذ ۴۰)

با افزایش تنش بین ایران و عراق و تنگاتنگ شدن همکاریهای مالی، لجستیکی و تبلیغاتی بغداد با گروههای ضد انقلاب در کردستان این گروهها برنامه سیطره بر کردستان را با شدت و حدت بیشتری دنبال کردند.

در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۵۸ صدها نفر از افراد مسلح احزاب چپ، وارد مریوان شدند و ۲۵ پاسدار کرد محلی را محاصره کردند که نیمی از آنها را کشتند و بقیه را مجروح یا متواری کردند. (مأخذ ۴۱)

سپاه پاسداران کرمانشاه ۱۰۰ پاسدار را به مریوان اعزام می‌کند ولی آنها هنگامی به شهر می‌رسند، کار از کار گذشته است و لذا در پادگان ارتشی مریوان در چهار کیلومتری خارج شهر مستقر می‌شوند. احزاب چپ برای اعتراض به ورود پاسداران به پادگان مریوان، مردم شهر را به اردوگاهی در هشت کیلومتری خارج شهر بردند و زیر چادر جمع کردند تا با تحصن آنها پاسداران انقلاب مجبور به ترک پادگان شوند. علاوه بر این مردم با بستن راهها مانع از حرکت ۱۰۰ دستگاه تانک و زره پوش اعزامی شدند. از سوی دیگر تعدادی از افراد گروهکی، از سنندج به سوی مریوان به حرکت در آمدند و با جلو انداختن زنها و کودکان تصمیم گرفتند به پادگان ارتش در مریوان حمله کنند. علاوه بر این نیروهای زیادی از کردهای داخل و خارج کشور تمامی ارتفاعات مشرف به شهر مریوان را محاصره کردند. در تمام این مدت ارتش با آنکه فقط ۴ کیلومتر با مریوان فاصله داشت حرکتی نکرد. (مأخذ ۴۲)

پس از سلطه بر مریوان که به یمن سیاست سازشکارانه دولت موقت و پذیرش خروج پاسداران غیر بومی از مریوان به دست آمد، گروههای تجزیه طلب نیروهای خود را برای تصرف جنوبی

ترین شهر منطقه کردستان یعنی پاوه اعزام کردند. با سقوط پاوه دیگر سرتاسر منطقه کردنشین زیر سلطه سیاسی و نظامی احزاب چپ قرار می گرفت و هیچ نیروی مقاومتی در برابر احزاب مخالف نظام اسلامی باقی نمی ماند. نیروهای تجزیه طلب بویژه حزب دمکرات کردستان بعد از قریب به ۷ ماه کشمکش و جنگ و گریز، به ضعف دولت موقت پی برده زمان را برای اجرای آخرین پرده از سناریوی خود یعنی تصرف پاوه و در پی آن تجزیه کردستان مساعد می دیدند. در پی این هدف، حزب دمکرات کردستان در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۵۸ یعنی تنها یک هفته قبل از شروع حمله به پاوه، طی نامه سرگشاده ای خطاب به امام خمینی و حمله شدید به ارتش اعلام کرد:

حضرت آیت الله: با صراحت و مسئولیت تمام اعلام می کنیم که کردستان در آستانه فاجعه بزرگی قرار دارد و توطئه گسترده ای علیه مردم ستم دیده کردستان در شرف تکوین است قوائن و شواهد نشان می دهد که فاجعه نزدیک است .... ما نمی خواهیم این حقیقت تلخ از نظر رهبر عالیقدر انقلاب پنهان بماند. اگر نیروهای ضد انقلاب که اکنون دارند از هر طرف به سوی کردستان، ارتش گسیل میدارند به دستاوردهای انقلاب ما حمله کنند، اگر روی خلق ما اسلحه بکشند، یقین داشته باشند که خلق ما و زحمتکشان کردستان یکپارچه و متحد از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع خواهد کرد. حضرت آیت الله: شخص آن حضرت به مردم ایران یاد داده اید که برای دفاع از حق مسلم خود هیچ ارتشی نهراسند. مطمئن باشید مردم کردستان این درس رهبر انقلاب را فراموش نکرده اند ...." (مأخذ ۴۳)

تنها یک هفته پس از انتشار این نامه سرگشاده افراد مسلحی از ایل قلخانی و ایل جوانرود و طرفداران سردار جاف و پالیزبان به همراه حزب دمکرات، حزب کومه له، چریکهای فدایی خلق، طرفداران جلال طالبانی و ..... نیروهای خود را برای محاصره پاوه تجهیز کردند. در تاریخ ۲۰/۵/۱۳۵۸ عده ای از چپی ها و طرفداران حزب دمکرات در قریه قوری قلعه متحصن شده و با صدور قطعنامه ۱۲ ماده ای خواستار تشکیل شورایی شهرستان پاوه، تصفیه سپاه پاسداران پاوه و حق خود مختاری کردستان شدند. در روز ۲۲/۵/۵۸ شورشیان مسلح همه راهها را به تصرف خود در آورده، پاوه را محاصره کردند و چند کامیون خواروبار را که از باختران به پاوه می رفت تصرف نمودند.

محاصره شهر ساعت به ساعت تنگ تر می‌شد و درگیریها شدت بیشتری به خود می‌گرفت. در نیمه شب ۵۸/۵/۲۴ درگیریها به اوج و همه ارتفاعات اطراف شهر به دست مهاجمین افتاد که پاسداران به مقر خود در وسط شهر عقب نشینی کردند. در روز ۵۸/۵/۲۵ در حالی که جنگ بشدت ادامه داشت فرمانده سپاه پاوه توسط بی سیم اطلاع داد که اگر کمکی نرسد تا یک ساعت دیگر شهر به تصرف مهاجمین درخواهد آمد. (مأخذ ۴۴)

در حالی که خطر سقوط، شهر پاوه را هر لحظه تهدید می‌کرد از طرف دولت موقت دکتر چمران مأموریت یافت تا برای مقابله با اشرار به سوی پاوه حرکت کند. دکتر چمران وقتی وارد شد که از ۶۰ پاسدار غیر محلی فقط ۱۶ نفر باقی مانده بودند و از این تعداد ۶ یا ۷ نفر مجروح شده بودند و قادر به جنگ نبودند.... مهمات آنها به پایان رسیده بود. همه ارتفاعات شهر به دست دشمن سقوط کرده بود، بیمارستان معروف پاوه به دست آنها افتاده بود و ۲۲۵ پاسدار مجروح بستری در آن راسربریده بودند و نیرویی بین ۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر از گروههای چپی و راستی با اسلحه سبک و سنگین منطقه را زیر سیطره خود گرفته بودند. (مأخذ ۴۵) در حالی که می رفت آخرین نقطه مقاومت در شهر پاوه سرکوب شود و نیروهای شورشی تا ۳۰ متری پاسگاه، محل استقرار دکتر چمران و پاسداران انقلاب پیشروی کرده بودند، فرمان تاریخی امام مبنی بر حرکت ارتش به سوی پاوه همه چیز را دگرگون کرد. امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۶ به عنوان فرمانده کل قوا با صدور پیامی اعلام کردند:

“ به دولت، و ژاندارمری اخطار می‌کنم که اگر با توپها و تانکها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود من همه را مسئول می‌دانم. من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی انتظار دستور دیگر، بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند و به دولت دستور می‌دهم و سایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند. تا دستور ثانوی من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند، با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرراً از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده است، من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم.” (مأخذ ۴۶)

با صدور فرمان تاریخی امام خمینی موجی از هیجان سرتا سر ایران را فرا می‌گیرد، هزاران نفر در مقابل ساختمان نخست وزیری به صف ایستاده و طلب اسلحه می‌کنند که رهسپار پاوه شوند، کمیته‌های شهرها و پاسداران و یگانهای زیادی از داوطلبین ارتشی خواستار اعزام به پاوه می‌شوند، باختران از کثرت داوطلبین ارتشی و غیر ارتشی موج می‌زند. (مأخذ ۴۷) در صحنه نبرد نیز مزدوران با شنیدن پیام امام پا به فرار می‌گذارند و مبارزان مدافع شهر پاوه از حالت تدافعی “خارج شده به دشمن هجوم می‌برند. با رسیدن نیروهای کمکی شهر پاوه در عرض چند ساعت پاکسازی می‌شود و همه کوهها و تپه‌ها و فرودگاه آن به دست نیروهای اسلام میافت،” ساعت ۱۰ صبح نوسود نیز به تصرف نیروهای اسلام در می‌آید. بعد از نوسود مریوان، بعد از مریوان، بسطام، بعد از بسطام بانه، بعد از بانه سردشت و از محوری دیگر مهاباد، بوکان، سقز و نکات دیگر یکی پس از دیگری به تصرف ارتش و پاسداران انقلاب در می‌آید و در عرض ۱۰ روز سرتا سر کردستان آزاد می‌شود “(مأخذ ۴۸) دکتر چمران در بخشی از خاطرات خود می‌نویسد:

“بزرگترین شهرهای کردستان مثل مهاباد، بانه، سقز، بوکان بدون درگیری به تصرف درآمد در شهر بانه نیروهای دشمن ۴ برابر نیروهای ما بود و فرماندهی آن را جلال الدین حسینی برادر عزالدین حسینی بعهدہ داشت که بزرگترین قدرت منطقه به شمار می‌رفت. ما ساعت شش بعد از ظهر وارد بانه شدیم ولی وی ساعت ۴ بعد از ظهر یعنی ۲ ساعت قبل از ورود ما از بانه گریخت و به عراق رفت.” (مأخذ ۴۹)

به این ترتیب در عرض ۱۰ روز کردستان آزاد می‌شود. اما باز هم اشتباه گذشته تکرار می‌شود، دولت موقت با اعزام هیات حسن نیت در صدد توافقاتی باضد انقلاب برمی‌آید و من جمله اینکه پاسداران از منطقه تخلیه می‌شود و ارتش فرمان می‌یا بد که تمام نیروهایش را به بازسازی و تجدید سازمان خود بپردازد، تنها یک ماه بعد از این توطئه گران و آشوبگران که به عراق گریخته بودند، بازگشتند. دوباره اسلحه وارد کردند. به این ترتیب یک بار دیگر شهرهای کردستان یکی پس از دیگری زیر سلطه گروههای ضد انقلاب قرار گرفت. نیروهای تجزیه طلب این بار نیز از مهاباد آغاز نمودند و پس از سیطره بر آن به سوی اشنویه و بانه حرکت کردند. در بانه هنگامی که

یک ستون نظامی از سردشت برای تعویض و رفتن به مرخصی عازم بانه بودند و دستور دلشت که در شهر تیراندازی نکند. مورد هجوم نیروهای ضد انقلاب قرار گرفت آنها با سپر کردن زنها و بچه های ستون نظامی را از پشت به رگبار بستند که در نتیجه بیش از ۳۵ نفر از سربازان شهید و ۷۵ نفر مجروح شدند. در جریان این حمله که در روز عید قربان سال ۱۳۵۸ اتفاق افتاد فرمانده ستون ارتشی نیز به شهادت رسید مدتی پس از این واقعه، گروهها مسلح شبانه وارد شهر میوان شدند و در بدو ورود هشت نفر از ساکنین آن را به جرم همکاری با جمهوری اسلامی و استقبال از نیروهای انقلاب در زمان آزاد سازی میوان به قتل رساندند. در همین زمان، گروههای ضد انقلاب ۲۰ نفر از گروگانهای مسلمان را در منطقه آلوآتان در نزدیکی مرز عراق کشته و اجساد آنها را در بیابانها پراکندند و دستور دادند که هیچ کسی حق دفن آنها را ندارد. (مأخذ ۵۰)

به این ترتیب یک بار دیگر کردستان در معرض سقوط قرار گرفت در این زمان نیروهای ضد انقلاب تا نزدیکی شهر باختران، قروه، بیجار (شهرهای شیعه کردنشین) مستقر شدند و روستاهای اطراف این شهرها را تحت کنترل خود در آوردند. علاوه بر این، جاده پاره را بستند و شهرهای جوانرود، روانسر و نوسود را مورد حمله قرار دادند. در این حملات تنها در نوسود از یک ستون ارتش ۷/۵ تن مهمات به دست ضد انقلاب افتاد. (مأخذ ۵۱)

همزمان با این، عشایر و ایلات قلیخانی و اهل حق در منطقه قصر شیرین، ریجاب و جوانرود که سران آنها با بعضی های عراق در رابطه بودند، اقدام به ناامن کردن جاده و حمله به روستاها کردند و با لشکر ۸۱ باختران درگیر شدند. شهر پاره نیز دوباره در محاصره قرار گرفت پادگان سنندج در معرض سقوط واقع شد و ستون ارتشی که برای پادگان کمک می برد در محاصره ضد انقلاب افتاد. در پی این حوادث رئیس جمهور وقت - بنی صدر - دستور داد تا ستون نظامی ارتش به سمت کردستان (مهاباد) حرکت کند. این ستون در دره قاسلمو در محاصره حزب دمکرات در آمد و بیش از ۶ تانک و مقدار قابل توجهی از تجهیزات آن به دست مهاجمین افتاد در این حادثه عده زیادی از پرسنل ستون کشته و یا اسیر شدند.

به دنبال این وقایع، بنی صدر اعلام کرد:

“کار کردستان تمام است و باید مذاکره سیاسی کرد.”

در نتیجه هیأتی برای مذاکره عازم کردستان شد. در مقابل سپاه به مخالفت با این اقدام برخاست و اعلام کرد:

“سپاه به تنهایی مردم را بسیج و به کردستان خواهد برد و تسلیم شرایط نخواهد شد.” متعاقب این مسئله حرکت مشترک سپاه و ارتش برای آزاد سازی دوباره کردستان آغاز شد. سپاه زنجان و بیجار از محور نجف آباد و دیواندره، سپاه همدان و قروه از محور گنجه - دهکلان سپاه باختران از محور کامیاران و سپاه اصفهان و تهران از پادگان لشکر ۲۸ سنندج و فرودگاه شهر بهجت آزاد سازی شهر سنندج عملیات شده بود این بار بیش از ۲۰ روز در محاصره قرار گرفته، مقاومت ضد انقلاب به طول انجامید. در این عملیات تعداد زیادی شهید و بیش از ۱۱۰۰ گلوله توپ به سمت مقر گروهکها شلیک شد. به این ترتیب ضد انقلاب توانست با سنگربندی شهرها و برانگیختن مردم بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای ارتش، پاسداران انقلاب و نیروهای مردمی را نزدیک به یک ماه در دروازه شهر سنندج نگهدارد و خسارات جانی و مالی عظیمی به انقلاب وارد سازد.

در شش ماهه اول سال ۱۳۵۹ - یعنی درست در زمان که دولت بعثی عراق تدارک یک تهاجم همه جانبه را علیه جمهوری اسلامی ایران می دید، نیروهای سپاه و بسیج سراسر کشور درگیر در کردستان بودند و لشکرهای ۲۸ سنندج ۶۴، ۸۱ و تیپ نود در این منطقه زمین گیر شده بودند. ذهن مسئولین کشور و امت حزب الله عموماً متوجه مسئله کردستان بود. این در حالی بود که در تمام این دوران، نه تنها عراق عقبه مطمئن برای گروههای محارب محسوب می شد. بلکه مرکز تغذیه و تدارکات سیاسی تبلیغاتی و نظامی آنان به شمار می رفت. درگیریهای کردستان فی الواقع مقدمه ای برای آغاز جنگ هشت ساله عراق علیه ایران محسوب می گردد. البته میدانهای جنگ در کردستان خود به خود آموزشگاه مناسبی شد برای تمرین

مانور نیروهای انقلابی سپاهی و مردمی که آمادگی نسبی برای شروع دوره های سخت اشغال کشور توسط ارتش عراق را پیدا کنند

## منابع و مأخذ

- ۱- نشریه کار، ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ۱۳۵۷/۱۲/۲۴  
 ۲- همان  
 ۳- همان  
 ۴- همان  
 ۵- مشکلات کردستان و نقش مجاهدان خلق ص ۱۰  
 ۶- مشکلات کردستان و نقش مجاهدان خلق ص ۱۵  
 ۷- روزنامه کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۱  
 ۸- همان  
 ۹- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۲  
 ۱۰- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۲  
 ۱۱- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۵  
 ۱۲- همان  
 ۱۳- همان  
 ۱۴- همان  
 ۱۵- روزنامه کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۵  
 ۱۶- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۷  
 ۱۷- همان  
 ۱۸- صحیه نور جلد ۵  
 ۱۹- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۱۲  
 ۲۰- همان  
 ۲۱- علی بهجت، انقلاب اسلامی و کردستان ص ۱۰۰  
 ۲۲- تحلیلی از وقایع کردستان ص ۱۵  
 ۲۳- همان ص ۱۷  
 ۲۴- دکتر چمران، کردستان ص ۳۸  
 ۲۵- روزنامه کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۷  
 ۲۶- روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۱/۶  
 ۲۷- اسناد لانه جاسوسی شماره ۳۱ کردستان ص ۱۲۸  
 ۲۸- همان  
 ۲۹- همان  
 ۳۰- علی بهجت، همان  
 ۳۱- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۱/۸  
 ۳۲- روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۱/۱۱  
 ۳۳- روزنامه کیهان  
 ۳۴- روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۴  
 ۳۵- اسناد دفتر مطالعات جنگ شماره ۰/۰۲۱۲۹۵  
 ۳۶- اسناد لانه جاسوسی جلد ۳۱ ص ۱۴۱  
 ۳۷- همان ص ۱۳۱  
 ۳۸- نشریه ویژه خبرگزاری پارس ۱۳۵۸/۸/۱۳  
 ۳۹- همان  
 ۴۰- دفتر سیاسی سپاه، کردستان، امپریالیزم و گروههای وابسته ص ۱۱  
 ۴۱- دکتر چمران، همان ص ۴۳  
 ۴۲- همان ص ۵۰  
 ۴۳- همان ص ۵۲  
 ۴۴- همان  
 ۴۵- همان  
 ۴۶- روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۱/۲۷  
 ۴۷- شهید چمران ص ۸۲  
 ۴۸- همان ص ۱۰۶  
 ۴۹- همان  
 ۵۰- دکتر چمران، همان  
 ۵۱- دکتر چمران، همان

## چگونگی کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ توسط عراق

اشاره

یحیی فوزی

سلاحهای شیمیایی در طول جنگ ایران و عراق بعنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارندگی و مقابله و نیز اهرم فشاری در دست رژیم عراق بود که با کیفیت و کمیت دلخواه آن رژیم استفاده شد که نتایج وحشتناکی را به بار آورد. این نتایج ناشی از سکوت مجامع بین المللی و همسوئی قدرتهای استکباری با سیاستهای رژیم عراق بود، برای تبیین بیشتر این موضوع تاریخچه مختصر حملات شیمیایی عراق از آغاز تا پایان جنگ مورد بررسی قرار گرفته که در ذیل ارائه میشود:

اولین حمله شیمیایی ثبت شده توسط سازمان ملل در جنگ ایران و عراق مربوط به تاریخ ۱۰/۳۳/۵۹ برابر با ۱۳ ژانویه ۱۹۸۱ می باشد که در منطقه ای بین هلاله و نی خزر واقع در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام توسط عراق علیه نیروهای ایرانی انجام شد که به شهادت ده تن از این نیروها انجامید. عامل مورد استفاده در این حملات گازهای مختل کننده اعصاب گزارش شده است. براساس گزارشهای منتشر شده، عراق در سال ۶۰ نیز چهار بار در مناطق هویزه، ارتفاعات الله اکبر، پل نادری و خرمشهر اقدام به استفاده از گلولههای شیمیایی نمود که عمدتاً توسط توپخانه یا خمپاره انداز پرتاب گردید. (مأخذ ۱) در سال ۶۱ عراق یازده بار از این سلاح استفاده گاز اعصاب بود و توسط توپخانه و خمپاره انداز پرتاب می شد. مناطق مورد استفاده شامل مناطق آبادان، ساوجی (درشمال



مربان)، ارتفاع ۱۷۵، موسیان، تنکاب (در منطقه شمال غرب)، شلمچه، گردنه بایو (در کردستان)، شرفائی در جنوب بوده که در برخی از این مناطق موارد استفاده مکرر گزارش شده است. در سال مجموعاً ۱۳ نفر در اثر این حملات شهید و ۲۱ نفر مجروح گردیدند. (مأخذ ۲)

در سال ۶۲ میزان بکارگیری این سلاح توسط عراق از افزایش قابل توجهی برخوردار شد که از نمونه های آن عملیات والفجر ۶ در جبهه مرکزی و عملیات خیبر در جبهه جنوبی می باشد. در این حملات نوع عناصر مورد استفاده و عوامل پرتاب کننده، تنوع بیشتری را شامل گردید.

در این سال مجموعاً ۴۵ مورد استفاده عراق از این سلاح گزارش شده است که بیش از چهار برابر سال قبل بود و عناصر شیمیایی مورد استفاده شامل عوامل تهوع‌زا، تاول‌زا، خردل، اعصاب و ترکیبی از خردل و تاول‌زا بوده است. همچنین در این سال علاوه بر استفاده از توپخانه بعنوان وسیله پرتاب کننده از هواپیما نیز استفاده شده است. محل حملات انجام شده عمدتاً تا دی ماه بدلیل تحریک نیروهای خودی در جبهه‌های شمال غرب و میانی (عملیات والفجر ۶) در این مناطق گزارش شده است که شامل سومار، رودخانه دویرج، نفرچین، شیوه‌رش، حاج عمران، پیرانشهر، ارتفاعات قمطره، ساوجی، سردشت، سومار، ارتفاعات بازی دراز، خراطها، مربان، روستای سیدلو، سردوش، روستای باینجان (در نزدیکی بانه)، گرماب، پنجون و پاوه بوده اند که مجموعاً در این حملات ۲۲ نفر شهید و ۲۷۹۳ نفر مجروح شدند. این حملات بترتیب در شهر پیرانشهر، ارتفاعات قمطره، حوالی پنجون و هور الهویزه از شدت بیشتری برخوردار بود، در این رابطه شهر پیرانشهر و چند روستای مجاور آن در ۶۲/۵/۱۸ توسط دو فروند هواپیما بمباران شیمیایی شدند. این تهاجمات رژیم عراق که با استفاده از بمباران هوایی حامل گاز «موستارد» انجام شد، یکصد نفر مجروح باقی گذاشت که ۱۰ نفر از آنها آسیب شدید در اعضای اساسی بدن داشتند و برای مداوا در بیمارستان بستری گردیدند، بقیه نیز از تورم و سوزش شدید در چشمها رنج می بردند، در این تهاجم وحشیانه، گزارش منجر به شهادت مجروحین نداشتیم. (مأخذ ۳)

همچنین در تاریخ ۸ و ۵ آبان ۱۳۶۲ شهر بانه و روستاهای اطراف آن مورد حمله قرار گرفت. در این تهاجمات یکبار دیگر گاز موستارد مورد استفاده رژیم عراق قرار گرفت که نتیجه آن ۹ نفر شهید و ۵۰ نفر مجروح بود. همچنین حوالی پنجون در تاریخ ۶۵/۸/۱۶ توسط هواپیما بمباران شد که به شهادت ۱۷ تن و مجروح شدن ۶۰ تن انجامید، در این حمله هواپیماهای عراقی از گاز اعصاب استفاده کردند. بمباران ارتفاعات قمطره با گاز تاول‌زا در ۶۵/۵/۲۳ با ۲۰۰ زخمی نیز، در

این رابطه قابل توجه است. (مأخذ ۴)

در خصوص حمله به پیرانشهر کارشناسان سازمان ملل که از محل حمله دیدن کردند مشاهدات خود را چنین گزارش کردند:

ما اثرات گاز موستارد را بر روی یک خانواده روستایی به ویژه مادر و دختران دو و چهار ساله‌اش دیدیم. ما شاهد مرگ دلخراش کودک چهارساله‌ای از دو ساعت قبل از مرگش بودیم. ما اثرات وحشتناک و دلخراش گاز موستارد را بر بدن زن باردار جوانی که جنین چهار ماهه در شکم داشت از نزدیک مشاهده کردیم. (مأخذ ۵)

با آغاز عملیات خیبر توسط نیروهای خودی در اسفند ماه ۶۲ مرحله جدیدی از جنگ آغاز شد. در این ماه نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قسمت بزرگی از جزایر مجنون را که یکی از مراکز استخراج نفت عراق بود به تصرف خود در آوردند، و پدافند مستحکمی را در آنجا سازمان دادند. صرف این مناطق در مقایسه با عملیات زمینی در سایر مناطق برای رزمندگان ایران اهمیت برجسته‌تری داشت. عراقیها به علت اهمیت استراتژیکی این منطقه تصمیم گرفته بودند که اجازه ندهند جزایر مجنون در دست نیروهای ایران باقی بماند. به علاوه نگران این مسئله بودند که مقادیر قابل ملاحظه‌ای از ذخایر نفتی خود را با ادامه اشغال این جزایر به وسیله رزمندگان ایران در این منطقه از دست بدهند. آنها بمنظور عقب راندن نیروهای ایرانی ابتدا با استفاده از جنگ افزارهای معمولی چندین پاتک اجرا کردند ولی کاری از پیش نبردند و سرانجام به کاربرد عامل عصبی تابون علیه نیروهای مستقر در سنگرها اقدام کردند. با اجرای تک شیمیایی عراق جمهوری اسلامی ایران اعلام داشت که نزدیک به ۱۷۰۰ تن بر اثر پاتک در جزایر مجنون کشته و مجروح شده اند در واقع اگر رزمندگان ایران اقدامات پدافندی خود را بهبود نمی‌بخشیدند و از جمله مجهز به ماسک ضد گاز، آمپولهای آتروپین خودکار و لباسهای محافظ، نشده بودند، و باد شدید نیز نمی‌ورزید تلفات آنها از این میزان هم فراتر می‌رفت. ضایعات کم نیروهای ایران در بهمن ماه سال مزبور مؤید این وضع متحول بوده است. به هر روی عراقیها با وجود تلاشهای زیاد موفق نشدند که رزمندگان ایران را از جزایر مجنون خارج سازند. (مأخذ ۶)

جنگ در جزایر مجنون، شاید گسترده‌ترین کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی را تا آن زمان توسط عراق در جنگ تحمیلی در برداشته بود.

این حملات بترتیب اسکله ۱۳ آبان، حسینی، اروندرود، العزیر، شط علی، هورالهویزه، طلایه، مجنون، البیضه و جفیر را شامل گردید. از بین این حملات، حمله روز ۶۲/۱۲/۱۹ به مجنون، روز

۶۲/۱۲/۲۳ به البیضه و روز ۶۲/۱۲/۳۰ به هور الهویزه از شدت بیشتری برخوردار بود. در این حملات که با هواپیما انجام شد بترتیب ۵۴۳، ۱۵۳، ۳۷۰ نفر از نیروهای خودی با عوامل ترکیبی از خردل و تاول زا و همچنین گاز اعصاب مجروح شدند. (مأخذ ۷)

در سال ۶۳ میزان حملات شیمیایی نسبت به سال قبل از کاهش نسبی برخوردار بود و به ۳۴ مورد رسید عموماً در منطقه عملیاتی جنوب مخصوصاً در جزایر مجنون انجام شد و هواپیماها نقش غالبی را در پرتاب بمبهای شیمیایی ایفا نمودند. در این حملات، تنوع عوامل شیمیایی بکار گرفته شده افزایش یافت و از عوامل خفه کننده، اشک آور، سیانور، تاول‌زا، اعصاب، خون و خردل استفاده شد. مجموعاً در این سال در اثر این حملات ۱۵۹۳ نفر از نیروهای خودی مجروح و ۲۳ نفر شهید شدند. (مأخذ ۸)

حملات متعدد به جزیره شمالی مجنون در ۶۳/۱۲/۲۲ که به شهادت ۱۹ تن و مجروح شدن ۳۵ تن انجامید و همچنین حمله به اسکله شمالی شط علی از شدیدترین حملات بود. حملات شیمیایی عراق در فروردین سال ۶۴ نیز ادامه یافت. در سال ۶۴ علی رغم این که تعداد موارد حمله شیمیایی گزارش شده در این سال ۱۰,۲۷۳ نفر از نیروهای خودی مجروح و ۳۶ نفر شهید شدند که میزان مجروح نسبت به سال قبل تقریباً نه برابر شد. بیشتر حملات در این سال در ماههای فروردین و بهمن و اسفند انجام شد که فروردین ماه ادامه عملیات بدر و در بهمن ماه انجام عملیات والفجر ۸ و فتح فاو توسط نیروهای ایرانی می‌باشد. مناطق مورد حمله در فروردین ماه ۶۴ شامل آبادان، خرمشهر، جفیر، پادگان حمید، جزایر مجنون و عین خوش می‌باشند، که بدفعات مورد حمله قرار گرفت حمله روز ۶۵/۱/۱۹ به پادگان حمید که منجر به شهادت ۱۰ تن و مجروح شدن ۱,۱۰۰ نفر از نیروهای خودی گردید شدیدترین حمله در این ماه بوده است. (مأخذ ۹)

در این حمله دکتر «مانوئل دومینگوئن» یکی از چهار کارشناس سازمان ملل که مجروحین را مورد بازدید قرار داد در ۸ آوریل اعلام کرد که از گاز «ایپریت» و «میدردسیانیک» استفاده شده است. (مأخذ ۱۰)

با شروع عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ عراق بار دیگر استفاده از سلاح شیمیایی را تشدید کرد. (مأخذ ۱۱) بطوری که در بهمن و اسفند ماه ۶۴ مجموعاً ۱۷ مورد عملیات آفند شیمیایی توسط عراق علیه نیروهای خودی گزارش شده که عموماً در منطقه فاو، آبادان و خسروآباد بوده است. در این ماهها همچنین از مناطق جفیر، عین خوش، بانه و سردشت نیز بعنوان مناطق مورد حمله یاد شده است که شدیدترین حمله در جاده فاو - بصره، در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ انجام شد که منجر به شهادت ۲۳ تن و

مجروح شدن ۸,۴۷۷ تن از نیروهای خودی شد. (مأخذ ۱۲) در این عملیات هواپیماهای عراقی از بمبهای حاوی گاز خردل، سیانور، اعصاب و خون استفاده کردند. (مأخذ ۱۳)

بی تردید وسعت تهاجمات شیمیایی رژیم عراق در بهمن ۱۳۶۴ در تاریخ جنگهای شیمیایی در جهان بی سابقه است. با آفند والفجر ۸ در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ که منجر به سقوط شهر بندری فاو عراق گردید نیروهای عراقی به کاربرد مواد سمی شیمیایی انبوه که تا آن زمان نظیر آن با چنین ابعاد گسترده‌ای دیده نشده بود، اقدام کردند. از شروع عملیات آفندی والفجر ۸ تا اواسط اسفند ۱۳۶۴ متجاوز از ۷,۰۰۰ گلوله توپ و خمپاره حاوی مواد سمی بر علیه مواضع نیروهای ایرانی شلیک گردید و در طول ۲۰ روز به طور مداوم هواپیماهای عراقی بیش از ۱۰۰۰ بمب شیمیایی در صحنه عملیات والفجر ۸ فرو ریختند که همزمان با تجاوزات وحشیانه عراق به ایران در بسیاری از مواضع، تکهای شیمیایی عراق علیه مواضع، خود نیروهای عراقی، اجرا گردید که در نتیجه نیروهای بعثی تحت تأثیر مقادیر قابل ملاحظه‌ای مواد سمی شیمیایی قرار گرفتند. یک اسیر جنگی عراق به نام مهدی حبیب جمعی گردان ۱۹۶ از گارد ریاست جمهوری عراق که در ۲۵ بهمن ۱۳۶۴ در اثر بمباران شیمیایی عراق مجروح شده و در فاو به اسارت نیروهای ایران در آمده بود به خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران گفت:

زمانی که گردان ما در خط مقدم جبهه به محاصره نیروهای ایران درآمده، ناگهان شماری از هواپیماهای عراق بر بالای سر ما ظاهر شدند و بمبهای شیمیایی خود را بر روی مواضع نیروهای ایرانی و ما که در محاصره آنها بودیم فرو ریختند که در اثر آن تعداد قابل ملاحظه‌ای از گردان ما مجروح گردیدند که من یکی از آنها هستم. (مأخذ ۱۴)

حملات شیمیایی عراق در سال ۶۵ با افزایش حملات ایران در این سال افزایش یافت بطوری که موارد بمباران تقریباً دو برابر سال قبل و به ۷۹ مورد رسید. در این حملات از عوامل تولد، اعصاب، خفه کننده، خردل، خون و برخی موارد ترکیبی از اینها استفاده گردید که میزان حملات انجام شده در زمستان همزمان با انجام دو عملیات مهم کربلای چهار و پنج در شرق بصره از شدت بیشتری برخوردار بود. عموماً جغرافیای مناطق بمباران شده نشان می‌دهد که مناطق مورد بمباران در این سال تابعی از مناطق عملیاتی می باشد، بطوری که در فروردین ماه همزمان با ادامه عملیات کربلای ۸ محور فاو عموماً مورد حمله قرار گرفت و در اردیبهشت و خرداد منطقه مهران و حاج آباد در جبهه های میانی و در شهریور ماه منطقه عملیاتی کربلای دو و در محور عمومی حاج عمران و همچنین محورهای عملیاتی کربلای چهار در جزیره مینو و خرمشهر و آبادان مورد حمله شیمیایی واقع شده

است که با توجه به عملیات ارتش (کربلای ۶) در محور سومار این منطقه نیز مورد بمباران قرار گرفت و در بهمن و اسفند نیز همزمان با کربلای پنجم در شلمچه و شرق بصره عمدتاً این محور بمباران شیمیایی گردید. از نظر حجم صدمات وارده، مهمترین حملات در ۶۵/۳/۴ در مهران و صالح آباد که منجر به مجروحیت ۷۵۰ نفر گردید و همچنین عملیات روز ۶۵/۱۰/۴ در محور خرمشهر به محور عرایض-شلمچه که منجر به مجروح شدن ۱۱۶۰ نفر گردید. عملیات روز ۶۵/۱۰/۲۰ در جاده خرمشهر با ۳۰۰۰ مجروح و حمله روز ۶۵/۱۲/۲۳ در ضلع جنوب شرقی جزیره معجون که منجر به ۱۱ کشته و ۵۴۰ زخمی شد را می توان از مهمترین حملات شیمیایی این سال دانست. (مأخذ ۱۵) در این حملات عمدتاً از گاز اعصاب و تاولزا استفاده شده است. (مأخذ ۱۶)

لازم بذکر است که شرایط جوی، سمت و سرعت باد، میزان رطوبت و حرارت محیط، شکل زمین و عوامل مورد استفاده در میزان تلفات بمباران شیمیایی بسیار موثر می باشد. (مأخذ ۱۷) در فروردین سال ۶۶ و بدنبال عملیات پی در پی قوای جمهوری اسلامی ایران در جبهه های غرب و جنوب، بار دیگر عراق سلاحهای شیمیایی را در مقیاس وسیع به خدمت گرفت. در این سال هر چند، دفعات تک شیمیایی نسبت به سال قبل کاهش نسبی را نشان می دهد اما میزان شهدا و مجروحین از افزایش بالایی برخوردار است بیشترین تعداد آنها در شهر حلبچه می باشد. در فروردین این سال ۸ مورد بمباران شیمیایی توسط عراق گزارش شده است که ۶ مورد آن در منطقه عملیاتی کربلای ۸ در شرق بصره می باشد. انجام این عملیات در محدوده استراتژیک شرق بصره که برای عراق از اهمیت حیاتی برخوردار بود عکس العمل شدید عراق را به دنبال داشت، که به بمبارانهای گسترده شیمیایی موجب گردید بطوری که بین تاریخ های ۱۸ تا ۲۱ فروردین اقدام به ۶ مورد بمباران گسترده شیمیایی منطقه با هواپیما و خمپاره انداز نمود که در مجموع به شهادت ۲۱ تن و مجروح شدن بیش از ۱۳۴ تن از نیروهای خودی منجر شد، یکی از دلایل کاهش صدمات نیروهای خودی در این عملیات افزایش کیفی و کمی تجهیزات پدافندی آنها بود در این عملیات از گازهای تاولزا، خون و خردل استفاده شد. (مأخذ ۱۸)

بدنبال این عملیات و با تغییر تاکتیک نظامی ایران مبنی بر تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به شمال و ادامه عملیات در مناطق شمال غرب و کردستان عراق، بعد از این تاریخ ما شاهد بمباران گسترده شیمیایی این مناطق توسط عراق هستیم بطوری که با مهرماه ۶۶ مجموعاً ۱۱ مورد بمباران شیمیایی در روستاهای کردنشین استان سلیمانیه و اربیل عراق، منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ (ماؤوت)، روستای بوالحسن و سرول و جومه، بانه، روستای قره باغ در شمال عراق، روستای کله

وش در حومه سردشت، مناطق عملیاتی نصر ۴ (ارتفاعات ماؤوت)، فتح ۷ (حلبچه) انجام شده که این حملات عمدتاً با هواپیما صورت گرفته است. در این حملات در مجموع ۹۷ نفر به شهادت رسیدند و حدود ۵۲۰۰ نفر مجروح شدند. در این حملات از عناصر گاز اعصاب و خردل استفاده شده بود. (مأخذ ۱۹) شدیدترین حملات در ۶۶/۱/۲۷ در استان سلیمانیه و اربیل عراق و در ۶۶/۴/۸ در چهار نقطه حومه سردشت انجام گردید.

در حمله ۷ تیر ۶۶ که یکی از فجیع‌ترین حملات عراق علیه مناطق مسکونی محسوب می‌شود، حداقل ۴۵۰۰ نفر از جمعیت دوازده هزارنفری این شهر مجروح شدند. این حمله که بوسیله گاز موستارد (تاول زا) روسی در مناطق مسکونی و مخصوصاً بازار شهر انجام شد منجر به شهادت ۱۳۰ تن از مردم این شهر شد. به گزارش یکی از کارشناسان سازمان ملل، مجروحین شیمیایی زن و مرد سالخورده ۷۰ ساله تا اشخاص جوان و بچه‌ها و کودکان را شامل می‌گردید. این منبع افزود:

نوزادان در شکم مادران قبل از تولد از اثرات گاز موستارد آسیب دیده بودند یک زن باردار ۷ ماهه، ۵ روز بعد از تهاجم وحشیانه شیمیایی عراق همراه با نوزادش شهید شد. زن باردار دیگری چند روز پس از تهاجم شیمیایی رژیم عراق وضع حمل نمود که در همان روز نوزاد و ۱۲ روز بعد مادر به علت عفونت و تحریکات عفونی در حالی که در بخش آی سی یو تحت مراقبت بودند شهید شدند. (مأخذ ۲۰)

در نیمه دوم سال ۶۶ بخاطر تداوم عملیات نیروهای خودی در شمال عراق استفاده از سلاح شیمیایی ادامه یافت که اوج آن در عملیات والفجر ۱۰ (اسفندماه ۶۶) در شهر حلبچه بود. استقبال بی سابقه مردم شهر حلبچه از ورود نیروهای ایرانی به آن رژیم یعنی را آن چنان عصبانی ساخت که تصمیم به قتل عام سراسری شهر با استفاده از گاز سیانور گرفت. نویسنده کتاب سوداگری مرگ درباره این بمباران می‌نویسد:

“بعد از بمباران، گزارشگران با صحنه‌های روبرو شدند که مو بر اندامشان راست شد. نه سربازی در تیررس نگاه بود و به اثری از آن همه بمباران به چشم می‌خورد. خیابانهای شهر هفتاد هزار نفری حلبچه پر از اجساد مردم بود. زن و مرد و کودک و سالخورده در هنگام فرار از فاجعه، از پای در آمده بودند و نقش خیابانهای شهر شده بودند. (مأخذ ۲۱) در این بمباران پنج هزار نفر به شهادت رسیدند و هفت هزار نفر مادام العمر معیوب و فلج شدند. در سال ۶۷ نیز حملات شیمیایی عراق ادامه یافت که از جمله حمله گسترده شیمیایی عراق برای تصرف فاو بود، همچنین در ۱۷ و ۱۸ مه ۱۹۸۸ (۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۶۷) ایران اعلام کرده

عراق علیه چند دهکده در منطقه غرب و جنوب ایران از این سلاح استفاده کرده است. (مأخذ ۲۲) در ۱۶ ژوئن (۲۶ خرداد ۶۷) نیز مجدداً ایران خبر از استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را داد. (مأخذ ۲۳) که کارشناسان سازمان ملل در بازدید محل مورد اصابت ضمن تأیید استفاده را گاز

خردل و عناصر غالب استیدکولین استرلیسن عنوان کردند. (مأخذ ۲۴)

در ۳ اوت ۱۹۸۸ (۱۲ مرداد ۶۷) نیز ایران اعلام کرد که منطقه شیخ عثمان (مجاور شهر اشنویه) توسط عراق بمباران شده است. (مأخذ ۲۵) کارشناسان سازمان ملل ضمن تأیید حمله، از گاز خردل به عنوان عامل مورد استفاده علیه نظامیان و غیر نظامیان نام بردند و آنرا حمله به وجدان بشری دانستند. (مأخذ ۲۶)

به این ترتیب بکارگیری سلاح شیمیایی تا پایان جنگ ادامه یافت و به عنوان سلاحی استراتژیک در جنگ ایران و عراق همیشه مد نظر و مورد استفاده حکام عراقی بود.

### منابع و مأخذ

- ۱- علائی، حسین، جنگ شیمیایی و تهدید فزاینده تهران (انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۱۲۲)
- ۲- همان
- ۳- همان
- ۴- همان ص ۱۲۳
- ۵- همان ص ۱۱۸
- ۶- دافوس، فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۴، ص ۲۲۱
- ۷- علائی، پیشین، ص ۱۲۴
- ۸- علائی، همان، ص ۱۳۲-۱۲۴
- ۹- علائی، همان، ص ۱۳۳، ۱۲۵
- ۱۰- AP- ۱۹۸۵- ۲۴- S/۱۷۱۲۷- ۱۰
- ۱۱- معاونت سیاسی ستاد کل مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خرمشهر تا فلو، تهران، نشر سپاه پاسداران، ۱۳۶۷، ص ۱۹۴
- ۱۲- S/ ۱۷۹۱۱. ۱۲ march ۱۹۸۶
- ۱۳- دافوس، فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۴، ص ۲۱۶
- ۱۴- علائی، پیشین، ص ۱۲۶
- ۱۵- همان ص ۱۲۶
- ۱۶- S/ ۱۷۹۱۱. ۱۲ march. ۱۹۸۶
- ۱۷- خواجه کاوسی، پیشین، ص ۳۰
- ۱۸- علائی، پیشین، ص ۱۲۷
- ۱۹- همان
- ۲۰- علائی، پیشین، ص ۱۲۰
- ۲۱- تیرمن، کنت آر- سوداگرای مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳ - ص ۵۶۲، ۵۶۶
- ۲۲- S/ ۱۹۸۹۲. ۱۶. May. ۱۹۸۸
- ۲۳- S/ ۱۹۹۴۲. ۱۶. June. ۱۹۸۸
- ۲۴- S/ ۲۰۰۶۰. ۲۰ July. ۱۹۸۸. P.۲
- ۲۵- S/ ۲۰۰۸۴. ۳ Aug. ۱۹۸۸
- ۲۶- S/ ۲۰۱۳۴. ۱۹. Aug. ۱۹۸۸. P.۱۱





## استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ هشت ساله (۲)

اشاره

در قسمت اول متن پیاده شده نوار جلسه بررسی استراتژی جنگ به استراتژی و تفکر نظامی موجود در دوره بنی صدر و اوایل (۹ ماه اول) و عملکرد ارتش در این ۹ ماهه پرداخته شده بود. در این شماره قسمت دوم از این جلسه درج می‌گردد که در آن موضوعاتی چون: بن بست عملیات جنوب، تغییر استراتژی دشمن، اهمیت فاو برای دشمن و مورد بحث قرار گرفته است.

### (۱) بن بست ادامه عملیات در جنوب

سردار محسن رضایی: از عملیات کربلای ۵ به اینطرف در جنوب دو عملیات طراحی شد، یکی ادامه کربلای ۵، یکی هم ادامه والفجر ۸ چون ما حدس می‌زدیم که ممکن است این دو عملیات به نتیجه نرسد شمال را هم آماده کردیم (که آقای شمشانی آن موقع فرمانده نیروی زمینی بودند) اتفاقاً همه فرماندهان اصلی هم پایین بودند (جنوب بودند) یعنی قاسم سلیمانی هم پایین بود.

تیمسار علی شمشانی: ما فاو را برای عملیات آماده می‌کردیم.

سردار محسن رضایی: بله و برای اینکه بعضی از بچه‌ها فکر نکنند که جنوب تضعیف شده به اینکه جنوب را دست کم گرفتیم (از آقای غلامپور تا قاسم سلیمانی و تا احمد کاظمی که همه آنها در جنوب بودند) با یک تیم خیلی کمی، به شمال رفته بودیم.

سردار غلامعلی رشید: آقای محتاج هم بودند.

سردار محسن رضایی: بله من یک تیمی را فرستادم شمال تا بچه‌ها این فکر را نکنند که مثلاً شمال اصلی است و جنوب اصل نیست، ولی وقتی با آقای شمنخانی با کد رمز تماس می‌گرفتم، می‌گفت که بابا بچه‌ها همه می‌گویند نمی‌شود در کربلای ۵ و در فاو ادامه داد، راهی غیر از این هم نیست که یک جای دیگر عملیات بکنیم. البته بعداً آنجا هم آماده شده بود، منتها حدس می‌زدیم (یعنی آن اواخر جنگ به نتیجه رسیده بودیم) که نباید یک عملیات آماده کنیم. علتش هم تجربه خیبر بود، در عملیات خیبر یک مرتبه متوجه شدیم که بعد از یکسال کار کردن آخرش هم موفق نشدیم و فقط یکسال وقت را هم از دست دادیم، دوباره بعد از خیبر آمدیم از صفر (یعنی عملیاتهای جدید را) شروع کردیم و آن تجربه به ما ثابت کرد که دیگر نرویم یک عملیات را آماده بکنیم و وقتی هم یک عملیات را مثلاً در یکجا آماده می‌کنیم یک عملیات دیگر هم آماده بکنیم که اگر آن نشد همان شب نرویم و بگوییم که حالا چون دیگر عملیات آماده نداریم، یا همین را انجام بدهیم که با شکست مواجه بشویم یا اینکه انجام ندهیم و یکسال وقت را هم از دست بدهیم و دیگر به این نتیجه رسیده بودیم که باید دو-سه عملیات را آماده کنیم و اتفاقاً ماههای آخر جنگ سه عملیات آماده کردیم، ادامه کربلای ۵، و هم در والفجر ۸ را دیگر نمی‌توانیم ادامه بدهیم، مگر اینکه یک وقت هشت ماهه، نه ماهه به ما بدهید که روی آن کار کرد، تا یک فرمولی پیدا بکنیم، چون ما در ادامه کربلای ۵ هم تقریباً کربلای ۸ را انجام دادیم و کربلاهای دیگر را ادامه دادیم، یعنی به اندازه کافی ما میدان نبرد کربلای ۵ را تست کرده بودیم، حتی در والفجر ۸ هم یکی دو تا عملیاتهای ترمیمی تعداد از والفجر ۸ داشتیم که رفته و تعدادی هم اسیر گرفته بودیم و در واقع در آنجا میدان نبرد را آزمایش کرده بودیم

سردار غلامعلی رشید: البته کربلای ۸ را هم داشتیم که بعد از کربلای ۵ امتحان کردیم

سردار محسن رضایی: در ضمن تاکتیک عبور از آب هم به اندازه کافی امتحانش را پس داده بود و دیگر آبی نبود که یکبار دیگر از آن عبور کنیم به جزیره مینو و ام الرصاص هم حمله کرده بودیم خیبر و بدر را هم رفته بودیم و دیگر هیچ آبی هم نبود که ما از آن عبور نکرده باشیم، لذا

همه این مسائل دست بدست هم داده و به عبارتی دیگر جنوب تمام شده بود و ما آمدیم وارد جبهه شمال شدیم که ماووت شد و تا والفجر ۱۰ هم ادامه داشت.

## ۲) تغییر استراتژی دشمن.

سردار محسن رضایی: اما دشمن به یک نتیجه خیلی مهمی رسیده بود که من هنوز فکر می‌کنم بعضی از فرماندهان ما این را نگرفتند و آن نتیجه هم این بود که دشمن در یک تجزیه و تحلیل فهمیده بود وقتی ما می‌رویم یک جایی را می‌گیریم، نباید بلافاصله بیاید و حمله کند، چون او فهمیده بود این جاهایی که ما می‌رویم و می‌گیریم فقط مربوط به یک عده‌ای هست که از همه جای جبهه‌ها جمع شده و یک نیرویی درست می‌کنند و می‌آیند آنجا می‌جنگند، لذا فهمیده بود که نباید الان با این نیرو بجنگد.

سردار ذوالقدر: این فقط والفجر ۱۰ را شامل می‌شود.

سردار محسن رضایی: بله دشمن تا قبل از آن دیگر نفهمیده بود، (حتی اگر بعضی‌ها می‌گویند نه) و اگر مثلاً ما می‌رفتیم فاو می‌جنگدیم، دشمن می‌آمد آنجا با ما می‌جنگید، و اگر حتی ده کیلومتر از فاو هم جلوتر می‌رفتیم، باز دشمن نمی‌آمد با ما بجنگد، چرا؟ البته اگر می‌رفتیم داخل شهر بصره یک چیز دیگری بود، یا اگر مثلاً از فاو می‌رفتیم ام‌القصر را می‌گرفتیم بله! اما دشمن ما، از مسائل استراتژیک کم است، در جریان عراق هم دیدید در جریان کویت هم اشتباه استراتژیک صدام، او را به زمین زد نه اشتباهات تاکتیکش، و واقعاً در این جبهه‌ای که آرایش گرفته بود اگر آمریکاییها می‌آمدند یک نفرشان نمی‌توانست عبور بکند، اما آمریکاییها آمدند و رفتند از سمت ناصریه (یعنی از داخل عراق آمدند) پشت کویت را بستند و اصلاً آمریکا از جبهه‌های کویت حمله مؤثری نکرد، داخل خود عراق رفت و آمد پشت سر جبهه کویت را بست، تازه دشمن بعد از سه سال فهمید که چه اشتباهی کرده، یعنی از فاو به اینطرف، اشتباهش این بود که وقتی دید ما یک جا رفتیم نباید می‌آمد آنجا پاتک میکرد و باید می‌گذاشت همانطور باشد و فقط می‌آمد ما را سد می‌کرد، یعنی در همان تلاشهای هفته اول دشمن در فاو

در کربلای ۵، دو کار با ما می کرد، یک جنگهایی بود که در هفته اول می کرد که دیگر خط تثبیت می شد، ما هم بعد از هفته اول فهمیدیم و جلوتر هم نمی رفتیم و می افتادیم توی پافند، او هم می افتاد توی آفند اما آفند او تماماً بی ثمر بود، چرا؟ برای اینکه ما هم می رفتیم توپخانه جمع می کردیم و لشکرهایمان را هم از همه جا می آوردیم روی یک نقطه متمرکز می کردیم و با دشمن می جنگیدیم. او فهمید که بابا وقتی ما در یک جا وارد جنگ می شویم نباید توی آن جنگ، علیه ما آفند بکند و باید برود یکجای دیگر آفند بکند؛ (که اصلاً قاعده نظامی هم این است که می گوید اگر شما یکجای را بدست آورید، اگر توان ندارید که آن را از دشمن بگیرید بروید یک جایی دیگر به او حمله کنید) و این را صدام خیلی دیر فهمید صدام بعد سه سال متوجه شد که نباید در فاو با ما می جنگید و همان هفته اولی که می جنگید باید می آمد مثلاً از سمت خرمشهر یا میرفت از یک جای دیگر وارد عمل می شد منتهی بعد از حلبچه این را فهمید.

سردار عزیز جعفری: بعد از کربلای ۵ فهمید و درحلبچه عمل کرد

سردار محسن رضایی: ولی بهر حال ظهور این تاکتیک این بود که ما رفتیم و چقدر هم شهر گرفتیم، هر چه هم رفتیم جلو دیگر محل به ما نمی گذاشت چون تصمیم خودش را گرفته بود لذا شروع به عملیات کردن کرد و وقتی هم عملیات کرد کاملاً روشن بود و دیدید که پشت سر هم عمل می کرد و اینکه او پشت سر هم کرد مربوط به حلبچه نبوده، بلکه مربوط به یک جمع بندی بوده که به قول آقا عزیز (جعفری)، حداقل از کربلای ۵ به نتیجه رسیده و حتی مقدمات این کار را هم آماده کرد بود یعنی سپاه گارد را به دو سپاه تبدیل کرده بود

### ۳) اهمیت باز پس گیری فاو برای دشمن

تیمسار علی شمخانی: البته فاصله زمانی که بین والفجر ۱۰ و عملیات دشمن علیه فاو بود (این توقف زمان) ناشی از این بود که دشمن می خواست قطعاً بداند عمقی که ما می توانیم این را بگیریم چقدر است چون می خواست امکانات خود را در نقطه ای غیر از آنچه که ما تمرکز

امکانات داشتیم تمرکز بدهد.

سردار محسن رضایی: البته ما نیروهایش را می شمردیم ولی بعضی از لشکرها را بالا نیاورد سردار رحیم صفوی: ضمن اینکه فهم دشمن را تأیید می کنیم، به نظر دشمن با رفتن ما به شمال غرب (اصلاً قبل از اینکه توی جبهه حلبچه برویم بدنبال باز پس گیری فاو بود) همه اش دنبال این بود و حتی کربلای ۵ را از ما نمی خواستند بگیرد، اول هم که می خواست فاو را بگیرد، روی مسئله فاو حتی چند بار هم تمرکز قوایش، منتها تمرکز قوایش همزمان با کربلای ۸ ما بود (یعنی زمانی که ما داشتیم تمرکز قوا برای عملیات بعد از فاو می دادیم).

سردار عزیز جعفری: یعنی کربلای ۵ را که انجام دادیم عراق می خواست به ما حمله بکند، ولی چون کربلای ۵ را انجام دادیم این کار را نکرد.

سردار احمد غلامپور: آقا محسن بدلیل اهمیت منطقه فاو بود، من هم می خواستم این را بگویم. یعنی زمین هم بود و حلبچه جای مهمی نبود که عراق بخواهد تصمیم را به هم بریزد.

سردار غلامعلی رشید: نه این، آن تحلیل را از بین می برد

سردار محسن رضایی: خیلی خوب، این حرف آقا رحیم درست است، اما این نشان می دهد که این بحث، اهمیت فاو را بیان می کند، الان من دارم یک استراتژی را بیان می کنم که اتفاقاً شروع این استراتژی از فاو بود، چرا؟ برای اینکه فاو برای دشمن اهمیت داشت، می خواست به ارتش عراق روحیه بدهد، چون او گارد را برای جنگ آماده کرده بود، ولی ارتشهای عراق نمی جنگیدند، او می گفت اگر من فاو را بگیرم ارتش عراق هم روحیه پیدا می کند و آنها هم توی میدان می آیند، همان کاری که ما در اول جنگ کردیم و او هم از ما یاد گرفت، یعنی ما هم می گفتیم که اگر شروع به آزاد کردن لشکرهایمان از خط کنیم، که بعداً هم به این مطلب هم می رسیدیم که استراتژی ما در هر دورانی چه خصوصیات داشت، ببینید حرف آقا رحیم درست است که دشمن هم موقعی که ما رفتیم فاو را گرفتیم، چقدر حمله کرد که فاو را بگیرد، پس معلوم بود فاو برایش مهم است و بعد از یک مدت که آن پاتکها تمام شد، یکبار دیگر به فاو حمله کرد، (یک سرهنگی را هم ما اسیر گرفتیم) وقتی که ما برای کربلای ۵ آماده شده بودیم، او هم برای فاو

آماده شده بود، منتها اگر کربلای ۵ را انجام نمی دادیم، بعد از کربلای ۴ که ...  
سردار عزیز جعفری: و اگر یک جای دیگر این عملیات را انجام می دادیم باز برای فلو می رفت  
سردار احمد غلامی: بله راست می گوید و سریعتر برای فلو می آمد  
سردار محسن رضایی: نه حالا صبر کنید، ببینید این دو تا بحث با همدیگر ترکیب می شود،  
یکی اهمیت فلو است و یکی هم اینکه دشمن به یک جمع بندی برسد.  
سردار ذوالقدر: شاید هم اهمیت فلو باعث شد که در حلبچه به سراغ ما نیاید و از غفلت ما  
استفاده کرد و فلو را پس گرفت و شاید هم استراتژی جدیدی بود.  
سردار غلامعلی رشید: البته فقط فلو نبود و از قبل هم طرح داشت چرا که سلسله عملیاتی  
هم انجام داد.  
سردار ذوالقدر: و بعد فلو را پس گرفت، بقول ایشان (محسن رضایی) ارتش عراق روحیه  
گرفت و این یک توان متمرکزی برای باز پس گیری سایر مناطق بود  
سردار محمد باقری: ظرف دو هفته؟  
سردار غلامعلی رشید: نه از قبل طرح داشت.  
سردار وحیدی: سخنرانی یکی از فرماندهان عراقی بعد از فلو حکایت از آن داشت که دیگر  
آنها فکر نمی کردند به این سادگی ها فلو را بتوانند پس بگیرند، وی می گفت که ما پش بینی می  
کردیم که هشتاد درصد نیروهایمان را در فلو از دست بدهیم.  
سردار غلامعلی رشید: و دیگر این تحلیل از بین می رفت.  
سردار محسن رضایی: فرمانده چه کسی بود؟  
سردار وحیدی: بنظرم ماهر عبدالرشید بود  
۴) باز پس گیری فلو اولین حلقه از استراتژی جدید دشمن  
سردار عزیز جعفری: برادر محسن رضایی، سه تا عامل بود.  
سردار محسن رضایی: ..... ما استراتژی دشمن را می گوئیم.  
سردار وحیدی: یعنی بعد از اینکه توان آنها از دست نرفت (به شلمچه و ..... حمله کردند و

باز پس گرفتند.)

سردار عزیز جعفری: برادر محسن شما یادتان هست که سه تا آمریکایی جریان را بررسی کردند؟

سردار محسن رضایی: ما وزارت دفاع صدام را می‌گوییم، استراتژی از وزارت دفاع به بالا است.

سردار وحیدی: من دقیقاً یادم نیست که کی مصاحبه کرد.

سردار محسن رضایی: نه، از وزارت دفاع - ستاد مشترک و خود آن چند نفری که کنار صدام تصمیم می‌گرفتند بودند و خطوط استراتژیک را تنظیم می‌کردند. در آن موقع دو تا مسئله با هم ترکیب شده بود، مثل این هست که ما بگوییم خرمشهر چه نقشی در جنگ داشت بله؟ در آزاد سازی سرزمینهای ما خرمشهر چه نقشی داشت؟

سردار غلامعلی رشید: ثمره چیز بود.

سردار محسن رضایی: در آزاد سازی سرزمینهای دشمن هم فاو گل سرسبد آنها بود.

سردار عزیز جعفری: سنبل بود.

سردار محسن رضایی: یعنی آنها می‌توانستند از یک جا شروع کنند و آخرش هم به سبک ما به فاو برسند، از ادامه بعد از فاو هم با آن سرعتی که اینها وارد عمل شدند نشان دهنده یک تهیه (قبل از فاو نیست)

سردار غلامعلی رشید: بله و فقط برای فاو نیست.

سردار محسن رضایی: نشان می‌دهد که به تمام سپاهها دستوراتی داده بودند که دیگر بعد از فاو سپاه به سپاه عمل نکنند. یعنی مثلاً بعد از فاو می‌آمدند با تمرکز عمل می‌کردند، یا بعد از فاو سه - چهار ماه تاخیر می‌افتاد.

سردار ذوالقدر: ایرادی نداشتند که به تأخیرش بیندازند.

سردار محسن رضایی و رشید: چرا؟

سردار ذوالقدر: ببیند اینها فاو را از ما گرفته بودند و توانشان هم در فاو مصرف نشده بود.

سردار محسن رضایی: فاو یک مقدار روحیه به اینها می دهد.  
سردار ذوالقدر: در فاو توان را از دست ندادند، در کربلای ۵ شصت هزار کشته و مجروح داشت (دشمن)، برای باز پس گیری فاو چقدر کشته و مجروح دادند؟ خوب طبیعی بود که در عرض عملیات می توانستند در رده هایشان دستور دهند که عملیات کنند.  
سردار محسن رضایی: اصلاً شما در این شک نکنید که استمرار خط دشمن ..... و این مطلب نشان می دهد که خودش را برای بازپس گیری زمینها آماده کرده بود.

سردار غلامعلی رشید: چون یک استراتژی بود.  
سردار رحیم صفوی: بله من این را قبول دارم که دشمن برای باز پس گیری مناطق خود در جنوب از فاو تا کربلای ۵ خودش را آماده کرد بود و به اعتقاد من حتی اگر تا سلیمانیه هم پیش می رفتیم او نیرویی را، بالا نمی آورد.

سردار غلامعلی رشید: نمی آورد  
سردار ذوالقدر: چون فاو برایش ارزش بیشتری داشت.  
سردار غلامعلی رشید: نه نگویید فاو.  
سردار رحیم صفوی: جنوب برایش اهمیت داشت.  
سردار غلامعلی رشید: نه او نمی خواست از استراتژی که انتخاب کرده بود دست بردارد چون به یک نتیجه اصلی رسیده بود.

سردار محسن رضایی: آیا کربلای ۵ برای دشمن مهمتر از حلبچه نبود؟ چرا.  
سردار ذوالقدر: خیلی مهمتر از حلبچه بود  
سردار محسن رضایی: خوب این اهمیت هدفها را در استراتژی می رساند، یعنی شما دارید می گوید که آقا اهمیت فاو (اول و آخرش) هم حلبچه هست، بهر حال نمی شود شما بگویید که حلبچه اصلاً مهم نبود و دشمن دیگر آماده می شود که سرزمینهای را آزاد بکند و همیشه هم دنبال این بوده، اما یک نکته دشمن را متوجه کرد و آن نکته این بود که چون ما هر جا می رفتیم با تمرکز قوا می رفتیم و این قوایمان را هم از جاهای دیگر جمع می کردیم و می بردیم پای صحنه



پس در این رابطه هر چه او جلوتر بیاید مشخص است که می خورد و اصلاً این یک اصل نظامی است، وقتی که ما تحلیل سیاسی می کنیم باید آن را برگردانیم بر روی تحلیل نظامی هم این را می گوید که وقتی دشمن یک منطقه ای را از شما می گیرد اگر توانایی ندارید که این زمین را از دست دشمن بگیرید، در یک جای دیگر به او تک موثری انجام بدهید که وادار بشود از این سرزمین شما عقب برود، این یک اصل است و اصلاً نظامی ها اینطوری تربیت می شوند اما چرا صدام این کار را نمی کرد؟

### ۵) ارزیابی دفاع متحرک عراق

سردار عزیز جعفری: یکبار در والفجر ۸، پدافند متحرک را کرد ولی موفق نشد.

سردار علی شمشانی: چونکه توانش را آماده نکرده بود.

سردار غلامعلی رشید: چون آن یک تفکر ناقص بود.

سردار عزیز جعفری: چرا دفاع متحرک مهران را کرد، اما شما در تحلیلی که کردید فراموش می کنید، این را هم باید بگویید و فکر می کنم آن موقع شما قوی بودید پس قدری به خودمان برگردیم، از اینجا به بعد هم باید یک بحثهای اساسی بشود.

سردار محسن رضایی: صبر کنید اول همین را بگوییم، او همین کار را کرد ولی متوجه شد که توانش را در فاو از دست داده و بیخود ادامه می دهد، یعنی اگر دشمن در همان هفته اول فقط با ما در فاو می جنگید و آن انهدام عظیم نیرو را در آن پاتکهای بی ثمر از دست نمی داد شاید می توانست کاری کند، دقت می کنید؟ یعنی وقتی به آن ارتفاعات حمله کرد و فهمید که اینطوری نمی شود زمینها را پس بگیرید، عقب نشست.

سردار عزیز جعفری: بله هنوز قوی هستیم.

سردار محسن رضایی: بله نمی توانست، بارک الله، پس فهمید که دیگر نمی تواند. چرا نمی توانست؟ علت نتوانستن او این است که هر بار آماده می شد که یک جنگی با ما بکند، ما یک مشت محکمی توی سرش می زدیم، اما خودش مقصر این مشت محکم بود، حالا زمین را از

دست داد پس دیگر چرا بیاید نیرو را به کشتن بدهد، او در بررسی توان خودش وقتی می آمد این عملیاتهای متحرک را انجام می داد همیشه هم داشت و قبل از فاو هم داشته، مگر از فاو حمله نکرده بود؟ همیشه او مترصد بوده که وقتی ما می رویم یک جایی او بیاید بعد از یک مدتی ..... تمام کند، اما در روند کار به یک نتیجه رسید که این مسئله، دارد در طول نبرد یک توان عظیمی را بیخود از دست می دهد، لذا آمد یک استراتژی تعیین کرد و گفت من اول می روم فاو را می گیرم بعد هم کربلای ۵ و جزایر مجنون و همچنین حلبچه را می گیرم و این کار را هم دیگر نخواهم کرد که هر جا که ایران می آید بعد از اینکه من آنها را تثبیت کردم بردارم و یک تلفات عظیمی را به خودم تحمل کنم.

سردار محمد باقری: البته آقا محسن، بستگی به جایش هم دارد. فرضاً اگر ما در همان محور کربلای ۵ واقعاً قصد پیشروی داشتیم او مجبور بود که تلفات بدهد.

سردار غلامعلی رشید: ایشان می گوید اگر به شهرها می رسیدیم، با ما می جنگید.

سردار محسن رضایی: خیلی خوب، این را بیشتر بشکافیم چون این دو تا بحث است، یعنی تثبیت است و همین جا منتظر بود که ما را تثبیت کند. ولی دشمن کاری نمی کرد و به عبارتی می آمد باز پس گیری می کرد، کجا؟ جایی که همه توپها را ما از تمام جبهه ها جمع کرده و آورده بودیم آنجا، اطلاعاتش که می دید مثلاً گردانها ارتش از قسمت روبروی دزفول یا روبروی هویزه یا اینکه روبروی شلمچه و یا حتی از غرب می آمد اطلاعات خوبی داشت.

سردار یعقوب زهدی: اصلاً هر روز صبح و بعد از ظهر عکس هوایی می گرفت.

سردار محسن رضایی: عکس هوایی می گرفت، اما در این رابطه صدام حدود سه سال زمان را از دست داد تا متوجه این نکته شد که وقتی ما را در روبروی بصره تثبیت می کند، دیگر ما نمی توانیم جلو برویم. حالا چرا حمله می کند؟ بخاطر اینکه زمینهای بصره را پس بگیرد، خوب اینکه رفته، چرا باید در یک جایی با ما بجنگد که همه توپها، همه لشکرها و همه فرماندهان آماده جنگ هستند؟

## ۶) مطلع بودن عراق از توان خودی

سردار عزیز جعفری: یک بحث تکمیلی را من می گویم، ببینید یک بحث داریم بحث مهمی است، مثلاً یک مقدار در اینجا باید به توان و قدرت خودمان در جنگ برگردیم و این مسئله راهم عراق فهمیده بود که چه کسانی دارند می جنگند و می دانست که در جنگ نیروهای سپاه و بسیجی هستند که دارند می جنگند، و اگر یادتان باشد فقط یکسال در زمستان بیسج می آمد و در تابستان هم لشکرهایمان خالی می شد و برای یک گردان یا دو گردان دیگر باید التماس می کردیم چون نیرو نداشتیم این لو رفته بود و ضمن تکمیل بحثهای شما این مسئله نیز هست که ضمن اینکه ماتوی حلبچه و غرب رفتیم، (و بخاطر اینکه ارتش نیامد)، هر جایی که سپاه عمل می کرد تا خطش را بگیرد و پدافند بکند، مجبور بود که با یگانهای محدودش هم پدافند بکند و هم اینکه فاو و کربلای ۵ و هور را حفظ بکند و هم اینکه در حلبچه مستقلاً بجنگد. لشکرها ما هم که لشکر نبودند، و به عبارتی هر لشکر ما تیهایی فعلی ما هستند، که در واقع آنجا لشکرها عملیاتی بودند.

من یادم است لشکرها عمده و اساسی ما علاوه بر اینکه حلبچه بودند دو - سه جای دیگر هم مثلاً پدافند می کردند.

تیمسار علی شمخانی: جزیره را هم ما پدافند می کردیم

سردار عزیز جعفری: خوب در نهایت ضعف بود دیگر، حالا یا تصمیم نگرفتند یا هرچی، دوم اینکه همه فهمیده بودند که بیسج فقط در زمستان می آید و واقعاً تا اول پاییز نیرو نمی آمد و یادم هست که لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) توی این ارتفاعات حلبچه فقط دو گردان داشت البته لشکر ۱۷ دنبال نیرو بوده که تا این ارتفاعات را حفظ بکند و یک یا دو گردان داشت یعنی..... آن موقع در سازمانمان نبود، و حتی همین لشکرهاایی که اینطوری پخش شده بودند، به محض اینکه زمستان تمام شد و وارد اول فصل بهار می شدیم خالی می شدند، این را هم دشمن فهمیده بود و روی همین در آخر فروردین به فاو حمله کرد.

## ۷) هشدار فرمانده سپاه پیرامون تحلیل آخر جنگ

سردار محسن رضایی: من می ترسم فرماندهان ما اگر این نکته ظریف تاکتیکی که خیلی هم تعیین کننده هست را یاد نگیرند یک برداشت غلطی از این سه سال آخر جنگ در ذهن مان بیاید و یک مرتبه با یک جنگ دیگر مواجه بشویم و فکر کنیم که می شود به همان صورت عمل کرد. این نکته خیلی ظریفی است، اما برای اینکه به این نکته برسیم مقدمه اش این است که وقتی ما دو جا رفتیم و مشخصاً جنگیدیم (یکی فاو بود و یکی دیگر هم شلمچه) در آنجا هم دشمن با ما چند نوع جنگید، من می گویم دو نوع جنگید یک هفته و ده روز اول، که ما تثبیت شدیم و ما را تثبیت کرد، و واقعاً هم خود ما..... و هم دشمن هم فهمید که تثبیت شده، چرا؟ برای اینکه او می آمد که حالا از خط ما عبور کند، اگر او می ترسید که ما یک نیروی عظیمی داریم که می توانیم ادامه بدهیم که دیگر به ما پاتک نمی کرد (او هم متوجه شده بود که ما تثبیت شدیم و گر نه اگر می دانست که یک قوای داریم و باز هم می خواهیم برویم جلو که کمتر به فکر این می افتاد حمله کند و پدافند بیشتری می کرد). مثلاً در شلمچه ولی در فاو این کار را نکرد، در فاو خیلی لطمه به او وارد شد ولی در شلمچه که آمد اول تو پدافند رفت و آن کانالهای پشت سر هم را درست کرد و باز آمد از همین کانالها عبور کرد و با ما جنگید، اصلاً چه جنگ سختی در شلمچه داشتیم و فقط برای اینکه زمینهای که ما گرفتیم پس ندهیم، یعنی بخش مهمی از نبرد فاو را بگیرد و ما هم مقاومت می کردیم که فاو از دست نرود که به یادم هست آن روز آخر، (بعد از هفتاد و پنج روز) من با حضرت امام جلسه داشتم امام فرمود چطور است؟ گفتم آنها هنوز ادامه می دهند، امام فرمودند نه دیگر تمام شد. بعد از آن جلسه ما به امام، دیگر تمام شد. عجیب هم بود. اصلاً من یک طوری بودم که امام ظاهراً تو روحیه من می فهمید که مثل اینکه آماده ام که همین الان خبر بیاید که، پاتک شد، فاو اینطوری بود، ولی واقعاً دشمن فهمید که بیخود نیروهایش را از دست داد. البته بنظر من هنوز برایش تعیین نشده بود ولی در شلمچه دیگر برایش روشن شد وقتی که ما با همه نیروهایمان پلی کار هستیم، چرا باید او تلاش بکند؟

تیمسار علی شمنخانی: در عملیات بدر تلاش برای باز پس گیری داشت، در شلمچه هم باز پس گیری را انجام داد، یعنی آیا بعد از انجام باز پس گیری به نتیجه نرسید؟  
سردار محسن رضایی: او آمد و در ده روز اول هم ما در شلمچه تثبیت شدیم ولی او مدام حمله می کرد اصلاً این عدنان خیرا..... را فرستاده بودند جلو و برای اولین بار هم بود که چنین

.....

تیمسار علی شمنخانی: آخر سیاست دنیا هم تحریکش می کرد.  
سردار محسن رضایی: بله ولی آخرش دیدید که .....

## درسهای از جنگ‌های نوین (۴)

### (جنگ ایران و عراق)

نویسندگان: آنتونی کردزمن / آبراهام آر. واگنر

ترجمه: حسین یکتا

#### عوامل تأثیر گذار بر روند جنگ ایران و عراق

##### اشاره

در شماره های گذشته فصول اول و دوم و بخشی از فصل کتاب درسهای از جنگ های نوین، درج گردید که موضوعاتی از قبیل: زمینه های جنگ ایران و عراق، اختلافات تاریخی بین عربها و فارسها، مناقشات مرزی ایران و عراق، عواملی که منجر به جنگ شد، دلایل حمله و اهداف عراق از جنگ با ایران و اهداف ایران از جنگ و نیز عوامل مختلف تأثیرگذار بر روند جنگ با عناوین، تواناییها و ضعفهای طرفین، نقش اقتصاد و واردات سلاح طرفین در جنگ مورد بررسی قرار گرفت.

در این شماره قسمت دوم از فصل سوم کتاب درج می گردد که به دنبال عوامل تأثیرگذار، مباحثی چون تغییر ساختار در نیروهای نظامی و استعداد و تواناییهای طرفین را از نظر نویسندگان پی می گیرد.

تغییر در ساختار قدرت و استعداد نیروهای نظامی ایران و عراق

روند کلی تغییر در نیروهای نظامی ایران و عراق در مقطع زمانی بین امضای قرارداد ۱۹۷۵)

۱۳۵۴) الجزایر و شروع جنگ ایران و عراق در جدول ۵-۳ نشان داده شده است. این نمودار آشکارا میزان مسابقه تسلیحاتی دو کشور را در خلال پنج سال -امضای قرارداد ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) الجزایر تا شروع جنگ - منعکس نیروها (پاورقی ۱) تأکید داشت در صورتی که عراقیها روی کمیت نیروها سرمایه گذاری می کردند. و این امر به دلیل دسترسی محدود آنها به سلاحهای پیشرفته ساخت غرب در مقطع زمانی پیش از سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) و همچنین تلاش برای دستیابی به حداقل توازن با ایران بود. با این حال، ذکر این نکته اهمیت دارد که هر گونه برآوردی از نیروهای نظامی طرفین که بتواند نقش رزمی موثری در زمان آغاز جنگ داشته باشد قابل تردید است. یاد آوری این نکته نیز اهمیت دارد که هر دو کشور جنگ را با محدودیتهای عمده ای در استفاده موثر از توانایی خود آغاز کردند برخی از این محدودیتهای بطور کلی قابل مقایسه هستند این که چرا آگاهی از نیروهای نظامی کشورهای جهان سوم نمی تواند فقط به اطلاعاتی درباره قدرت و سازمان نیروها محدود شود و اغلب یک سری عوامل کمی و سیاسی دیگر نسبت به عملیات نظامی اهمیت بیشتری می یابد باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند زیرا درسهای مهمی ارائه می دهند

۱- هیچ یک از دو کشور ایران و عراق ساختار فرماندهی عالی کارآمد نداشتند. شاه ایران دائماً فرماندهی عالی ارتش را تغییر می داد او دیکتاتوری بود که فرماندهانی را که با فرامین و طرحهای گسترش نیروی وی مخالفت می کردند کنار می گذاشت و به تدریج او را گروهی سنتی و وامانده سیاسی که اغلب ابزار تأمین امیالش فراهم می آوردند احاطه کرده بودند با سقوط شاه حتی این رکن شکننده فرماندهی و کنترل ارتش ایران نیز فرو پاشید و انقلاب به سرعت جانشینی فرماندهان عالی رتبه را در پی داشت و پاکسازی های عمده ای در کادרהای بالای یگانهای افسری ایران صورت گرفت در همین زمان جنگ آغاز شد البته قبلاً کشمکش بر سر قدرت بین رهبران جدید غیر دینی نظیر بنی صدر و رهبران جدید مذهبی همچون رفسنجانی که فرماندهی عالی ایران در اولین سال جنگ را در دست داشت آغاز شده بود و نیز کشمکش بین نیروهای منظم ارتش\* و

\* البته منظور نویسنده کشمکش بین نیروهای نامنظم (!) ارتش یعنی کودتاچیان، طاغوتیها و پس مانده های

پاسداران انقلابی در حال ظهور، در گرفته بود

جدول ۳-۵ روند نیروهای نظامی ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۷۴ (۱۳۵۳-۱۳۵۹)

۱۹۷۴-۷۵

۱۹۷۹-۸۰

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
۵۳۵,۰۰۰	۲۴۰,۰۰۰	۱۱۲,۵۰۰	۲۳۸,۰۰۰	مجموع نیروهای نظامی مناسب رزم

تیروهای زمینی، نیروهای نظامی ارتش منظم

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
۲۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۷۵,۰۰۰	نیروهای در حال خدمت
۲۵۶,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	۲۵۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰	نیروهای ذخیره
-	۳۰,۰۰۰	-	-	سپاه پاسداران
۶۵۰,۰۰۰	۷۵,۰۰۰	-	-	بسیج جیش الشعبی
-	؟	-	-	حزب الله
؟ ۶۰۰۰	-	-	-	داوطلبان عرب
-	؟	-	۷۰,۰۰۰	ژاندارمری
-	-	۱۰,۰۰۰	-	گارد ملی
-	-	۵۰۰۰	-	نیروهای امنیتی

لشکرها و تیپها

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
۱۲+۳	۳/۱	۲ / -	۳ / -	زرهی
۴	-	-	-	مکانیزه
۴	۳/۱	۳/۱	۲/۲	پیاده و کوهستانی
-	-/۲	-/۲	-/۲	نیروهای ویژه هوایرد
-	-	-	-	پاسداران و خلقی

تجهیزات عمده نظامی

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
۱۷۳۵ دستگاه شامل	۱۷۳۵ دستگاه شامل	۱۳۹۰ دستگاه شامل	۱۱۶۰ دستگاه شامل	تانک
۷۲ تانک نی ۵۰	۴۰۰ تانک ام ۴۷- ۴۸	۴۰۰ تانک ام ۴۷-	۴۰۰ تانک ام ۴۷-	

رژیم پیشین با پاسداران انقلاب می باشد



۱۰۰ تانک	۶۰ تانک ام ۶۰ لی ۱	۶۲ - ۵۵ -	۶۰ تانک ام ۶۰ ای ۱	
ای ام ایکس ۳۰ ۲۵۰۰ تانک نی ۶۲-۵۵-۵۴ ۱۰۰ تانک تی ۳۴	۸۷۵ تانک جیفتن	۹۰ دستگاه تی ۳۴	۳۰۰ تانک جیفتن	

سایر تجهیزات رزهی

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
۲۵۰۰	۱۰۷۵	۱۳۰۰	۲۰۰۰	خودروهای جنگی
۱۰۴۰	۱۰۰۰	۷۰۰	۶۶۴	توپخانه

نیروی هوایی

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
۳۸,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	۱۰,۵۰۰	۵۰,۰۰۰	نیروی انسانی
۳۳۲	۴۴۵	۲۱۸	۲۱۶	هواپیمای جنگی
۱۲ فروند TU - ۲۲	۱۸۸ فروند اف	۸ فروند TU - ۱۶	۳۲ فروند اف D	
۱۱۲B ۱۰ فروند	E/D	۶۰ فروند سوخو ۷	۶۴ فروند اف E	
۸۰ فروند میگ B۲۳	۱۶۶ فروند	۲۰ فروند هانتز	۱۰۰ افروند اف	
۴۰ فروند سرخو B۷	اف F/E	۱۰۰ اف رند میگ و ۲۱	A۵	
۳۰ فروند سرخو ۲۰	۷۷ فروند اف A۱۴	۳۰ فروند میگ ۱۷	۴ فروند ERF	
۱۵ افروند میگ ۲۱	۴ افروند RF E	-	۱۶ افروند RE-	
			A۵	
۱۵ افروند هانتز	۲۰۵ فروند	۰	۰	هلیکوپترهای تهاجمی
۴۱ افروند MI ۲۴	AH-۱۶			
۲۶۰	۷۴۴	۱۰۱	۲۶۴	کل هلی کوپترها
۲ سام	هاوک، ۵ اسکادران	سام ۲ و ۳ و	۱ هاوک BN/۳	نیروهای موشکی زمین به هوا
سام ۳-۶	رایبر	سام ۶		
	۲۵ اسکادران			
	تی گرکت			

نیروی دریایی

عراق	ایران	عراق	ایران	نوع نیروها
------	-------	------	-------	------------

۴,۲۵۰	۲۰,۰۰۰	۲۰۰۰	۱۳,۰۰۰	نیروهای انسانی
۰	۳افروند	۰	۳افروند	ناوشکن
۰	۴	۰	۴	ناوچه
۰	۴	۳	۴	هوایماهای شکاری
				زیر دریایی
۱۲	۹	۳	۰	ناو حمل موشک
-	۷	۰	۷	سایر ناوهای گشتی
۵	۵	۲	۶	کشتی جنگ مین
۰	۱۴	۰	۱۰	هاور کرافت
۱۷	۴	۶	۷-۴	کشتی ترابری
۰	۶افروندی ۱۳اف	۰	۰	هوایمای گشت دریایی

عراق نیز پاکسازیهای مشابهی پشت سر گذاشته و فرماندهی عالی آن از سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) به بعد تا شروع جنگ هر سال چنین پاکسازیهایی را متحمل شده بود. ساختار فرماندهی عالی عراق عملاً در دست صدام حسین و حامیان سیاسی وی که هیچیک تجربه و آموزش عملی نظامیگری نداشتند قرار داشت ستاد ارتش به وسیله یک فرمانده عالی نظامی اداره می شد که بقای وی به میزان حمایت و تعهد او نسبت به صدام حسین بستگی داشت. بسیاری از فرماندهان عالی رتبه بیشتر به خاطر وفاداریشان و نه لیاقتشان انتخاب می شدند. هیچ ستاد طرحریزی و یا فرماندهی در مفهوم عملیاتی وجود نداشت فرماندهی عالی عراق به جای فرماندهی کردن بیشتر اداره کننده و تامین کننده اطلاعات بود.

۲- اطلاعات نظامی در دو کشور بشدت ایدئولوژیک بود و از مشاهده عینی، گزارش و تجربه و تحلیل تشکیل می شد. منازعه سیاسی بین ایران و عراق و ماهیت سیاسی رژیمهای دو کشور سازمانهای اطلاعات مختلفی را به وجود آورد که بیشتر وقت خود را صرف امنیت داخلی می کردند تا جمع آوری اطلاعات خارجی و توجه کمی به تکنولوژی مدرن اطلاعاتی یا کارکردهای اطلاعات نظامی همچون شناسایی، کشف و هدف معطوف می شد شاخهای مختلف اطلاعاتی دو کشور برای نشان دادن وفاداری خود، با یک دیگر به رقابت برمی خواستند و در پاسخ به رهبران دولتهای خود به جای بررسی دقیق وضعیت نظامی، ماهیت حقیقی حمایت یا مخالفت با رژیم

دولت مقابل، جمع آوری و دقت در جزئیات ضروری برای طرحریزی و هدایت جنگ نوین به پیش فرضها و باورهای ایدئولوژیک متوسل می شدند.

۳-هیچیک از دو کشور دارای استراتژی بزرگ مشخصی نبود یا شناختی از میزان تهدید شونده و تلفات و هزینه جنگ نداشتند. در حالی که امام خمینی و صدام حسین عقاید مختلفی داشتند اما هر دو رژیم یک ساختار اعتقادی داشتند و اینکه پیروزی خود را تا اندازه زیاد مسلم فرض کرده بودند آنها اهداف مشخص و معینی را در آغاز منازعه خود علیه یکدیگر عنوان نکرده بودند و یا استراتژی مشخصی را برای رسیدن به آن اهداف تعیین نکرده بودند.\* هیچ یک از دو رژیم تصور درستی از هزینه سرسام آور جنگ نداشتند و از ماهیت دقیق میزان آسیب پذیری سیاسی، اقتصادی و نظامی خود با خبر نبود بهای این فقدان آگاهی از هزینه و تلفات جنگ بی رحمانه در خلال هفته ها اول جنگ آشکار گردید.

۴-هیچیک از طرفین برداشت روشنی از تدبیر عملیاتی نداشتند پیش از سقوط شاه، ایران نیروهای نظامی اش را تقویت کرد بدون این که برداشت مشخصی از اینکه آنها را چگونه در جنگ به کار خواهد گرفت، داشته باشید ... ایران یک سری طرحهای نسبتاً مشخص و خوب تمرین شده برای جنگ دریایی با نیروهای به سبک غرب و شوروی داشت اما هیچ طرح معینی برای حمله به نیروی دریایی عراق در اختیار نداشت. ایران در حال تبدیل ساختار نیروهایش به ساختاری مرکب از نیروهای زرهی پر تحرک با هلی کوپترهای تهاجمی بود. این کشور تجهیزات نظامی را دریافت کرده بود لیکن هنوز آموزش طرحها و تجربه ها عملی عملیاتی برای استفاده از آنها را بویژه بدون پشتیبانی و مستشاری غرب نداشت ایران اسکادرانهای انفرادی کارآمدی داشت ولی فاقد یک ستاد هوایی کارآمد بود که بتواند عملیتهای تهاجمی گسترده را طرحریزی کند و یا پدافند هوایی منطقه ای را به طور موثر سازماندهی نماید .

---

\* در همین فصلنامه و شماره قبل و بعد در خصوص تبیین استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ

مطالبی آمده و خواهد آمد.

عراق همچنان نیروهای نظامی خود را براساس نیروهای شیوهای شوروی سازماندهی می‌کرد. اگر چه تاکید بر این نکته حائز اهمیت است که آن کشور آموزش نیروها و مانور و تمرین آنها را به سبک نیروهای شوروی انجام نمی‌داد. عراق هیچگونه برداشت و شناختی از عملیاتهای دریایی نداشت و درصدد دریافت کشتیهای جدید غربی بود که به دلیل فنی خریداری کرده بود. خرید این کشتیها بتدریج گسترش یافت. نیروی زمینی عراق بیشتر برای پدافند سازماندهی شده بود و یگانهای آن از فقدان آموزش و تشکیلات کارآمد برای همکاری و هماهنگی با یکدیگر رنج می‌بردند. این نیروها به جای بهره‌گیری از قدرت مانور و موقعیت زمین بر قدرت آتش پر حجم تاکید داشتند و تنها تجربه عملی آنها حمله به روستاهای بی دفاع کرد نشین بود.

نیروی هوایی عراق کارایی عملیاتی بسیار ضعیفی داشت. حتی بهترین اسکادرانهای آن مجموعه ای از خلبانهای انفرادی خوب بود که فاقد آموزش رزمی واقعی و تدبیر موثر عملیاتی در اسکادران بودند هیچ تدبیر واقعی از نوع عملیاتهای تهاجمی به استثنای آنچه که از سایر نیروها به عاریت گرفته شده بود، وجود نداشت پدافند هوایی نیروی هوایی عراق تعداد زیادی از عوامل هوا- پایه و زمین- پایه را شامل می‌شد که هیچ گونه هماهنگی در انجام موثر تدابیر عملیاتی فراگیر نداشتند.

۵- هیچیک از طرفین سازمان نظامی متعادل و یکپارچه و حتی برداشت روشنی از سلاحها و عملیاتهای مرکب نداشتند. نیروهای ایران به نیروهای منظم و انقلابی شده بود با وجود اینکه ایران مقداری سلاحهای ترکیبی در اختیار داشت و نیروهای آن کمی آموزش و تمرینات عملیاتی ترکیبی دیده بودند، اما نیروهای این کشور حتی پیش از آن که بسیاری از پرسنل دارای چنین آموزش و تخصصی در اثر انقلاب تصفیه شوند و یا از کشور فرار کنند، توانایی انجام چنین عملیاتی را نداشتند. نیروهای ارتش منظم و زرهی ایران پیش از انقلاب می‌توانستند از نظر تدافعی با یکدیگر هماهنگی داشته باشند اما فاقد آموزش و تجربه عملیات آفندی بودند. عملیاتهای هوایی بشدت از عملیاتهای زمینی جدا بود و به جای پشتیبانی و حمایت هوایی از عملیاتهای زمینی، به پدافند هوایی منطقه‌ای محدود می‌شد پدافند هوایی به وسیله هواپیما و یا

پدافند موشکی سطح به هوا، هماهنگی بسیار ضعیفی داشته و در انتظار تکمیل سیستم فرماندهی، کنترل ارتباطات، شناسایی و سیستم مدیریت صحنه نبرد بود که پیش از انقلاب قابل استفاده نبود و تنها به پیشرفتی که در خلال جنگ به دست آمد محدود می شد.

نیروهای عراق در دو گروه اصلی سازماندهی شده بودند: نیروهای منظم و جیش الشعبی تحت کنترل حزب بعث که بسیار سیاسی شده و از هم پاشیده بودند و در طول جنگ و حتی پس از برقراری آتش بس ناشی و بی تجربه نشان دادند. ارتش عراق نیز همه آن ویژگیهایی که برای ارتش ایران برشمردیم دارا بود به اضافه این مشکلات که گارد ویژه ریاست جمهوری بیشتر به صورت یک نیروی امنیتی سازماندهی شده بود تا یک نیروی رزمی نیروهای زرهی عراق نیز هماهنگی بسیار ضعیفی با نیروهای پیاده داشتند. در عراق به جای کمیسارهای مذهبی\* در ایران، ناظران حزب بعث و دو سرویس اطلاعاتی رقیب بر نیروهای نظامی اعمال کنترل می کردند. این امر جدایی بین رسته های نیروهای زمینی و هوایی را ترغیب می کرد و گرایش طبیعی به سوی واگذاری تصمیمات به مقامات مافوق و امتناع از اتخاذ تصمیمات در باره هر چیز کوچکی راسب می شد.

۶- فقدان ثبات و استحکام در نظم و ترتیب نیروها در یگان. هر کشور دارای واحدهایی بودند که از لحاظ میزان کارایی انفرادی به شدت با یکدیگر تفاوت داشتند و این امر سازماندهی گروههای بزرگ نیروها را برای انجام موثر عملیاتها بسیار مشکل می ساخت. در مورد ایران، شاه اغلب تلاش داشت تا ارتش ایران را از طریق چیزی شبیه ((حکومت وحشت)) نوسازی نماید. فرماندهان بسرعت و مستبدانه به خاطر ناتوانی در تأمین انتظارات شاه خلع درجه می شدند. این مسئله به نقطه ای رسید که حتی یکی از مشاوران عالی رتبه نظامی امریکا در آموزش و

---

\* نویسنده با برداشت غلط از نقش رهبران مذهبی در حکومت و به تبع آن در سازمان نظامی مایل است این گونه القاء کند که روحانیون وظیفه جز تقیث عقاید بین عناصر و نیروهای نظامی نداشته اند. حال آنکه با وجود سازمان انقلابی سپاه در کنار ارتش که قدرتمندانه در برابر تهدیدات داخلی و خارجی ایستادگی کرده هیچ الزامی در این امر وجود نداشت.

سازماندهی نیروهای ایرانی چنان از شاه می ترسیدند که وقتی از آنها می خواست تا تمام لشکرهای زرهی را از لحاظ کارایی به سطح بهترین لشکرهای ارتش برسانند، آنها با جابجایی افسران و تکنسینهای بهترین لشکرها، شاه را فریب میدادند.

در همان زمان، واحدهای زبده ارتش ایران با آشفتگی مداوم مواجه بودند که از سیل درخواستهای تسلیحاتی شاه - که اغلب با مخالفت مستقیم فرماندهان عالی رتبه که احساس می کردند ارتش توان جذب این میزان درخواستهای تسلیحاتی شاه را ندارد - ناشی می شد. این نشان می داد که حتی مجهزترین واحدها نیز از لحاظ آموزشی به شدت ضعیفند و نمی توانند بدون پشتیبانی مستشاران غربی عمل کنند پیروزی انقلاب ایران این وضعیت را وخیمتر کرد

تجزیه و تحلیل جز به جز واحدهای رزمی عراق نشان می دهند که هر عنصر این نیروها عملاً دارای سطوح مختلفی از کارایی است. مشکلاتی که در اثر فقدان هر گونه تجهیزاتی و آموزش استاندارد دو چندان می شد.

عراق نیز همانند ایران از نابسامانیهای مشابهی رنج می برد از جمله در مورد تغییر و تحویل سریع و دائمی در جنگ افزارها، نوع گسترش بی امان نیروها که به معنای آن بود که افسران آموزش دیده و متخصص، درجه داران و تکنسین ها در واحدهای خود ثابت نباشند و برای ایجاد واحدهای جدید و کار آمد دائماً در چرخش بوده و در داخل سازمان بسیار گسترده نیروها پراکنده شوند

این نکات بخش اعظمی از رفتار نیروهای نظامی ایران و عراق را در طول جنگ شکل می داد اصولاً تغییر و تحول در سازمان و استعداد نیروهای نظامی در زمانی که آنها درگیر جنگ هستند، فوق العاده مشکل است ایران و عراق در تمام سالهای جنگ با فشارهای گوناگونی برای انجام چنین دگرگونیهایی مواجه بودند.

نیروهای ایران در زمان آغاز جنگ چنان سازمان نیافته بودند که مجبور شدند برای بسیج و به کارگیری نیروها دست به ابتکارات ساده ای بزنند. این مسئله نشان می دهد که آنها در مقابله با شرایط نظامی بسیار انعطاف پذیرند. نیروهای ایران مجبور بودند در ترکیبی از جنگ منظم

(کلاسیک) و انقلابی درگیر شوند. جنگی که به آنها کمک می‌کرد تا در طول مقاطع مختلف نبردها و ویژه در مراحلی که اجباراً حالت تدافعی داشتند، نیروهای عراق را از سرزمینهای خود بیرون کنند و به پیروزیهای دست یابند. با وجود این، چنین پیروزیهای ابتکاری بعدها به نوعی تعهد و مسئولیت تبدیل شد. آشکار است که رهبران مذهبی ایران احساس می‌کردند که پیروزیهای نیروهای ایران در طول دو، سه سال اول جنگ به رویکرد ایدئولوژیک آنها نسبت به جنگ که بر نیروهای انقلابی و جنگ مردمی تاکید داشت، اعتبار و مشروعیت بخشیده است قدرت و توان ایران در بیرون ریختن عراقیها از سرزمینهای اشغالی خود و انجام عملیاتهای پیروزمندانه تهاجمی علیه عراق، برای رفع و تصحیح ضعفهای که ناشی از رویکرد انقلابی نسبت به جنگ بود، تعقلی را در رهبری ایران برنگیخت. در بلند مدت این مسئله منجر به محاسبات غلطی از سوی رهبران ایران شد که توان این کشور را برای ادامه جنگ و ارزیابی دقیق و موثر وضعیتی که با آن روبرو بود، فلج کرد.

اگر عراق جنگ را بسیار بد شروع کرد، اما در این کشور یک مزیت عمده نسبت به ایران داشت و آن داشتن ایدئولوژی سکولار بود که حدود و چارچوب آن بوسیله فردی خودکامه که بیشتر دولت را هدایت و اداره می‌کرد تا اینکه به عنوان رهبری روحانی عمل کند، تعیین می‌شد. صدام حسین و حامیانش خیلی زود دریافتند با واقعیتی متفاوت از آنچه که در زمان آغاز جنگ تصور می‌کرده اند، مواجهند. زمانیکه ایران پیروزمندانه دست به تهاجم زد، رهبران عراق مجبور شدند به آرامی یک سری اصلاحات در ساختار فرمانده، اطلاعاتی، تدبیر عملیات، آموزش و انبوهی از سایر جنبه های توان و قابلیت جنگی خود را که به آنها امکان می داد پا برجا بمانند و احتمالاً در جنگ پیروز شوند، آغاز کنند. این فرایند رشد واقعگرایی، ابتکار و انطباق پذیری بندرت با سرعت و کارایی همراه بود، اما در بلند مدت برتری قابل توجهی به عراق نسبت به ایران بخشید.

## روز شمار تحرکات نظامی عراق در استان خوزستان (قبل از شروع جنگ)

اشاره

در رؤیای رهبران عراق، خوزستان همواره به منزله دریچه‌ای به آبهای آزاد خلیج فارس سرشار از نفت است که می‌تواند عمق استراتژیک لازم را به آن کشور (عراق) اعطا کند و آن را از تنگنای موقعیت جغرافیایی موجود نجات داده، فضای حیاتی بالنده‌ای را در اختیار آن قرار دهد.

از سال ۱۹۲۰ (سال استقلال عراق) تاکنون، این کشور بارها برای دستیابی به این جلگه وسیع، دندان تیز کرده و دست به برنامه ریزی، تجهیز نبرد و سرانجام تهاجم نظامی زده است، تا شاید این رؤیای دیرین را تحقق بخشد، اما همواره مقاومت دلیر مردان و شیر زنان خوزستانی، از تحقق این رؤیا جلوگیری کرده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بظاهر همه چیز نشان از ضعف قدرت نظامی ایران می‌داد و به بظر می‌رسید "فرصت طلایی برای بغداد فراهم شده است تا بار دیگر عراق اغوا گردیده، با بهره‌گیری از فرصت به دست آمده به آرزوی دیرین خود دست یابد. به همین دلیل عراق تحرکات آشکار و نهان خود را در مناطق مرزی و استانهای همجوار آغاز کرد. آنچه در پی می‌آید تحرکات عراق در استان خوزستان از آغاز سال ۱۳۵۸ تا شروع تهاجم سراسری می‌باشد.



- ۵۸/۱/۱۷ نیروی هوایی عراق به فضای خوزستان تجاوز کرد و هدف مورد نظر را شناسایی نمود. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۳/۱۰ نیروی دریایی عراق به منطقه خسرو آباد واقع در جزیره آبادان تجاوز کرد (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۳/۱۸ نیروهای عراقی در منطقه میله مرزی ۱/۴ خرمشهر به خاک ایران تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۳/۲۰ نیروی هوایی عراق به آسمان مرزی اروند کنار در حومه خرمشهر تجاوز کرد و منطقه را مورد شناسایی قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۳/۲۷ نیروی هوایی عراق در جنوب جفیر به فضای پاسگاه مرزی طلائییه جدید تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۴/۱۳ نیروهای عراقی در منطقه عمومی خرمشهر به خاک ایران تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۴/۱۶ نیروهای عراقی در منطقه عمومی خرمشهر به خاک ایران تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۴/۲۰ عراق برای حمایت از (خلق عرب) به ایران اسلحه ارسال می کرد امروز قایقی که از سواحل عراق به سمت جزیره مینو در آبادان اسلحه حمل می کرد، شناسائی شد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۴/۲۱ نیروهای گشتی - شناسائی عراق از منطقه شلمچه فیلمبردار کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۴/۲۷ نیروی هوایی عراق ضمن تجاوز به آسمان حومه شوش آن منطقه را مورد شناسایی قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۴/۲۹ نیروی هوایی عراق ضمن تجاوز به مناطق مرزی فکه و بستان، آن مناطق را مورد شناسائی قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۵/۳ نیروی هوایی عراق ضمن تجاوز به آسمان سوسنگرد، آن منطقه را مورد شناسایی قرار داد. (روزنامه کیهان)

- ۵۸/۵/۷ در ساعت ۷، یک مین زیرخودروی خواروبار پاسداران در جزیره مینو در آبادان منفجر شد. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۰۰۰۲۳)
- ۵۸/۵/۱۴ عده ای از مزدوران و نیروهای عراقی از نوار مرزی ایران و عراق در منطقه اروندرود بازدید کردند. که عبارت بودند از فرمانده لشکر بصره، رئیس استخبارات ارتش عراق، رئیس پلیس عراق، جرج حبش (یکی از سران فلسطینی که با گروه خلق عرب ایران مرتبط است) و شیخ خزعل به همراه تعدادی از افسران رژیم پهلوی (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۳۴۶۷۹)
- ۵۸/۶/۶ نیروی هوایی عراق ضمن تجاوز به آسمان سوسنگرد، آن منطقه را مورد شناسائی قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۶/۲۵ در منطقه کوشک، نیروهای عراقی به خاک ایران تجاوز کردند، همچنین در ساعت ۳ بامداد از طرف نیروهای عراقی به سمت پاسگاه فکه تیراندازی شد. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۰۰۰۲۷)
- ۵۸/۷/۴ - شهرهای آبادان و خرمشهر توسط عراق بمباران و گلوله باران شد. در نتیجه این اقدام دشمن، تعدادی از منازل مسکونی ویران و ساکنین آن شهید و مجروح شدند.
- نقاط مختلف پالایشگاه آبادان مرتب گلوله باران می شود.
- اسکله ۱۱ و ۱۲ آبادان منهدم شد، ۲ نفر از نظامیان مستقر در اسکله ها به شهادت رسیدند و چند نفر مجروح شدند، همچنین سرنشینان یک دستگاه جیب مجروح گردیدند. در پی این تجاوز نیروهای خودی که در اسکله ۷ آبادان مستقر بودند اقدام به عکس العمل نموده و یک شناور عراقی را هدف قرار دادند و آن را غرق کردند. (سند شماره ۱۱۳۳۶۸)
- ۵۸/۷/۲۶ نیروی هوایی عراق ضمن تجاوز به آسمان فکه، منطقه را مورد شناسایی قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۷/۳۰ ۱۱ تن از اعضای یک شبکه خرابکاری که قصد نفوذ به خاک ایران را داشتند در دهانه خلیج فارس به همراه مهمات و امکانات بمب گذاری

- دستگیر شدند. (روز نامه اطلاعات)
- ۵۸/۸/۶ مزدوران عراقی، اهالی جزیره مینو را که به مناسبت ایام محرم به صورت دسته های عزادار در حال سوگواری بودند هدف آتش سلاح خود قرار دادند.
- ۵۸/۸/۷ نیروی هوایی عراق به آسمان حومه خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۸/۱۵ نیروهای عراقی در منطقه اروند کنار به خاک ایران تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۸/۱۶ مزدوران عراقی در ساعت ۶ بامداد با آرپی جی ۷ به روستای قصبه در خسروآباد آبادان حمله کردند، در این حمله ساختمان درمانگاه روستا، به همراه تعدادی از منازل، تخریب شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی)
- ۵۸/۸/۲۳ در نخستین ساعت بامداد یک ناوچه ایرانی در اروند رود هدف تیراندازی نیروهای عراق قرار گرفت.
- ۵۸/۹/۳ نیروی دریایی عراق، خرمشهر را مورد تجاوز قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۸/۹/۱۳ از ساعت ۲ الی ۳ بامداد تعدادی از هواپیماهای عراقی به منظور گشت زنی بر فراز منطقه مرزی کوشک از شمال به جنوب پرواز می کردند، امروز ۲ فروند هلی کوپتر عراقی به پاسگاه مرزی مؤمنی در حومه خرمشهر تجاوز کردند و به سمت افراد گشتی خودی تیر اندازی کردند. (سند شماره ۰۳۳۷۴۶)
- ۵۸/۹/۱۵ عراق نیروهای گشتی خود را در اروندرود تقویت کرده است. ناوچه های عراقی نیز در ساعتهای مختلف شب و روز در اروند تردد می کنند. (سند شماره ۰۳۳۷۴۵)
- ۵۸/۹/۱۶ نیروهای عراقی به منطقه دشت آزادگان تجاوز کردند که با اقدام سپاه پاسداران و عشیره سعیدیه دفع گردید. (روز نامه های بامداد و کیهان)
- ۵۸/۹/۱۸ نیروهای عراقی در پاسگاه مرزی شلحه، فرنوییه، شلحه و بوارین، تعویض شدند. (سند شماره ۰۳۳۷۵۵)

- نیروهای عراقی به منطقه دشت آزادگان تجاوز کردند که با قدام سپاه پاسداران و عشیره سعیدیه دفع گردید. (روزنامه بامداد و کیهان) ۵۸/۹/۲۱
- نیروی هوایی عراق به آسمان شوش تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۹/۲۲
- نیروی هوایی عراق به آسمان بستان و فکه تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۹/۲۴
- نیروی هوایی عراق به آسمان سوسنگرد و فکه تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۰/۱۰
- نیروی هوایی عراق به آسمان حومه سوسنگرد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۰/۱۳
- ۱۰۰ نفر نیروی مسلح، پاسگاه کوشک را محاصره کردند و بین نیروهای مهاجم و نیروهای خودی درگیری روی داد که منجر به شهادت یک نفر غیر نظامی و یک نفر جوانمرد شد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۰/۱۹
- نیروی هوایی عراق به آسمان منطقه بستان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۰/۲۰
- نیروی هوایی عراق به آسمان منطقه سوسنگرد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۰/۲۳
- نیروی هوایی عراق به آسمان شوش تجاوز کرد، همچنین در این روز در اروند در ضلع جنوبی جزیره مینو ناوچه ایرانی، هنگام گشت با یک بلم موتوردار عراقی روبرو شد که در پی این حادثه بلم عراقی، با شروع به تیر اندازی به سرعت از ناوچه از ایرانی فاصله گرفت. (سند شماره ۰۳۳۸۶۶)
- نیروی هوایی عراق به آسمان حومه خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۲/۱
- نیروهای عراقی منطقه دشت آزادگان را مورد تجاوز قرار دادند. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۲/۱۳
- نیروی هوایی عراق به آسمان شوش تجاوز کرد. ۵۸/۱۲/۲۷
- نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۸/۱۲/۳۰
- نیروهای عراقی به پاسگاه طلائییه قدیم تجاوز کردند. (روزنامه کیهان) ۵۹/۱/۶
- یک قایق گشتی ایران در اروند رود در کنار مرزهای آبی جزیره مینو توسط پلیس عراق جزیره در مرز آبی توقیف شد و سرنشینان آن تحویل سازمان امنیت بصره شدند. (سند شماره ۰۰۰۶۲۹)
- نیروهای عراقی به منطقه دشت آزادگان تجاوز کردند، هواپیماهای عراقی ۵۹/۱/۹

- ۵۹/۱/۱۰ در هور العظیم بین صیادان ایرانی و عراقی درگیری مسلحانه ای روی داد که به کشته شدن ۲ نفر انجامید. (سند شماره ۰۶۳۲۶۳)
- ۵۹/۱/۲۱ نیروی دریایی عراق به منطقه خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۱/۲۴ مزدوران عراقی با سلاح سنگین به پاسگاههای مرزی سعیدیه و چزابه واقع در دشت آزادگان حمله کردند. (روزنامه جمهوری اسلامی)
- ۵۹/۲/۷ نیروی هوایی عراق به آسمان سوسنگرد و آبادان تجاوز کرد و برفراز فرودگاه و پایتگاه آبادان به شناسائی پرداخت. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۲/۸ نیروی هوایی عراق ۲ بار بر فراز آسمان چنانچه در منطقه عمومی دزفول حریم هوایی ایران را شکست.
- همچنین یک فروند هلی کوپتر دشمن که در مرز هخامنش در منطقه بستان به خاک ایران تجاوز کرده بود در اثر آتش خودی منهدم شد. (روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی)
- ۵۹/۲/۱۱ نیروی هوایی عراق در جنوب آبادان به آسمان خسروآباد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۲/۱۶ نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد، همچنین مزدوران عراقی با نفوذ به خاک جمهوری اسلامی پل بستان واقع در رودخانه کرخه کوررا مورد حمله قرار دادند. (سند شماره ۰۰۰۶۶۲)
- ۵۹/۲/۱۷ نیروهای عراقی به منطقه خرمشهر تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۲/۲۰ نیروهای مهاجم به مدت ۳۰ دقیقه، پاسگاه ژاندارمری بستان را زیر آتش گرفتند، همچنین امروز نیروی هوایی عراق به آسمان شلمچه تجاوز کرد (روزنامه کیهان و سن شماره ۰۴۱۲۰۲)
- ۵۹/۲/۲۱ نیروهای عراقی به منطقه دشت آزادگان تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۲/۲۲ یک فروند هواپیمای عراقی در ساعت ۱۵ به حریم هوایی آبادان تجاوز کرد که پس از اجرای آتش پدافندی خودی متواری شد. (سند شماره ۰۴۱۳۳۷)

- ۵۹/۲/۲۳ نیروی هوایی عراق حریم هوایی خرمشهر را شکست.  
- در اروند کنار، واحد گشت دریایی سپاه آبادان (در خاک خودی) بین (داخل) نهر عبور با یک قایق حامل مهاجمین مزدور عراقی هلاک گردید (روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی)
- ۵۹/۲/۲۴ نیروی دریایی عراق به منطقه خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۲/۲۸ نیروی دریایی عراق به جزیره مینو واقع در جنوب آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۱ پاسگاه خسروآباد و حیدرآباد از توابع آبادان زیر آتش توپخانه و خمپاره عراق قرار گرفتند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۳ نیروهای عراقی به منطقه خرمشهر تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۵ ۳۰ نفر مسلح در حوالی میله های مرزی ۲۲/۱۹ و ۲۲/۲۰ مشاهده شدند. قابل توجه است که اکیپ ارتشی مستقر در عین خوش موفق شد، ۸ نفر از آنان را دستگیر کند، در بین دستگیر شدگان ۴ افسر و درجه دار و ۴ نفر غیر نظامی عراقی دیده شده اند. (سند شماره ۰۶۳۶۳۷)
- ۵۹/۳/۸ مزدوران عراقی به سوی پاسداران مستقر در پاسگاه خین از توابع خرمشهر، آتش گشودند. (سند شماره ۰۶۳۸۹۹)
- ۵۹/۳/۱۳ نیروی هوایی عراق امروز ۲ بار به آسمان منطقه عمومی دزفول تجاوز کرد (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۱۵ نیروی هوایی دشمن به آسمان منطقه عمومی اندیمشک تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۱۶ نیروی هوایی عراق، آسمان حومه اهواز را مورد تجاوز قرار داد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۱۷ نیروهای عراقی به منطقه خرمشهر تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۳/۱۸ در خرمشهر، پرسنل گشت پاسگاه شوش از داخل عراق هدف تیراندازی دشمن قرار گرفتند، و در جزیره مینو مزدوران عراقی با نفوذ به داخل جزیره

- با آر پی جی ۷ مسلسل و تفنگ به مقر سپاه در جزیره حمله کردند. (اسناد شماره ۰۳۴۰۹۰ و ۰۴۰۲۲۷)
- ۵۹/۳/۲۱ به دنبال تیراندازی نیروهای عراقی در ساعت ۱۱ به سمت پاسگاه مومنی و خین از توابع خرمشهر، نیروهای مستقر در پاسگاه با دشمن درگیر شدند، در این درگیری ۲ پاسدار شهید و ۲ نفر سرباز ژاندارمری مجروح شدند. (اسناد شماره ۰۳۴۶۴۴ و ۰۴۰۲۶۲)
- ۵۹/۳/۲۴ نیروهای هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۴/۴ نیروی هوایی عراق حریم آسمان ایران در جنوب آبادان و خسروآباد را شکست. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۴/۵ نیروهای عراقی به گمرگ شهر خرمشهر تیراندازی کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۴/۷ نیروی دریایی عراق به منطقه خسروآباد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۴/۲۳ نیروهای عراقی به خرمشهر و پاسگاه مؤمنی تجاوز کردند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۴/۲۵ نیروی دریایی و هوایی عراق خرمشهر و آبادان را مورد تجاوز قرار دادند (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۵/۱ نیروهای عراقی که قصد شناسایی منطقه هورگان را داشتند، با نیروهای خودی درگیر شدند، امروز همچنین نیروهای عراقی به پاسگاه طلائییه قدیم تجاوز کردند. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۵۶۳۵۱)
- ۵۹/۵/۲ نیروی هوایی عراق به آسمان منطقه سوسنگرد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۵/۶ واحدهای ارتش عراق، با سلاح سنگین، پاسگاه سوبله از توابع سوسنگرد را هدف گلوله باران خود قرار دادند، نیروهای عراقی، همچنین پاسگاه مؤمنی از توابع خرمشهر را مورد تجاوز قرار دادند. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۳۴۲۹۳)
- ۵۹/۵/۹ یک هواپیمای عراقی به آسمان آبادان در منطقه خسروآباد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۵/۱۰ نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)

نیروی هوایی عراق به آسمان اروند کنار و خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۱۱
نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر و خسروآباد تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۱۳
نیروی هوایی عراق حریم آسمان خرمشهر و آبادان را شکست. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۱۶
نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۱۸
نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۲۱
نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد.	۵۹/۵/۲۲
نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۲۴
نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۲۵
نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان و خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۲۶
نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر و شلمچه تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۲۸
نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۵/۳۱
نیروی دریایی عراق در کنار اروند رود در منطقه پاسگاه دریایی خرماال به خاک ایران تجاوز کرد. همچنین هواپیماهای عراقی حریم آسمان خرمشهر و پاسگاه کیلومتر ۲۵ خرمشهر را شکستند. (روزنامه کیهان)	۵۹/۶/۱
نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان)	۵۹/۶/۲
نیروی دریایی عراق به بندر خرمشهر حمله کرد و تعدادی ۴۳ فروند ناوچه گارد ساحلی ایران را که متعلق به شرکت اروندان بود به غنیمت برد، ضمناً نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. (سند شماره ۰۰۰۲۹۹)	۵۹/۶/۳
بر اثر گلوله باران نیروهای عراقی به هویزه، جاده به روی مسافران بسته شده و یک نفر به شهادت رسید. (سند شماره ۰۳۴۳۵۴)	۵۹/۶/۴
نیروهای عراقی به طرف پاسگاه طلائییه قدیم تیراندازی کردند و نیز	۵۹/۶/۶



- هوایماهای آن کشور به آسمان سوسنگرد تجاوز کردند. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۳۴۳۵۶)
- نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر و پاسگاه طلائییه قدیم تجاوز کرد (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۷
- هوایماهای عراقی در ساعت ۱۶ به آسمان آبادان تجاوز کرده و مناطق مختلف رود بهمن شیر را هدف راکت‌های خود قرار دادند که خسارت‌های جانی و مالی در پی داشت. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۰۰۳۲۱) ۵۹/۶/۸
- نیروی دریایی عراق به خرمشهر تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۹
- نیروی دریایی عراق به پاسگاه حدود در منطقه خرما را مورد تجاوز قرارداد. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۱۰
- نیروهای عراقی به پاسگاه حدود در منطقه خرمشهر تجاوز کردند. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۱۱
- نیروی هوایی عراق به آسمان خسروآباد در جنوب آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۱۵
- عراق مناطق هورالعظیم، خرمشهر و آبادان را مورد تجاوز زمینی، هوایی و دریایی قرار داد. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۱۶
- نیروی هوایی عراق آسمان آبادان و حومه خرمشهر را مورد تجاوز قرارداد. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۱۷
- نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۱۸
- عراق از زمین و هوا به پاسگاه طلائییه و جاده شماره ۶، واقع در ۳۰ کیلومتری غرب جاده اهواز - خرمشهر حمله کرد، همچنین هوایماهای عراق حریم آسمان ایران را در دهانه اروند شکستند. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۴۲۹۴۸) ۵۹/۶/۱۹
- نیروهای عراق در منطقه اروندکنار حریم هوایی ایران را شکستند. (روزنامه کیهان) ۵۹/۶/۲۰

- ۵۹/۶/۲۱ نیروهای زمینی عراق به پاسگاههای حدود، مؤمنی و خین حمله کردند، و از طریق هوا، خرمشهر و مرزهای آبی آبادان را مورد تجاوز قرار دادند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۶/۲۲ نیروهای عراقی پاسگاههای مؤمنی و خین از توابع خرمشهر را مورد تجاوز قراردادند. (روزنامه کیهان)
- ۵۹/۶/۲۳ یک ناوچه عراقی مستقر در اروند رود، پاسگاه خین از توابع خرمشهر را هدف گلوله باران خود قرار داد. (سند شماره ۰۳۴۴۴۱)
- ۵۹/۶/۲۴ عراق به پاسگاههای شلمچه، خین و خرمان از توابع خرمشهر تجاوز کرد که در اثر این تجاوز ۷ نفر از نیروهای خودی شهید و مجروح شدند. (اسناد شماره ۰۰۰۴۱۵ و ۰۶۳۷۷۸)
- ۵۹/۶/۲۵ عراق پاسگاههای رشیدیه، طاوسییه، صفریه، دویرج را در منطقه فکه با نیروهای زرهی، مورد حمله قرارداد، این حمله در ساعت ۱۶:۳۰ شروع شد و در نتیجه آن پاسگاه طاوسییه سقوط کرد، همچنین نیروهای عراقی، به جزیره آبادان تجاوز کردند. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۰۰۴۲۶)
- درگیری در پاسگاه صفریه بین نیروهای خودی و دشمن ادامه دارد، ولی پاسگاه رشیدیه منهدم شده و به اشغال عراق درآمد، در خرمشهر نیروهای پاسگاه مؤمنی با مهاجمین درگیر شدند که چند نفر از نیروهای خودی مجروح شدند. (اسناد شماره ۰۰۵۳۳۷ و ۰۶۵۱۵۸)
- ۵۹/۶/۲۷ در پی درگیری هوایی بین هواپیماهای خودی و دشمن یک هواپیمای عراقی در منطقه فکه در خاک ایران سقوط کرد. (سند شماره ۰۵۰۶۶۴)
- ۵۹/۶/۲۸ عراق در فکه، دشت آزادگان و آبادان به سرزمین ایران تجاوز کرد، در فکه پاسگاههای فکه، صفریه و دویرج هدف حملات عراق بود در دشت آزادگان، پاسگاه سوبله زیر آتش دشمن قرار گرفت و نیز آبهای ساحلی آبادان در دهانه فاو مورد تجاوز نیروهای دریایی عراق واقع شد. (روزنامه کیهان و سند شماره ۰۲۱۴۲۷)

۵۹/۶/۲۹

امروز درگیری وسیعی دراروند رود و حوالی آن بروز کرد، اقدامات عراق بدین ترتیب بود:

- پاسگاه خین مورد تجاوز قرار گرفت.  
- ترمینال نظامی بندر خرمشهر هدف حمله عراق قرار گرفت.  
- یک کشتی تجاری ایران هدف آتش عراق قرار گرفت و آسیب دید  
- یک قایق ژاندارمری جمهوری اسلامی در اروند هدف آتش دشمن فرار گرفت و غرق شد، ضمناً چند نفر از پرسنل ژاندارمری مجروح شدند.

- ۲ قایق کوچک موتوری ایران که در داخل اروند متوقف بودند بر اثر تیر اندازی نیروهای عراقی غرق شدند، که نیروهای خودی نیز متقابلاً عکس العمل نشان دادند.

- در ساعت ۱۷ ناوچه شماره ۴ عراقی در محل تلاقی رود اروند و نهر خین هدف قرار گرفت و منهدم شد.

- یک کشتی لایروبی عراق در کنار اروند هدف قرار گرفت و غرق شد.

- یک ناوچه موشک انداز در دهانه اروند مورد اصابت آتش خودی قرار گرفت و غرق شد.

۵۹/۶/۳۰

عراق امروز اروند، خرمشهر، آبادان و پاسگاه مؤمنی از توابع خرمشهر را هدف خمپاره قرارداد، نیروی دریایی عراق به پاسگاه دریایی ایران در خرمشهر حمله کرد و طرفین با یکدیگر شدند، در این درگیری یک ناوچه خودی هدف آتش دشمن قرار گرفت، و غرق شد، در آبادان، پالایشگاه آبادان پایگاه خسروآباد و اسکله ۱۱ و ۱۲ هدف توپهای دشمن بود، تانکر نفت جزیره مینو غرق شد و ۲ مجروح و ۲

### مفقودالاثربجای گذاشت.

یک قایق ایرانی که قصد داشت مجروحین را منتقل کند مورد اصابت گلوله توپ دشمن قرار گرفت و غرق شد.

اقدامات دشمن عکس العمل خودی را در پی داشت، یک کشتی تجاری عراق در ارونند رود هدف آتش خودی قرار گرفت، و آسیب دید.

در فکه دشمن پاسگاههای خودی را هدف قرار داد. (اسناد شماره های ۴۸۳ و ۴۸۰ و ۴۸۶ و ۴۹۳ و ۷۱۳۷۸ و ۴۹۴ و ۴۹۰ و ۴۸۵)

## تأثیر تحول بین‌المللی شدن جنگ بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (۲)

بازار تسلیحات: عراق و تنگناهای ایران

محمود یزدانفام

اشاره

در قسمت نخست مقاله، گسترش جنگ عراق علیه ایران در خلیج فارس و تحولات بنیادی در شوروی، آمریکا و روابط میان آنها که زمینه را برای تفاهم دو ابر قدرت و حل اختلاف منطقه فراهم آورد مورد بررسی قرار گرفت. ضمناً با ارائه یک چارچوب نظری توضیح داده شد که نظام بین‌المللی می‌تواند از چه ساز و کارهایی برای پایان دادن به منازعات منطقه ای سود جوید و ساز و کار نظامی در سطح ابر قدرتها در خصوص جنگ ایران و عراق به چه صورت بود.

در این شماره قسمت دیگری از ساز و کارهای ارتباطی میان نظام بین

المللی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مکانیسم دیگر نظام بین‌المللی برای اعمال فشار به ایران و پایان دادن به جنگ، بازار تسلیحات بود. فرض این است که تسلیحات یکی از عناصر تعیین‌کننده جنگ‌های نوین می‌باشد. هرچقدر جنگ از حالت ابتدایی به سوی پیچیدگی پیش می‌رود، نقش تسلیحات و تکنولوژی برتر افزایش می‌یابد. کشورهایی که تسلیحات نظامی خود را تولید می‌کنند و از خودکفایی نسبی برخوردارند، نسبت به کشورهای واردکننده تسلیحات از آسیب پذیری کمتری برخوردارند. کشورهای فاقد

دانش فنی تولید تجهیزات نظامی در قبال فشارهای بین‌المللی، کمتر می‌تواند مقاومت نمایند. در جنگ ایران و عراق دو تحول اساسی روی داد که موقعیت و توانایی نظامی ما را در قبال عراق بشدت تحت تأثیر قرار داد. دگرگونی در جبهه‌های نبرد به وقوع پیوست. جنگ ایران و عراق با گذشت زمان بشدت پیچیده‌تری را به کار گرفتند. سلاح‌های نسبتاً ساده جای خود را به موشک‌ها، تانک‌ها و هواپیماهای مدرن‌تر داد. عراق که موقعیت بهتری در تهیه سلاح داشت پیشرفته‌ترین سلاح‌های موجود در بازارهای بین‌المللی را در اختیار گرفت. به جای هواپیماهای دهه ۱۹۷۰، میگ‌های ۲۱، ۲۹ و سوپر اتاندارد وارد نیروی هوایی عراق شدند که در حجم وسیعی مورد استفاده قرار گرفتند. موشک‌های پیشرفته اسکادبی و کرم ابریشم در عرصه جنگ شهرها ظاهر گردیدند. و تلفات بسیاری را به وجود آوردند هر دو طرف در یک روند صعودی به لحاظ کمی حجم بیشتری را به کار گرفتند البته چنین روندی برای ایران و عراق هرگز برابر نبود و بخصوص در برخی زمینه‌ها مثل نیروی هوایی این روند برای ایران حالت معکوس داشت. به هر حال این امر دست کم در مورد سپاه صادق است که جنگ چریکی و نامنظم در سال ۵۹ به سرعت جای خود را به عملیات‌های دقیق و منظم داد که از سلاح‌های نسبتاً پیچیده‌ای بهره می‌گرفت. این دگرگونی در سازماندهی سپاه توان رزمی نیروها خودی را بشدت افزایش داده و پیروزیهای مهمی را به همراه داشت لکن به همراه پیچیده‌تر شدن عملیات‌ها و افزایش داده و توان رزمی نیروهای خودی، عراق سلاح‌های پیچیده‌تری را به کار گرفت. و اینها به معنای وابستگی توان رزمی طرفین به تجهیزات پیچیده و در نتیجه بازار تسلیحات جهانی بود.

دگرگونی دوم در عرصه بازارهای بین‌المللی روی داد که خود بشدت با اوضاع و احوال جبهه‌های جنگ در ارتباط بود. پیروزی ایران در سالهای نخست جنگ و اخراج متجاوز از خاک خود، ابر قدرتهای بزرگ را به چاره‌اندیشی واداشت، که به عراق نزدیکتر شوند. با ورود به خاک ایران و در نهایت تصرف فاو از سوی جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به بصره که نقاط عطف این فرایند بودند در نهایت فشار همه‌جانبه به ایران و تجهیز کامل عراق عملی شد در عرصه تسلیحات با خبر پیروزی که رزمندگان اسلام به دست می‌آوردند و توان رزمی خود را به استفاده

از نیروی انسانی شهادت طلب و ابتکارات متعدد، افزایش داده و عملیات های پیچیده تری را طراحی می کردند، دسترسی عراق به سلاحهای غرب و شرق راحت تر و بازار تسلیحات برای عراق قابل دسترس تر بود. فرانسه، شوروی و کشورهای کوچک و بزرگ در بلوک شرق و غرب بصورت آشکار به عراق تسلیحات و تجهیزات نظامی و غیر نظامی می فروختند. و گروهی دیگر از کشورها در ظاهر اعلام بیطرفی نموده، ادعا می کردند که هیچگونه سلاح در اختیار طرفین جنگ نمی گذارند. ولی عملاً بصورت مستقیم و غیر مستقیم از تأمین کنندگان سلاح برای هر دو طرف بودند که در این معامله نیز با افزایش فشار بین المللی بر ایران، این گروه از کشورها ناگزیر می شدند از فروش سلاح به ایران جلوگیری کرده و صرفاً بازار عراق را داشته باشند. نمونه بارز آن چین و کشورهای کوچک بلوک شرق است. میزان فروش آنها به جمهوری اسلامی ایران با میزان فشار بین المللی ارتباط داشت. هرچند برخی کشورها در مقابل این فشار مقاومت می کردند، لکن چنین فشارهایی در کیفیت سلاحهای فروخته شده به جمهوری اسلامی ایران و قیمت آنها بشدت مؤثر بود. این کشورها از فروش سلاحهای پیشرفته و حساس به ایران خودداری کرده و به خاطر وجود تنگناها قیمت سلاحها را افزایش می دادند که با توجه به کاهش توان مالی و بخصوص بودجه ارزی ایران، اگر خرید آن ناممکن نبود دست کم بسیار مشکل بود.

فشارهای بین المللی برای کشورهای فروشنده سلاح و حتی تجهیزات نظامی و غیر نظامی به ایران از طریق گوناگون و در سطوح مختلف اعمال می شد. در سطح جهانی ابر قدرتهای بزرگ با وجود این که مواضع متفاوتی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و عراق داشتند ولی در عمل هیچکدام از آنها از تهیه و تأمین سلاح و یا تجهیزات پیشرفته در خدمت جنگ، بر این عراق دریغ نکردند و در وارد آوردن فشار و ایجاد محدودیت بر جمهوری اسلامی ایران نه تنها در خرید تسلیحات بلکه در خرید وسایل بسیار پیش پا افتاده مثل لباس غواصی و موتور قایق های کوچک رویه مشترک داشتند. امریکا برای اجرای سیاست خارجی خود قبال جمهوری اسلامی ایران و پایان دادن به جنگ علاوه بر فشارهای مستقیم نظامی در عرصه تسلیحاتی، در کلیه سطوح سعی در هماهنگ کردن محدودیت ها برای خریدها و درآمد ارزی ایران داشت آمریکا با توسل به این

اقدامات که به عملیات استاتج معروف است تلاش می کرد از رسیدن هر گونه سلاح به ایران خوداری کند. (مأخذ ۱) ایالات متحده در شورای امنیت بطور مداوم در تلاش بود تا با تهیه قطعنامه تحریم تسلیحاتی، زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم آورد آمریکا این امر را با حمایت انگلستان و کشورهای دیگر انجام داد. پیش نویس قطعنامه طرح تحریم تسلیحاتی (۶۶/۶/۲۲) چندروز قبل از سفر رئیس جمهور ایران به نیویورک توسط آمریکا و انگلستان تهیه شد ولی به خاطر اینکه امکان حفظ اتفاق آرا در شورای امنیت وجود نداشت از ارائه آن خودداری کردند و تلاشهای خود را به رایزنی و هماهنگ کردن مواضع و اقدامات کشورها دیگر ادامه دادند. (مأخذ ۲)

دولت آمریکا همزمان با اعمال تحریم اقتصادی علیه ایران (۶۶/۸/۳) و درخواست از دولتهای غربی برای پیوستن به این امر، در مورد فروش کامپیوترهای پیشرفته به کارخانجات سعد ۱۶ که مرکز علمی آزمایشگاهی عراق در تولید تجهیزات و تسلیحات نظامی به شمار می آمد به توافق رسید و بدون کوچکترین مانعی آنها را در اختیار عراق قرارداد تا در افزایش برد موشکها و تولید انواع دیگری از تسلیحات نظامی به کار گیرد پس از باز گشایی سفارت آمریکا در بغداد شرکت کرده به سال ۱۹۸۴، در مارس ۱۹۸۵ دهها شرکت سازنده کامپیوتر در نمایشگاه بغداد شرکت کرده با ارائه آخرین افزارهای خود، قراردادهایی را منعقد کردند. هل وت پاکارد دفتر دائمی خود را در بغداد افتتاح کرد و با موافقت وزارت بازرگانی آمریکا سخت افزارهای پیشرفته کامپیوتری به کارخانه های تسلیحاتی عراق فروخته شد که در تولید موشکهای دور برد و پیشبرد برنامه جنگ افزاری هسته ای مورد استفاده قرار گرفت. (مأخذ ۳) انگلستان و بخصوص فرانسه به عنوان دو متحد آمریکا در خلیج فارس در تسلیح عراق نقش مهمی ایفا کردند. هرچند روابط فرانسه و عراق مقایسه با انگلستان نبود، و فرانسه نزدیکترین متحد اروپایی عراق به شمار می آمد ولی در اواخر جنگ انگلستان نیز کم کم روابط نزدیکتری با عراق برقرار کرد.

دفاتر وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران که براساس ادعای رسانه های غربی محل خریدهای تسلیحاتی ایران در اروپا به شمار می رفتند در اول مهر ۱۳۶۶ توسط مقامات دولت انگلستان تعطیل و کارکنان آنها اخراج شدند. (مأخذ ۴) در همین تاریخ دولت انگلستان مبلغ ۱۷۵ میلیون



پوند (۲۹۰ میلیون دلار) اعتبار جدید اضافه بر اعتبارات قبلی جهت واردات عراق از انگلستان در اختیار دولت بغداد قرار داد که بخشی از آنها برای خرید دارو و کامپیوتر برای ارتش عراق در نظر گرفته شده بود. (مأخذ ۵) دولت فرانسه در ابتدای شروع جنگ با وجود اعلام بیطرفی در آن تسلیحات مورد نیاز عراق را در بیشتر زمینه ها فراهم کرد و بدون کوچکترین محدودیتی به صلور پیشرفته ترین سلاحهای خود به عراق ادامه داد. هواپیماهای پیشرفته میراژ ۲۰۰۰، بمب افکن های سوپر اتانارد، موشکهای آگزوست و موشکهای اس. ۳۰ که با اشعه لیزر هدایت می شوند نمونه ای از سلاحهای ساخت فرانسه می باشند که در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شدند. سلاحهایی که گل سرسبد تکنولوژی تسلیحاتی فرانسه محسوب می شوند، عراق را قادر ساختند تا با سهولت بیشتری اهداف دریایی و مراکز نفتی و اقتصادی ایران را مورد حمله قرار دهد که برای استراتژی عراق در سال آخر جنگ مبنی بر منبع درآمد ارزی ایران حیاتی بود و نقش بسیار حساسی را ایفا کرد. (مأخذ ۶) در همین سال (۱۹۸۷) شرکت لوشر فرانسه به خاطر فروش پانصد هزار گلوله توپ به ایران در فاصله سالهای ۸۶-۱۹۸۳ و اغماض دولت سوسیالیست از این بابت تحت شدیدترین فشارهای تبلیغاتی قرار گرفت. مطبوعات غربی آنرا با ماجرای مک فارلین مقایسه نموده و عنوان «ایران سکام» به آن دادند. (مأخذ ۷) تیمرمن نویسنده کتاب سوداگری مرگ آن را به سیاست ریگانی «ابتکار صلح با ایران» شبیه دانست که فرانسه از در عقبی آن وارد شد. (مأخذ ۸) و کشورهای آلمان، سوئد، ایتالیا و غیره نیز چنین موجی از سختگیریها علیه جمهوری اسلامی در سالهای آخر جنگ برخاست که دول غربی تدابیر شدیدتری علیه شرکتهای تولیدی و تجاری اعمال کردند. دولت انگلستان ۶ ماه دوربین مخفی در گمرک این کشور کار گذاشت تا کالاهای صادراتی به ایران شناسایی کند. آلمان کارکنان کنسولگری ایران در برلن غربی را اخراج کرد. دولت سوئد شرکتهای این کشور را به خاطر صدور کالاهایی چون قایق های تندرو به ایران به دادگاه احضار نمود. سفارتخانه و مراکز متعلق به جمهوری اسلامی مورد مراقبت دائمی پلیس قرار گرفته و افراد مظنون به همکاری با ایران دستگیر شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. (مأخذ ۹) از آثار اقدامات دول اروپایی در ایجاد محدودیت خرید ایران، گران شدن قیمت سلاح غیر

قابل دسترس بودن شرکتهای بزرگ و مطمئن و عدم دستیابی به سلاحهای مدرن و افت کیفیت سلاحهای خریداری شده بود و در نهایت پائین آمدن قدرت چانه زنی در بازار سپاه و روی آوردن به شرکت های کوچک و افراد غیر مطمئن در خارج و تولید سلاح در حد توان در داخل را به دنبال داشت. البته با گسترش این محدودیتها، تهیه مواد اولیه و کالاهای غیر نظامی و تولید سلاح در داخل تا اندازه ای با مشکلات بیشتری مواجه شد. کشورهای حوزه خلیج فارس برای اتحاد جماهیر شوروی و چین بازار پر رونقی بودند که در ابتدای شروع جنگ حجم محدودی به آنها اختصاص داشت. اگر ارتش عراق بر اساس سلاحهای ساخت شوروی سازماندهی شده بود، بقیه کشورهای عربی از کشورهای غربی خرید می کردند. با وقوع انقلاب اسلامی، ایران از گروه مشتریان سلاحهای امریکایی خارج شد. با افزایش توان نظامی سپاه، سلاحهای روسی و چینی وارد سازمان رزمی نیروهای مسلح ایران شدند. اتحاد جماهیر شوروی در حالی که در جنگ ظاهراً موضع بیطرفی اتخاذ کرده بود به معاملات خود با عراق ادامه داده و همچنان در ردیف عمده ترین تامین کنندگان سلاح برای عراق قرار داشت و برای ایران بصورت غیر مستقیم و با محدودیت بیشتر و نوسانات شدید سلاح می فروخت. در سالهای آخر جنگ و در پی بهبود روابط شوروی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و توافق با آمریکا مبنی بر پایان دادن به جنگ، اتحاد شوروی نه تنها از فروش سلاح به ایران خودداری کرد بلکه انجام توافقات به عمل آمد در مورد پروژه های ارسال نفت و گاز را به پایان جنگ منوط کرد. معاون وزارت خارجه شوروی ورنتسف پس از دیدار با نخست وزیر وقت، مهندس موسوی، با طرح مسائل و همکاری های اقتصادی و فنی دو جانبه گفت:

«به هر حال جنگ پایانی دارد و پس از خاتمه جنگ {ایران و عراق} امکانات و همکاریهای ما و شما افزایش خواهد یافت.» (مأخذ ۱۰)

در این مورد جمهوری خلق چین ضمن اعلام بیطرفی، موضعی کاسبکارانه داشت و در تلاش بود به هر دو طرف صلاح بفروشد. ورود فعال نظام بین المللی به جنگ و اعمال فشار شدید به ایران و کشورهای تامین کننده اسلحه هزینه تهیه سلاح را هم برای ایران و هم برای چین افزایش

داد. چین به کشورهای ثروتمند حوزه خلیج فارس بی اعتنا نبود و به تلاش آنها در سالهای آخر جنگ در قبال ایران بها می داد. این کشور همانند اتحاد جماهیر شوروی در پی سازش با اعراب و امتناع از رویارویی با آمریکا بود و در پی فشار بین المللی نمی خواست به خاطر حمایت از ایران و ارسال سلاح به آن خود را در معرض اتهامات متعددی قرار دهد که هر روز و از هر سو به گوش می رسید. از سوی دیگر همین کشورهای حوزه خلیج فارس با انعقاد قراردادهای تسلیحاتی با چین در صدد بودند تا این کشور را به محدود کردن فروش سلاح به ایران و در نهایت قطع آن متقاعد سازند.

بطور خلاصه نظام بین المللی با ایجاد مراقبت شدید بر شرکتهای طرف قرار داد ایران، تعطیلی مراکز خرید، تطمیع کشورها در ممانعت از فروش سلاح، ایجاد موانع در راه رسیدن سلاحهای خریداری شده و بالاخره تهدید به تصویب قطعنامه تحریم تسلیحاتی، تنگناهای فراوانی برای ایران فراهم آورد ولی از سوی دیگر با فروش سلاحهای پیشرفته به عراق به یمن وجود دلارهای نفتی کشور حوزه خلیج فارس فرصتهایی طلایی در بازارهای تسلیحاتی در اختیار عراق گذاشت، بطوری که خریدهای تسلیحاتی عراق در آخرین سال جنگ به چهار برابر خریدهای ایران رسید و عنوان پر رونق ترین بازار جهانی را به خود اختصاص داد. (مأخذ ۱۱)

## منابع و مأخذ

- ۱- کاسپارواینبرگر، نبرد در خلیج فارس فصلی از کتاب خاطرات واینبر، ترجمه مهران مفیدی طباطبایی، (نشرحیر، ۱۳۷۰) ص ۱۰
- ۲- روزنامه رسالت (۱۳۶۶/۶/۲۳) ص آخر به نقل از گاردین
- ۳- کنت آر، تیمرمن، سوداگری مرگ: ناگفته های جنگ عراق با ایران ترجمه احمد تدین (تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳) ص ۴۰۴، ۴۰۱
- ۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه، شماره ۱۸۹، ۱۳۶۶/۷/۳، ص ۳۸
- ۵- روزنامه اطلاعات، (۱۳۶۶/۷/۴)، ص آخر به نقل از آلن کلارک، معادن وزیر بازرگانی انگلستان
- ۶- در مورد نقش فرانسه در تسلیح عراق ر. ک به : تیمر من و پیشین
- ۷- تایم، ۱۶ نوامبر ۱۹۸۷ به نقل از وزارت ارشاد اسلامی «رسوائی فروش اسلحه به ایران د رپارس» بررسی مطبوعات جهان، شماره ۱۲۷۹ (۶۶/۸/۲۵) ص ۲-۳
- ۸- مأخذ ۳، ص ۳۹۹
- ۱۰- هفته نامه اشترن، ( ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷)، به نقل از وزارت ارشاد اسلامی . بررسی مطبوعات جهان ، شماره ۱۲۷۸ (۶۶/۸/۲۱) ص ۲۸-۳۱
- ۱۰- دفتر سیاسی نمایندگی امام د رسپاه رویدادها شماره ۱۵۸، (۶۶/۵/۲۶) ص ۶
- ۱۱- روزنامه اطلاعات، (۶۶/۶/۵) به نقل از نشریه جمیز دیفنس چاپ لندن

## بررسی اجمالی دو جنبه از علل آغاز جنگ تحمیلی

خانم آهنگرزاده

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چگونه و تحت چه شرایطی آغاز شد؟ آیا امکان ممانعت از وقوع جنگ وجود داشت؟ به عبارت دیگر آیا تحقق جنگ یک امر حتمی و اجتناب ناپذیر بود؟ پاسخ به این سوال دو وجه دارد. پاسخ مثبت منشاء سوال دیگری خواهد بود مبنی بر اینکه چه راه‌هایی برای جلوگیری از انعقاد نطفه‌های تهاجم و آغاز تجاوز عراق، وجود داشت؟ در صورتیکه پاسخ منفی باشد، باید شرایط خاص انقلابی داخل کشور و تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی و منطقه که هیچگونه راه حل مشخص برای ممانعت از وقوع جنگ را باقی نگذاشته بود، مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد.

معمولاً در بررسی علل یا نحوه وقوع جنگ، شرایط بین‌المللی، محیط منطقه و وضعیت سیاسی - نظامی و اقتصادی دو کشور توصیف و مورد تجربه و تحلیل قرار می‌گیرد. طبعاً در این میان هر گونه اختلافات مناقشه‌آمیز میان دو کشور، اعم از مرزی، مذهبی و قومی به منزله کانون بحران می‌باشد که تحت شرایط خاصی فعال می‌شود و بذر تهدیدات، در این فضای جدید و در زمان مناسبی رشد و ظهور خواهد کرد. به عبارت دیگر زمینه‌های اختلاف میان دو کشور همجوار مانند ایران و عراق تنها در شرایط خاصی تشدید می‌شود و تهدید نظامی طی یک سلسله عوامل و تعامل آنها بر یکدیگر، به وقوع درگیری و جنگ منجر می‌گردد.

با در نظر گرفتن این ملاحظات کلی وقوع جنگ میان ایران و عراق پس از گذشت یک سال و هشت ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، جای هیچگونه شک تردید باقی نمی گذاشت که میان زمینه سازی تجاوز عراق و تحقق انقلاب اسلامی در ایران، ارتباط عمیق و پیوسته وجود دارد. بر این اساس نتایج حاصل از پیروزی انقلاب اسلامی در وقوع جنگ، در دو زمینه قابل تشخیص و محسوس است.

(۱) پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ اهداف استقلال طلبانه، منافع آمریکا را در ایران و منطقه مورد تعرض قرار داد و مخدوش کرد. همین مسئله منجر به خصومت جدی و عمیق آمریکا علیه ایران شد. با پیدایش این وضعیت امریکاییها تلاشهای نسبتاً وسیع و همه جانبه ای را بمنظور جابجایی در قدرت و براندازی نظام جمهوری اسلامی سازماندهی و اجرا کردند که هیچیک نتیجه قطعی و مطلوبی را به دنبال نداشت.

(۲) پیدایش خلاء قدرت در منطقه با سقوط شاه و شکست استراتژی منطقه ای آمریکا، یک فرصت تاریخی در اختیار عراق قرار داد تا در چارچوب شرایط جدید منطقه، ضمن همسویی با آمریکا\*\* از آن بهره برداری نماید.

بدین لحاظ تاثیر شرایط بین المللی و منطقه و نقشه آن در تسهیل حمله عراق به ایران تا اندازه ای آشکار می شود. بر پایه منطق حاکم بر روابط و مناسبات بین المللی در نظام دو قطبی، انقلاب با مشخصه دینی، به منزله معارضة جدی با بنیادهای فکری نظام حاکم بر غرب شرق ارزیابی می شد. به همین دلیل نه تنها مورد حمایت نبود بلکه در معرض تهاجم و تعرض قرار داشت. در واقع

---

\* پیدایش وضعیت جدید در منطقه و نگرانیهای امریکایی نسبت و آن و به موازات آن درک عراق از این وضعیت و تلاش آن برای بهره برداری از شرایط موجود، منجر به همسویی منافع این دو کشور برای مقابله با انقلاب اسلامی با تکیه بر اهرم نظامی و براه انداختن جنگ شد.

\*\* روزنامه کریستن ماینور در این زمینه می نویسد «فروپاشی قدرت ایران که نقش کلیدی در توازن و تعادل قوا در تمام منطقه داشت واقعی مسلم است اکنون در جایی که زمان شاه با قدرت ایستاده بود خلاء وسوسه کننده ای خمیازه می کشد در حالی که عراق از مدتها پیش برای چنین فرصتی لحظه شماری می کرد»

خاستگاه دینی و مردمی انقلاب اسلامی، سبب شده بود، تنها مردم مستضعف و برخی از روشنفکران متعهد و مسلمان از انقلاب اسلامی ایران و اهداف و شعارهای آن حمایت و پشتیبانی کنند.

از سوی دیگر کشورهای منطقه به دلیل فقدان مشروعیت و عدم برخورداری از حمایت مردمی عملاً حوادث و رخداد‌های مربوط به انقلاب اسلامی را با بدبینی دنبال می‌کردند و عمیقاً از تثبیت و گسترش آن نگران و مضطرب بودند.

فضای ناشی از نگرش نظام بین‌المللی و حاکمان کشورهای منطقه نسبت به انقلاب اسلامی زمینه خصومت علیه ایران را بیش از پیش مستعد و تقویت می‌کرد، عراق در این شرایط شعارهایی مبنی بر تخلیه جزایر سه‌گانه ایرانی به حمایت از اعراب سر داد و خواستار لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد:

«ما میانجیگری میان عراق و ایران را نمی‌پذیریم و خواستار لغو پیمان الجزایر و باز گرفتن حق حاکمیت عراق بر شط العرب و عقب نشینی ایران از جزایر سه‌گانه عربی خلیج که از زمان حکومت شاه در اشغال ایران بوده است، هستیم.» (مأخذ ۱)

وضعیت سیاسی - نظامی ایران و عراق نیز با تاثیر پذیری از تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت شرایط خاصی قرار داشت.

حکومت نو پای ایران عمیقاً با مناقشات سیاسی داخلی و بحرانهای قومی ای روبرو بود که با حمایت‌های خارجی بدان دامن زده می‌شد، ضمن اینکه به دلیل ضعفهای اساسی در ساختار و آموزش ارتش در رژیم گذشته و تحولات و دگرگونیهای متأثر از انقلاب اسلامی در درون ارتش، بنیه و توان نظامی کشور دستخوش تغییر شده بود و ارتش عملاً فرصت بازیابی و سازماندهی مجدد را نیافته بود. هویت یابی و سازماندهی مجدد ارتش نیاز به زمان و کادرهای ورزیده داشت که مناقشات سیاسی و بحرانهای امنیتی مانع از انجام آن بود. در همین روند آمریکاییها نیز حفظ سیستم مستشاری در ارتش را به عنوان «دفتر دفاعی یا دفتر. (مأخذ ۲) امنیتی» به موازات برقراری ارتباط و سازماندهی عناصر ضد انقلاب با هدف طراحی شده برای کودتای. (مأخذ ۳) و براندازی

نظام جمهوری اسلامی ایران دنبال می کردند.

عراق برخلاف ایران به عنوان یک نظام متمرکز سیاسی و توتالیتر، از ثباتی نسبی برخوردار بود به گونه ای که اتخاذ هر گونه تصمیم گیری اجرای آن در سیستم سیاسی نظامی این کشور به سهولت امکان پذیر و قابل تحقق بود. توان نظامی عراق نیز متعاقب امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر رو به افزایش نهاده بود. چنانکه صدام در یک مصاحبه مطبوعاتی می گوید:

«اکنون ما نیروی نظامی کافی برای باز پس گرفتن سه جزیره عربی اشغال شده توسط ایران را فراهم کرده ایم و بر خلاف تصور عده ای، ما از هنگام اشغال این جزایر در مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳ ه.ش) نه سکوت کرده ایم و نه دچار رخوت و سستی شده ایم. بلکه از آن زمان و پس از درگیری در جنگی فرسایشی با شاه، توان و قدرت نظامی و اقتصادی خود را در مدت هفت سال افزایش داده ایم.» (مأخذ ۴)

عراقیها بر پایه اطلاعات و درکی که از اوضاع داخلی ایران پیدا کردند به موازات بهبود شرایط بین المللی و منطقه ای، دستیابی به پیروزی «سهل سریع» را امکان پذیر ارزیابی می کردند. و از سوی دیگر برقراری رابطه با آمریکا را نیز دنبال می کردند چنانکه بعدها صدام در این باره گفت: «پیش از آنکه عراق درگیر جنگ با ایران شود من بطور خیلی جدی با فرماندهان ارتش پیرامون برقراری رابطه دوستانه با آمریکا صحبت کردم اما پس از آنکه جنگ شروع شد نخواستیم این موضوع را دنبال کنیم زیرا ممکن بود تصور شود که به علت ضعف و نیاز متوسل به آمریکا شده ایم»

به همین دلیل از فروردین ۱۳۹۵ با تشدید مخاصمات آمریکا علیه ایران، عراقیها ضمن اعلام آمادگی به آمریکا توانایی نظامی خود را در مقابل با تجاوزات مرزی به نمایش گذاردند.

تمامی کارشناسان و تحلیل گران با بررسی شرایط ایران و عراق دستیابی عراق به پیروزی را امکان پذیر ارزیابی می کردند اشییگل در این زمینه با تأکید برای توانایی نظامی عراق می نویسد: «دلایل بسیار وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران در یک جنگ مسلحانه با عراق شکست خواهد خورد، زیرا عراق دارای یک ارتش مجهز و تعلیم یافته است.» (مأخذ ۵)



کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا نیز با ارزیابی نسبت موقعیت سیاسی - نظامی ایران با عراق اعلام کرد:

«جنگ حداکثر ظرف ۱۰ روز با پیروزی عراق پایان خواهد یافت.»

روند حوادث ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۵ نشان دهنده نحوه شکل گیری زمینه های تهاجم عراق علیه ایران می باشد، لذا در اینجا به برخی از حوادث بر جسته آن اشاره می شود:

- در پایان اسفند سال ۱۳۵۸ پس از انتخاب بنی صدر به عنوان ریس جمهور، امام خمینی نامبرده را به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا معرفی فرمودند تا اوضاع سیاسی - نظامی کشور را سامان بخشد، لیکن ماهیت تفکر و تلاشهای بنی صدر سبب گردید مناقشات سیاسی در داخل کشور وارد مرحله جدیدی شود که حل و فصل آن تا نیمه اول سال ۱۳۶۰ به مدت یک سال ونیم، بطول انجامید.

- در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ امریکا پس از ناامیدی نسبت به آزادی گروگانها، ضمن اعلام تحریم اقتصادی، همچنین به قطع رابطه با ایران اقدام کرد. تنها یک روز قبل از این حادثه در تاریخ ۱۸ فروردین اعلام کرد عراق آماده است تا با زور اختلافات خود را با ایران حل کند. (مأخذ ۶). این اظهارات بمنزله ابراز آمادگی و هماهنگی عراق با امریکا، تلقی می شد. در همین شرایط عراقیها اوضاع سیاسی و نظامی میان دو کشور را به گونه ای تشدید کردند که بسیاری از کارشناسان نظامی این وقایع را بمنزله آغاز جنگ، مورد ارزیابی قرار دادند.

- در تاریخ پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ امریکاییها به منظور آزادسازی گروگانها با حمله به طیس به عملیات نظامی مبادرت ورزیدند\* که با شکست مواجه شد. پس از این واقعه اظهارات وزیر خارجه امریکا و برخی از مقامات رسمی این کشور تماماً بر تشدید برخورد سیاسی و اقدامات نظامی مستقیم علیه ایران حکایت می کرد. برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور وقت امریکا می گوید:

---

\* با توجه به فاصله طیس تا تهران و ابزار و وسایلی که امریکاییها در اختیار داشتند مانند موتور، فرقون و غیره در مورد هدف این عملیات باید بررسی مجدد انجام گیرد.

«باید عدم اعتماد به نفس ایران را غنیمت شمرده، ارتباطهای امریکارا با کلیه گروهکها و رهبران سیاسی این کشور بخصوص با کسانی که توانایی دست زدن به اقدام نظامی علیه رژیم {امام} خمینی را دارند تقویت کرد.» (مأخذ ۷)

روزنامه نیویورک تایمز چاپ امریکا که غالباً مواضع وزارت خارجه این کشور را بیان می کند در مورد طرحهای امریکا پس از عملیات طبس می نویسد:

«دولت امریکا پس از شکست عملیات طبس، امکان اجرای سه طرح نظامی بسیار مهمی را بررسی می کند. طرحهای مزبور عبارتند از: پیاده کردن نیروی نظامی در شهرهایی که محل نگهداری گروگانهای امریکاست، مین گذاری در مبادی صدور نفت با بمباران پالایشگاههای ایران، سپس نوشته شده است: عده ای معتقدند چشم انداز جنگ با کشوری نیرومند - عراق - شاید ایران را وادار سازد در سیاست خود تجدید نظر کند.» (مأخذ ۸).

- در تیر ماه ۱۳۵۹ طرح کودتای نوژه از سوی عناصر ضد انقلابی ارتش با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی به اجرا گذارده شد که با شکست همراه گردید. برابر گزارش عناصر کودتاچی، تنها با بررسی دو طرح کودتا دیگر نیازی به جنگ نبود.

بموازات فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی از خارج، مناقشات سیاسی در داخل کشور نیز حول محور بنی صدر و با حمایت سایر عناصر ضد انقلاب مانند چپهای امریکایی و منافقین به گونه ای قابل ملاحظه تشدید شد. بدین ترتیب شمارش معکوس بر این شروع تهاجم عراق آغاز گردید و نقل و انتقالات و جابجایی های نظامی در مرز ایران از سوی عراق، تأکید صدام بر "قادسیه" و اعلام حمایت عراق از تجزیه استان خوزستان تماماً برآمدگی عراق. (مأخذ ۹) برای تهاجم به ایران دلالت می کرد. بدین ترتیب سرانجام از تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ درگیری در مرز بطور رسمی شروع شد و ادامه یافت و از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم سراسری و همه جانبه عراق آغاز گردید.

بنظر می رسد لازمه ممانعت از آغاز جنگ سه اقدام اساسی بود که بنا به دلائل امکان انجام آن نبود:

### ۱- بازدارندگی نظامی بر پایه توانمندی و کارآمدی نظامی

عراق در حد فاصل فروردین با شهریور ۱۳۵۹ بمدت ۶ ماه با تجاوزات مرزی متعدد میزان توانایی نظامی ایران و توانمندی سیستم تصمیم‌گیری سیاسی- نظامی کشور را به آزمایش گذاشت و در مورد ناتوانی آن به نتیجه رسید. به عبارت دیگر هرگونه "مقابله مؤثر" با "مانور نظامی مناسب" می‌توانست حداقل در تصمیم‌گیری عراق و تجاوز این کشور تردید و تأخیر ایجاد نماید. حال آنکه عملاً بنا به شرایطی که وجود داشت هیچگونه اقدام مناسبی انجام نگرفت.

### ۲- نظام سیاسی کارآمد و متمرکز

تشدید مناقشات سیاسی در رأس هرم قدرت با محوریت بنی صدر و با هدف حذف نیروهای انقلابی و پیرو خط امام از یکسو و از سوی دیگر تلاش گسترده اپوزیسیون با هدف مشارکت در قدرت سیاسی و فراهم‌سازی جابجایی در ساختار قدرت امکان برقراری ثبات سیاسی و استقرار حکومت متمرکز و کارآمد را از میان برده بود. تشدید فشارهای خارجی با حمایت از عناصر و جریان‌ات ضد انقلاب، دامنه این مناقشات را گسترش می‌داد.

### ۳- یارگیری سیاسی در عرصه بین‌المللی

نحوه نگرش خصومت‌آمیز نظام بین‌الملل به انقلاب اسلامی یکی از عوامل مؤثر و بازدارنده در فراهم‌سازی امکان گفتگو و یارگیری سیاسی برای ایران بود. درگیری ایران و امریکا عملاً امکان گفتگو با فرانسه و انگلیس به عنوان دو عضو از اعضای شورای امنیت را از میان برده بود. تجاوز شوروی به افغانستان و تهدید امنیت ملی ایران مناسبات ایران و شوروی را دستخوش بحران کرد. مسلماً در این شرایط هرگونه حمایت روسها از ایران مشروط به اخذ امتیاز در مسئله افغانستان بود که به لحاظ ماهیت انقلاب اسلامی ایران امکانپذیر نبود.

تحت چنین شرایطی حتی ارائه امتیاز به عراق با لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و چشم‌پوشی از جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی) گرچه می‌توانست التهاب جنگ را تا اندازه‌ای کاهش دهد لیکن هیچ تأثیری در ممانعت از وقوع جنگ نداشت، بلکه پذیرش شرایط عراق

بمنزله تجزیه تدریجی استان خوزستان بود و همین امر مناقشات پیاپی را در داخل کشور تشدید می کرد و عراق را در ادامه فشار بر ایران و اقدام نظامی، حریص و مصمم تر میکرد. نتیجه آنکه براساس بازنگری مجدد در مورد زمینه های وقوع جنگ از یکسو و فقدان عوامل باز دارنده از سوی دیگر می توان گفت جنگ بهای انقلاب بود که پرداخته شد. به عبارت دیگر ما محکوم به پذیرش هرگونه فشار بودیم، تنها به دلیل استقلال طلبی و مبارزه با ظلم و کفر و استکبار جهانی را بر پایه تفکر دینی و انقلابی در اندیشه و عمل پیگیری می کردیم و نیز در مقابل، دفاع همه جانبه و مردمی در برابر متجاوزین و شکست و ناکامی دشمن بهای حمله به یک انقلاب مردمی بود که صدام و حامیانش پرداختند و این مفهوم به عرصه ظهور رسید که هرگز به یک انقلاب حمله نکنید.

### منابع و مأخذ

- ۱- نعیم حداد رئیس اسبق مجلس ملی عراق، اسلامی مجله اشپیگل، ۲۱ آوریل ۱۹۸۰
- ۲- گذری بر دو سال جنگ، دفتر سیاسی سپاه سال ۱۳۶۰، ص ۵۹، ۶۰
- ۳- افشاگری شماره ۳، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سال ۶۰، ص ۷۳
- ۴- ۱۹۸۰/۷/۲۰، (۵۹/۴/۲۹ ه-ش) روزنامه کویتی السیاسه ۱۹۸۰/۲/۲۷
- ۵- بررسی مطبوعات جهان، وزارت ارشاد
- ۶- از خونین شهر تا خرمشهر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، خرداد سال ۷۳، ص ۲۰
- ۷- روزنامه السفیر ۱۹۸۰/۴/۲۲ (۱۳۵۹/۲/۳)
- ۸- آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به نقل از روزنامه السفیر ۱۹۸۰/۴/۳۰ (۵۹/۲/۱۰)
- ۹- روزنامه الشوره، چاپ بغداد، ۱۹۸۰/۸/۲۵ (۳)

## جنگ نفت

غلامرضا صفرپور (دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات

دفاعی و استراتژیک از دانشگاه امام حسین (ع))

اشاره:

عوامل متعدد در اشغال کویت بوسیله عراق و در پی آن حضور متحدین به رهبری امریکا در خلیج فارس مؤثر بوده است که یک عامل مهم آن نفت می باشد. این که چرا این بحران به نام جنگ نفت معروف شد، سؤالی است که این مقاله در صدد پاسخ به آن است.

مقدمه

موقعیت جغرافیایی دریایی یک کشور اثر مستقیمی بر قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی آن دارد به گفته آلفرد ماهان. (مأخذ ۱) دریا تأثیر مهمی بر سیاست خارجی کشورها دارد. یک کشور هر چه ساحل زیادتری داشته باشد و از امکانات بندری و پایگاه نظامی بیشتری برخوردار باشد به همان نسبت {مجال} نقش آفرینی زیادتری خواهد داشت.

عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را در مجاورت آبهای آزاد دارد و همین امر از مشکلات اساسی عراق از لحاظ اقتصادی و نظامی است. این ضعف ژئوپلیتیکی کشور

عراق، بر رفتار سیاست خارجی آن اثر گذاشته و رفع آن بصورت یک هدف درآمده است. حمله به جمهوری اسلامی ایران و کویت در راستای تحقق این هدف بوقوع پیوست.

کویت در خلیج فارس نسبت به عراق از سواحل بیشتری برخوردار است و سواحل آن دارای عمق زیادتری نیز می باشد. رژیم عراق به تصور اینکه با اشغال کویت با حداقل تصرف جزایر "وربه" و "بویان" بر طول سواحل کشورش در خلیج فارس می افزاید و تا حد زیادی ضعف ژئوپلیتیکی کشورش را بر طرف می کند و هم اینکه بر ذخایر نفتی بیشتری دست پیدا می کند، مرزهای کویت را مورد تجاوز قرارداد.

نقش نفت در تجاوز عراق به خاک کویت:

#### ۱- صادرات نفت:

رهبران عراق همواره ادا کرده اند که به لحاظ ژئوپلیتیکی، بندرگاه و سکوه‌های نفتی، راههای قابل اطمینانی برای صادرات نفت در سواحل خلیج فارس ندارند و این دلیل کافی است که همواره کویت را تحت فشار گذاشته تا قسمتی از آن سرزمین برای ایجاد یک ترمینال یا بندر نفتی در اختیار آنها قرار گیرد. زیرا دو خط لوله انتقال نفت عراق، یکی از خاک سوریه و دیگری از خاک ترکیه می گذرد و هر دو کشور بخاطر اختلافات ارضی و سیاسی همواره با تنشها و اختلافاتی روبرو بوده اند که در زمان جنگ با ایران، سوریه خط لوله نفتی عراق را قطع کرد و در حین جنگ با کویت، ترکیه اقدام به چنین عملی نمود و در زمان حساسی که عراق نیاز به صدور نفت داشت از صادرات نفت بکلی محروم شد و تنها از راه اردن، آن هم به اندازه ناچیزی توانست نفت صادر کند، در حالیکه ۹۷ درصد درآمد کشور عراق از صادرات نفتی تأمین می شود عراق در نظر داشت که چاههای صدور نفت خود را زیاد کند و برای رسیدن به این هدف در سال ۱۹۷۴ میلادی بطور رسمی از کویت درخواست نمود:

الف - اجازه دهد بندری در خاک این کشور احداث نماید.

ب - یک خط لوله نفت جهت انتقال نفت خود به این بندر در خاک کویت ایجاد کند. (مأخذ

کویت در مقابل این دو پیشنهاد و درخواست عراق، با عبور یک خط لوله نفت از خاک خود موافق بود. اما با ایجاد یک ترمینال یا بندر نفتی توسط عراق مخالفت ورزید. با عدم موافقت کویت در ژوئیه ۱۹۹۰ عراق بار دیگر درخواست خود را تکرار نمود، و چون با مخالفت کویت روبرو شد، درصدد الحاق خاک کویت به عراق برآمد.

## ۲- وجود ذخایر سرشار نفت در کویت:

افزایش تولید نفت و درآمد کویت، همیشه چشم رهبران عراق را خیره کرده و موجب حسادت آنها شده است، نوری سعید، عبدالکریم قاسم و صدام حسین، هرگز نتوانستند از این امر چشم پوشی نمایند. نوری سعید نخست وزیر وقت عراق، پس از تشکیل اتحادیه عراق و اردن در ۱۴ فوریه ۱۳۵۸ تلاشهای زیادی را به عمل آورد تا کویت را نیز به این اتحادیه ملحق کند. زیرا اردن فاقد ثروت طبیعی بود، و درآمدهای نفتی کویت می توانست به پیشبرد برنامه های اقتصادی اتحادیه کمک نماید. یکی از انگیزه های اصلی عبدالکریم قاسم نیز برای الحاق کویت به عراق وجود ذخایر عظیم نفت در این کشور بود، تولید نفت کویت در آن زمان بیش از دو برابر تولید نفت در عراق بود.

بنابراین، عراق با تصرف کویت بر ۲۰ درصد از ذخایر نفت جهان تسلط پیدا می کرد و این امر می توانست به راحتی اقتصاد عراق را - بعد از جنگ ۸ ساله - با درآمد نفتی سروسامان بخشد.

## ۳- ادعای حوزه نفتی رومیله:

عراق در ژوئیه ۱۹۹۰ میلادی ادعا نمود که حوزه نفتی رومیله که در خاک کویت قرار دارد متعلق به عراق است و آن کشور را متهم کرد که نفت این منطقه را به سرقت برده است و خولستار پرداخت ۲/۴ میلیارد دلار غرامت گردید، همچنین کویت را متهم کرد که با افزایش تولید نفت سبب کاهش بهای نفت شده و حدود ۱۴ میلیارد دلار خسارت به این کشور وارد کرده است. (مأخذ ۳) این مبلغ تقریباً برابر وام هایی است که کویت در طول جنگ عراق با ایران به این کشور پرداخت کرده بود. هدف از این ادعا این بود که کویت را ناگزیر سازد از وام های مذکور چشم پوشی کرده، حوزه نفتی مذکور را به عراق واگذار نماید.

در دوران پیش از آغاز جنگ، امیر کویت با عدم رعایت سهمیه تعیین شده از سوی اوپک و سرازیر کردن نفت به بازارهای نفتی، توانست قیمت هر بشکه را از ۱۸ دلار به ۱۱ دلار پایین آورد در حالی که کاهش یک دلار در هر بشکه برای عراق به منزله از دست دادن یک میلیارد دلار در سال بود.

عدم رعایت سهمیه از سوی کویت بمنزله، یک جنگ اقتصادی کشنده علیه عراق به شمار می آید.

### نقش نفت از دید آمریکا:

وابستگی کشورهای غربی از ابتدای کشف این ماده حیاتی در گفتار و بیانات مقامات این کشور به خوبی روشن است، به عنوان مثال ژرژ کلمانسو سیاستمدار فرانسوی در جنگ جهانی اول اعلام کرد:

«قطره نفت ارزش خون یک سرباز را دارد»<sup>۴۰</sup>. (مأخذ ۴)

نکسون رییس جمهور اسبق آمریکا می نویسد:

«خلیج فارس که زمانی شهرتی شاعرانه و خیال بر انگیز داشت اکنون شیشه عمر دنیا در

دستهایش یا بهتر بگویم در دستهایش قرار دارد». (مأخذ ۵)

بنابراین امروزه منطقه خلیج فارس با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز، نقش مهمی در اقتصاد جهان دارد، تقریباً ۲/۳ از منابع نفت خام به ثبت رسیده جهان در بستر و زیر بستر آبهای خلیج فارس قرار دارد که ۱/۳ نفت آمریکا و ۲۵ درصد نیاز اروپای غربی و ۶۰ درصد نیاز نفتی ژاپن را تأمین می کند

از طرف دیگر به دلیل آنکه عمر ذخایر نفتی این منطقه بیش از سایر مناطق دیگر و نسبتاً ارزاتر است. منافع حیاتی ایالات متحده در این منطقه رقم زده شده است و به گفته کارتر:

«هر گونه کوششی به منظور تسلط بر منطقه خلیج فارس از سوی هر کشور خارجی به

مثابه حمله به امنیت ملی و منافع حیاتی آمریکا به حساب خواهد آمد و با تمام وسایل از



جمله وسایل نظامی به مقابله خواهیم پرداخت.» (مأخذ ۶)

در دوره بعد از جنگ سرد، مسئله نفت و رویارویی با قدرتهای منطقه ای که احساسات خصمانه ای نسبت به سلطه طلبی آمریکا دارند در کانون توجه سیاست آمریکا در خاورمیانه قرار گرفت که استراتژی مهار دو جانبه کلیتون را می توان در این راستا به حساب آورد.

سلطه آمریکا بر ذخایر نفت این منطقه آن کشور را قادر خواهد ساخت که اقتصاد جهانی و همچنین بطور غیر مستقیم، اقتصاد دو قدرت رقیب نیرومند خود یعنی ژاپن و آلمان را کنترل کند و از این دیدگاه «نفت» ابزاری جدید و اهرم فشاری برای تحقق رهبری جهانی آمریکا می باشد. جیمز بیکر (وزیر خارجه آمریکا) در سخنرانی خود در شورای امور جهانی لوس آنجلس عنوان می دارد که:

«تجاوز صدام حسین صلح جهانی را به مخاطره افکنده و اقتصاد جهانی را که وابسته به منافع سوختی خلیج فارس - یعنی نفت - است در معرض خطر قرار داده است.» (مأخذ ۷)

همچنین جرج بوش (ریس جمهور آمریکا) اظهار داشت:

«اگر از کشورهای حوزه خلیج فارس حمایت نکنیم، کنترل نفت منطقه به دست صدام خواهد افتاد و این امر بر زندگی و صنعت ما که به نفت وابسته است، تأثیر خواهد گذاشت.» (مأخذ ۸)

در یک جمع بندی می توان گفت مقامات عراق برای اشغال کویت و آمریکایها جهت تجلوز به عراق از انگیزهای مشترکی برخوردار بودند و رهبران دو کشور به نحوی عامل نفت را در جریان جنگ خلیج فارس موضوع اصلی مخاصمه برمی شمردند. اشغال کویت از سوی عراق این فرصت طلایی را در اختیار آمریکای بعد از جنگ سرد که شعار «نظم نوین جهانی» می داد، قرار داد تا سیادت خود را اعمال نموده و عراق را به میدان آزمایش سلاحهای پیشرفته غرب تبدیل کند. و از طرفی اقتصاد را با فروش تسلحات و تجهیزات نظامی به بهانه حفظ امنیت به کشور جنوبی خلیج فارس، سروسامان دهد و برای همیشه حضور نظامی خود را با قرار دادهای دو جانبه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در این منطقه حساس جهان تثبیت کند.

حضور نظامی آمریکا و عدم رعایت شئون اخلاقی در مقدس ترین مکان مسلمانان با انزجار و نفرت مسلمانان آگاه و بیدار روبرو شده و این امر باعث ناامنی بیشتر در منطقه و بخصوص در خود کشور عربستان سعودی شده است که انفجار مقر نیروهای آمریکای در طهران زنگ خطر برای آنان می باشد.

### منابع و مأخذ

- ۱-وی یکی از استراتژیستهای دریایی امریکاست.
- ۲-اطلاعات سیاسی-اقتصادی، س ششم، ش ۵۳-۵۴ ( بهمن و اسفند ماه ۷۰) ص ۳۲
- ۳-پیشین
- ۴-داود آقایی، سیاست و حکومت د عربستان سعودی، ( تهران نشر کتاب سیاسی ۱۳۶۸) ص ۱۷۶
- ۵-پیشین
- ۶-پائول جابر و دیگران، مناقع قدرتهای بزرگ د رخلیج فارس، ترجمه مجید قهرمانی ( تهران نشر سفیر ۲۷۰ ص ۳۸)
- ۷-اطلاعات سیاسی-اقتصادی پیشین
- ۸-روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۹/۶/۱۲

## خلاصه یک پژوهش علمی درباره هشت سال دفاع مقدس

تحقق و پژوهش درباره هشت سال دفاع مقدس که هدف از آنان آشکار کردن واقعیت و اثرات جنگ، برداشت و طرز تلقی مردم پس از گذشت چند سال از پایان آن می باشد، در نوع خوداری اهمیت خاصی است زیرا گذر زمان موجب می شود مردم با دیدی کلی و جامع تر به اظهار نظر بپردازد.

در پژوهشی که توسط مرکز تحقیقات و مطالعات و پخش برنامه ای از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (شماره ۱۳۳) از یک جامعه آماری صورت گرفته، اثرات و دستاوردهای مثبت و منفی جنگ ایران و عراق مورد تبادل نظر قرار گرفته است. در تحقیق فوق از بین شهروندان تهرانی تعداد ۵۵۷ نفر مورد مصاحبه قرار گرفته، که اکثر آنها در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله قرار داشته اند. بیش از ۱/۳ افراد شاغل و ۱/۳ دیگر خانه دار و بقیه غیر شاغل اعم از محصل، دانشجو، بیکار و باز نشسته بودند.

### نتایج آماری

۱- ۱/۳ پاسخگویان مهمترین نقطه قوت ایران در جنگ را ایمان و نیروی مذهبی و ۳۱ درصد وحدت و ایثار مردم دانسته اند. ۶ درصد نیز امکانات نظامی قوی را نقطه قوت دانسته اند.  
۲- ۲۵ درصد نقطه ضعف ایران را کمبود امکانات نظامی و پیشرفته نبودن سلاحهای جنگی و

۳۲ درصد ایران را بدون نقطه ضعف دانستند.

۳-۵۹ درصد عقیده داشتند ایران در صورت داشتن توانایی باید بخشهای از سرزمین عراق را اشغال می کردند و ۴۱ درصد با این عقیده مخالف بودند.

۴-۲/۳ پاسخگویانی که معتقد بودند ایران نمی بایست حتی در صورت توان نیروی نظامی، درصدد تصرف بخشهایی از سرزمین عراق برمی آمد هدف ما را دفاع می دانستند نه تجاوز، ۷۱ درصد ثمرات مثبتی را برای ایران قبول داشتند و ۱۸ درصد معتقد بودند جنگ هیچ ثمره مثبتی برای ایران نداشت.

۵- در مورد انگیزه مردم برای شرکت داوطلبانه در جنگ، ۵۷ درصد انگیزه های مذهبی و دینی، ۳۷ درصد حس میهن پرستی و ۶ درصد هر دو عامل را مهم می دانستند.

۶- درباره وجود یا عدم وجود برنده جنگ بیش از ۲/۳ به وجود کشور برنده عقیده داشتند، نیز افرادی که تحصیلات عالی داشتند کمتر از دیگر افراد به وجود کشور برنده معتقد بودند.

۷-۹۹ درصد معتقدان به وجود کشور برنده، ایران را برنده جنگ می دانستند و عراق را

۸- درباره این سوال که اگر دوباره چنین رخ دهد آیا فکر می کنید نسل جوان باز هم داوطلبانه در جنگ شرکت خواهند کرد؟ ۷۸ درصد پاسخ مثبت و ۲۲ درصد پاسخ منفی دادند.

۹- در مورد علل عدم شرکت داوطلبان جوانان در جنگ در صورت اتفاق افتادن مجدد جنگ، ۳۰ درصد علت آن را تضعیف اعتقادات جوانان و از بین رفتن ارزشهای اولیه و ۲۳ درصد پیامدهای منفی جنگ قبلی و عدم رسیدگی دولت به مشکلات ناشی از جنگ ۱۷ درصد وضعیت نابسامان اقتصادی می دانستند.

۱۰- در باب رسیدگی به آسیب دیدگان جنگ از جانب دولت، بیش از ۳/۵ معتقد بودند دولت به نحو احسن رسیدگی می کند و نزدیک به ۲/۵ مخالف این عقیده بودند.

۱۱- در مورد احساسشان نسبت به دوران دفاع مقدس ۲۲ درصد به احساس غرور و سربلندی و افتخار، ۲۰ درصد به یاد سختیها و خرابیهای ناشی از جنگ افتادن و ناراحت شدن، ۱۷ درصد به ناراحت شدن به دلیل از دست دادن جوانان، ۱۵ درصد به یاد جبهه و خاطرات خوب

آن و ۶ درصد به احساس ترس و وحشت از جنگ دوباره اشاره کرده اند. ۱۲-۳۱ درصد از پاسخ گویان معتقد بودند که جنگ هیچ اثر مثبتی نداشته است، ۵۴ درصد به انواع اثرات مثبت اشاره کرده اند، از آن جمله ۱۵ درصد به پایداری بیشتر مردم به اسلام و اعتقادات مذهبی، ۹ درصد به بالا رفتن توان نظامی کشور، ۹ درصد به ثابت کردن قدرتمان به دنیا، ۷ درصد به ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر در بین مردم و ۷ درصد هم به افزایش روحیه دفاع از میهن اشاره کرده اند.

۱۳-۳۶ درصد معتقد بودند که جنگ هیچ اثر منفی نداشته است و ۵۴ درصد هم به انواع اثرات اشاره کرده اند، از جمله ۲۰ درصد به ایجاد مشکلات اقتصادی و تورم، ۱۳ درصد به از دست رفتن عده ای و آسیب دیدن عده ای دیگر در اثر جنگ، ۱۱ درصد به ایجاد ناراحتی های عصبی و ۵ درصد به خرابیهای و خسارتهای ناشی از جنگ و ۳ درصد به عقب افتادن از دوران سازندگی اشاره کرده اند.

#### جمع بندی نهایی

در این نظر سنجی اکثر پاسخ گویان معتقد بودند در جنگ ایران و عراق جمهوری اسلامی ایران برنده بوده است آنچه که بیش از همه در نظرات پاسخگویان مهم جلوه می کنند اشاره به وجود ایمان و اعتقادات مذهبی مردم و رزمندگان، و ایثار و همبستگی آنها در این هشت سل دفاع مقدس به عنوان مهمترین نقطه قوت ایران می باشد (۹۴ درصد) و فقط ۶ درصد افراد قدرت و امکانات نظامی را به عنوان نقطه قوت ایران در جنگ مذکور اشاره کرده اند. در مقابل علاوه بر ۳۲ درصد پاسخگویانی که معتقد بودند ایران هیچ نقطه ضعفی در این جنگ نداشته است، ۲۵ درصد پاسخگویان کمبود امکانات نظامی را مهمترین نقطه ضعف ایران برشمرده اند.

اگر چه هدف جمهوری اسلامی ایران در جنگ فقط دفاع از میهن اسلامی در مقابل این تجاوز نظامی و جنگ تحمیلی بوده است، اما اکثر پاسخگویان (۵۹ درصد) عقیده داشتند ایران می بایست در اوایل جنگ در صورت داشتن توان نظامی بخش هایی از سرزمین عراق را به تصرف خود درمی آورد ۴۱ درصد بقیه مخالف این امر بوده و عقیده داشتند که اولاً هدف جنگ ما دفاع از

میهن بوده است نه کشور گشایی و ثانیاً مردم عراق برادران دینی ما محسوب می شوند. اکثر پاسخگویان (۷۸ درصد) اظهار داشتند در صورتیکه دوباره ایران مورد تجاوز دشمنان قرار بگیرد باز هم جوانان به طور داوطلبانه در جنگ شرکت خواهند کرد. افراد کم سواد نسبت به افراد تحصیل کرده در این خصوص خوشبین تر بودند.

جنگ ایران و عراق مانند هر جنگ دیگری دارای آسیب دیدگان بسیاری است که پس از جنگ از دولت انتظار می رود که به آسیب دیدگان و بازماندگان آن رسیدگی کند. بیش از ۳/۵ پاسخگویان معتقد بودند دولت به شایستگی به امور بازماندگان آسیب دیده جنگ می پردازد، البته افراد عادی بیش از افراد آسیب دیده از جنگ، رسیدگی و توجه دولت را کافی دانسته اند و بالعکس افراد آسیب دیده و خانواده های آنها انتظار بیشتری از دولت دارند.

به طور کلی بیشتر پاسخگویان نتایج جنگ ایران و عراق را مثبت ارزیابی کرده اند به طوری که وقتی به یاد روزهای جنگ می افتند احساس مثبتی به آنها دست می دهد.

## روز شمار جنگ ایران و عراق - جنگ نامه اول

### پیدایش نظام جدید

(بحرانهای داخلی و تولد نیروهای مسلح)

پس از گذشت بیش از هجده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، کتابهای نوشته شده درباره روند انقلاب از سوی خودیها، بسیار پایین تر از حد مورد انتظار است اما دشمنان انقلاب برای شناخت هر چه بهتر آن، هزاران جلد کتاب به رشته تحریر در آورده اند و از زوایای مختلف به تجزیه و تحلیل آن پرداخته اند. که اهمیت این مسئله ضرورت مبرم و جدی تحقیق محققان را تأکید می کند.

کار تحقیقی درباره پدیده جدی انقلاب، آنهم انقلاب اسلامی می تواند دارای محورهای مختلف و چارچوب های متفاوتی باشد. از نظر محققان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ آنچه در جریان بررسی و مطالعات پیرامون طرح بزرگ روز شمار جنگ مد نظر قرار گرفته، اینکه تاریخ جنگ تحمیلی اساساً نه مقوله ای در کنار تاریخ انقلاب اسلامی است بلکه بخشی از آن را شامل می شود.

بی شک جنگ هشت ساله از مهمترین رخدادهای انقلاب اسلامی بشمار می رود که بسیاری از ارزشها انقلاب در متن آن ظهور و بروز پیدا کرد و شعارهای اصولی و معیارهای اساسی انقلاب

در لابلای تحولات هشت سال دفاع مقدس متجلی گردید به همین ترتیب، در مبحث زمینه‌سازی و مقدمات وقوع جنگ نیز، محقق بی‌نیاز از بررسی تاریخ انقلاب اسلامی نیست. اما در این جا حوادثی محور قرار می‌گیرد که به نحوی با تحولات زیر مرتبط باشد:

نیروهای مسلح، ساختار قدرت نظامی، بحرانهای قومی و منطقه‌ای معادلات و جناح بندیهای قدرت سیاسی و از طرف دیگر متغیرهای و عوامل خارجی وارد و موثر بر روند انقلاب و بطور ویژه از سوی عراق و حامیان آن. مرکز مطالعات بنا به اقتضای مأموریت‌های و وظایفی که در جریان جنگ به عهده داشت، از همان واپسین روزهای تهاجم دشمن به منظور ثبت و ضبط حوادث خونبار جنگ تحمیلی، نسبت به تحقیقات میدانی و سپس در تکمیل آن تحقیقات کتابخانه‌ای اهتمام ورزید. تلاشی که امروز یکی از ثمرات آن انتشار مجموعه بزرگ «روزشمار جنگ» از این مجموعه تاکنون دو مجلد (کتاب چهارم و پنجم) چاپ شده است. و در خرداد ماه سال جاری نیز اولین مجلد از مجموعه فوق تحت عنوان «پیدایش نظام جدید (بحرانهای داخلی و تولد نیروهای مسلح انقلاب)» به زیور طبع آراسته شد.

توضیح اینکه مطابق طرح کلی روز شمار، جنگ تحمیلی به شش مقطع عمده و هر مقطع به مقاطع جزئی تری تقسیم می‌شود. براساس این تقسیم بندی به طور کلی ۲۰ مقطع جزئی را در طول جنگ می‌توان در نظر گرفت، که هر یک بررسی روند جنگ در یکی از مقاطع ۲۰ گانه مزبور است و بسته به حجم مطالب، کتاب در یک یا چند جلد ارائه می‌شود. مقطع زمینه‌سازی به سه دوره تقسیم می‌شود که ویژگیهای عمده این سه دوره به ترتیب عبارتند از:

۱- پیدایش و رشد گرایشهای محارب و فعال علیه نظام جدید، در قالب دعاوی و مطالب سیاسی بحران آفرین و خارج از مقدرات و مبانی و اسلامیت نظام و نیز تحرکات تجزیه طلبانه و تهدید کننده تمامیت ارضی کشور، در شرایط فقدان نیروهای مسلح مقتدر متمرکز و مستمر (ارتش به آهستگی در تدارک نوسازی و بازسازی و انطباق با فرهنگ و ایدئولوژی جدید است و سپاه در اولین مراحل ایجاد و توسعه است)؛



۲- گشودن جبهه جدید در نبرد با آمریکا و انفعال جریانهای و تشکلهای مدعی و محارب؛  
 ۳- تهدیدهای رو به افزایش حاکمان بغداد و جنگ طلبی آشکار برای گرفتن نقش مناسب در  
 استراتژی آمریکا علیه ایران جهت حصول مطامع و دستیابی به اهداف عراق.

از نظر زمانی دوره اول از ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۸، دوره دوم از آبان تا اسفند ۱۳۵۸ و  
 دوره سوم نیمه اول سال ۱۳۵۹ را برمی گیرد،

کتابهای اول و دوم و سوم روز شمار جنگ ایران و عراق با عنوان «پیدایش نظام جدید»  
 «تعرض تاریخی علیه شیطان بزرگ» و «عراق بر طبل جنگ می کوبید» به ترتیب مربوط به این سه  
 دوره زمانی است. درباره کتابهای دوم و سوم در همان کتابها توضیح داده خواهد شد، در اینجا  
 مختصراً به معرفی کتاب اول می پردازیم:

این کتاب مطابق طرح می بایست اولین کتاب منتشره از مجموعه روز شمار جنگ ایران و  
 عراق باشد اما کتابهای چهارم و پنجم زودتر آماده شد و به ترتیب در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳  
 منتشر گردید. کتاب در ۱۰۳۸ صفحه در قطع وزیری به بازار کتاب عرضه شده است.

این کتاب فاصله زمانی ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ را شامل می شود که با تشریح  
 آخرین مرحله فروپاشی ارتش آمریکایی شاه و در عین حال پایه گذاری ارتش جمهوری اسلامی  
 ایران شروع شد و با تثبیت و رسمیت یافتن هویت و جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایان  
 پذیرفت. تشکیل یک نیروی مسلح انقلابی - مذهبی و در سطح وسیعی از نیروهای فعال هوادار  
 انقلاب در سراسر کشور به شدت مورد توجه قرار گرفت و چشم انداز آینده و برداشت از  
 معاملات کنونی قدرت را کاملاً به نفع نیروهای انقلابی، تغییر داد.

با توجه به اهداف و وظایفی تعیین شده در اساسنامه تشکیل سپاه {مندرج در روز شمار ۸/۵  
 ۱۳۵۸} مصوبه شورای انقلاب و اعلامیه های رسمی «شورای انقلاب اسلامی» و «ستاد فرماندهی  
 سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در روز ۱۶/۲/۱۳۵۸ که شأن و جایگاه سپاه در سلسله مراتب  
 قدرت جدید را به خوبی توضیح می داد، معلوم شد که نظریه تأسیس یک «گارد ملی» از وفاداران  
 به اسلام و نظام جدید ایران، مغلوب نظریه ای شده است که تأسیس نیروی مسلح در چار چوب

انقلاب اسلامی و نه منحصرأً انقلاب و نظام اسلامی ایران را دنبال می کرد تعیین تکلیف قطعی و رسمی سپاه، موازنه موجود بین دو گرایش حاکمیت جدید را به نفع جریان انقلابی و رادیکال برهم زد و دولت موقت را در پیشبرد خط مشی محافظه کارانه و گام به گام که در پی ترمیم و اصلاح بطئی نظام گذشته (از جمله در بخش نیروهای مسلح) بود، دچار مشکلاتی بیش از پیش کرد.

از این پس تشکلهای مسلح مخالف انقلاب اسلامی، نه با یک ارتش به جا مانده از رژیم شاه که مرتباً آن را از زیر ضربه های روانی تبلیغات قرار می دادند، بلکه با یک سازمان انقلابی مسلح مواجه بودند که هم از مزایای انقلابی گری، انعطاف سازمان و حمایت توده های مذهبی برخوردار بودند و هم از حمایت های تدارکاتی و قانون یک نظام سیاسی سود می برد. بنابراین در تأثیر تشکیل سپاه به شکل یاد شده مهمتر از تغییر موازنه قوا در داخل حاکمیت و نظام باید از تغییر بسیار شدید موازنه قوا به نفع انقلاب اسلامی در مواجهه با گروه های مخالف انقلاب اسلامی یاد کرد. از این رو نگرانی گروه های متشکل نظامی - سیاسی مخالف نظام جدید، از بازسازی ارتش و مسلح شدن سازمان یافته مردم در پوشش کمیته و سپاه، در این دوره مشهود است که در قالب مواضع تندآنان ابراز می شود همچنین نقش کمیته ها و پاسدارانی که بعداً تحت پوشش سپاه در آمدند، در حفظ پادگانها و تجهیزات ارتش و سپس تحویل به آنان قابل ذکر است. می توان گفت در اجرای فرامین و نظریات امام خمینی مبنی بر حفظ ارتش و جلوگیری از تلاش و انحلال آن نیروهای مسلح جدید انقلاب (سپاه) نقش تعیین کننده داشتند، چه در جنبه حفاظت عملی و فیزیکی از مراکز نظامی و تجهیزات آن و چه در جنبه سیاسی و تبلیغاتی علیه جریانهایی که جداً طالب انحلال ارتش بودند.

در این دوره عراق آرام آرام از انفعال و تماشاچی حوادث ایران بودن خود را خلاص می کند و بطور روز افزونی راههای تأمین مطامع خویش را جستجو و تجربه می کند. علی رغم نامه مفصل دولت عراق به دولت موقت و اعلام مواضع دوستانه در حد تصریح به برادری ملتهای دو کشور، خیلی زود دشمنی های رژیم بعثی عراق علیه نظام جدید اسلامی ایران آشکار شد. اولین درگیری

مشخص ایران اسلامی و عراق در حوادث خوزستان است. در مرزهای غربی نیز عراق چه با فراریان ایرانی نظیر اویسی و بختیار و سالار جاف و چه با گروههای محارب کرد روابط حسنه و یاری بخش علیه دولت جدید برقرار کرد.\*

در این دوره امریکا علی رغم تمام تلاشها و اقدامات در تشخیص وضعیت جدید و یافتن روشهای مناسب حفظ منافع خویش، در برخورد بامسائل، بیشتر تماشاچی حوادث است و می کوشد بر عقب ماندگی و انفعال خویش فائق آید. در این حال راههای نفوذ در ارکان و جهت گیریهای نظام جدید را جستجو می کند و نیز منتظر روشن شدن جناح بندی قدرت در حاکمیت جدید و آشکار شدن تواناییها و ناتوانیهای دولت موقت است. آمریکا در عین عدم آمادگی قبلی، پایگاه بزرگ خویش را از دست داده است، از این رو برای پیدا کردن خویش و انجام هر گونه اقدام، نیازمند زمان است. لذا کلیه مراکز و کانونهای مخالف نظام جدید را تحت بررسی قرار می دهد و در صورت لزوم روی آنها سرمایه گذاری می کند تا حوادث آتی مورد استفاده قرار دهد. سازمانهای چپ غیر مذهبی، که صحنه گردان اصلی عرصه های تبلیغ و تظاهر سیاسی و سمبل جریانهای مخالف رژیم گذشته اما خارج از نظام جدید هستند، مواضع متفاوتی نشان می دهند در یک قطب این طیف، حزب توده می کوشد از سویی با نظام جدید و از سوی دیگر با تشکل های سیاسی غیر مذهبی مخالف نظام جدید، دوستی و اشتراک حرکت داشته باشد و بدینوسیله مشروعیت مناسبی بر این حرکات مورد نظر خویش در شرایط مساعد را کسب نماید.

در قطب دیگر، سازمان چریکهای فدایی خلق، از نظر خط مشی سرگردان است و این سرگردانی و ندانم کاری را باچاشنی توقعات و مطالبات بسیار بیشتر از شان و اندازه و قدرت خویش همراه می کند. در کردستان در اتحاد باجریانهای محارب محلی و در گنبد با ابتکار عمل

---

\* اقدامات خصمانه بعدی مثل انفجارات وسیع خوزستان، تجاوزات و حرکات ایدایی مرزی، سرکوب وسیع و سراسری علاقمند تشیع و شیعیان عراق و به شهادت رساندن آیت الله صدر. همدستی آشکار با محارمین داخلی و دیگر مواضع و رفتارهای سیاسی رژیم عراق، یک سیر تصاعدی از آمادگی این کشور برای رسیدن به نقطه درگیری نظامی را نشان می دهد که در کتابهای آتی به تناسب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

خویش، نقش محارب می گیرد و روی نظام نوپای تازه استقرار یافته، اسلحه می کشند، اما در تهران متوقع است در ساختمانهای دولتی، ستاد فرماندهی داشته باشد. در تبریز، اصفهان و دیگر شهرها طالب آن است که از سویی شأن یک سازمان چریکی مسلح را حفظ کند و عملاً مراکز پشتیبانی عملیات مسلحانه مناطق بحرانی را تشکیل دهد و از طرفی در قالب یک تشکل سیاسی سراسری فرو میرود که آرمانهای چون آزادی و دموکراسی و ..... را در چارچوب فدایی، در کنار این سرگردانی و مسالمت آمیز و مشروع پی می گیرد. سازمان چریکهای فدایی، در کنار این سرگردانی و ندانم کاری، همچنین از مشکل تضاد عقیدتی با کادرهای و توده های وسیع مذهبی - انقلاب رنج می برد که برای آن راه حلی نمی یابد و به این دلیل علی رغم تلاش فراوان برای نزدیکی به توده ها، همواره یک "غریبه" باقی ماند.

سازمان مجاهدین خلق که در این شرایط از پرستیژ مذهبی برخوردار است، مشکل غریبه بودن و غیر مذهبی بودن آشکار سازمان چریکهای فدایی خلق را ندارد، اما به دلیل آنکه تعلقات مذهبی این سازمان صرفاً یک پوسته بر این پوشاندن ایدئولوژی قدرت پرستانه و یک ابزار برای توسعه و گسترش و جذب نیرو می باشد، در ادامه حرکت، دچار تضادهای حل نشدنی و درگیریهای روبه افزایش با محیط مذهبی - انقلابی موجود می شود. این سازمان در دوره زمانی مربوط به کتب حاضر می کوشد از یک طرف گروهها و تشکل های چپ غیر مذهبی، تحت عنوان نیروهای مترقی راهبردی کند و نیز آنها را با خود همراه نماید و از طرف دیگر با استفاده از عنوان مذهبی مطروحه در این سازمان، خود را به عنوان یکی از شرکای نظام جدید بقبولاند و به توسعه تشکیلات و جذب هوادار پردازد، بنابراین از یک جانب با امام تحت نام پدر و مجاهد اعظم و امثال آن برخورد می کند و از جانب دیگر "مرتجعین" را که چشم دیدن نیروهای مترقی را ندارند (!) سرزنش می کند و با تحرکات اصلی نظام جدید مرزبندی می نماید. می توان گفت هر چند "زرنگی" ها و تدابیر سازمان، در این دوره برعهده ای از خانواده ها و نوجوانان مذهبی مؤثر می افتد و باعث جذب آنها می شود اما در مجموع، توقعات عقیدتی کادرها و توده های مذهبی را نمی تواند پاسخگو باشد و خود بر این واقف است. بنابراین بتدریج و ماهرانه و قدم به قدم در راه جدایی آشکار از جریان اصلی انقلاب اسلامی پیش میرود تا

جایی که بعدها وارد مرحله "نظامی" و خشونت مسلحانه علنی علیه نظام جدید می گردد. این سازمان در نهایت تمام دعاوی ضد امپریالیستی و انقلابی گری و موحد نمایی را کنار گذاشت و تلاش کرد که همان "امپریالیسم دشمن اصلی خلقها" توبه سازمان را بپذیرد و آن رابه عنوان "آلترناتیو" و دست کم یکی از مدعیان آلترناتیوی نظام جمهوری اسلامی بپذیرد. این سازمان در مراحل بعد ثابت کرد نه تنها از دعاوی سه گانه فوق الذکر توبه کرده است بلکه از دعاوی میهن پرستانه ملی گرایانه ای که برای جذب هوادار بیشتر، چاشنی مواضع اسلامی و انقلابی می کرد نیز پشیمان شده است. رهبری و مرکزیت سازمان بعد از مدتی اقامت در اروپا به ارتش اشغالگر عراق پناه برد تا در ازای جاسوسی و خرابکاری برای دشمن در حال جنگ با ایران و به عنوان یک نیروی ایذایی برای عراق و بر ضد ایران امکان بقا بیابد.

اما در حاکمیت جدید در کنار دو قطب رسمی و مستقر یعنی شورای انقلاب و دولت موقت، قطب قدرت سومی نیز آرام آرام خود را نشان می دهد و آن ائتلافی از نیروهای رادیکال و انقلابی - مذهبی هستند که در دادگاههای انقلاب، کمیته ها، سپاه، مساجد و تقریباً همه ارگانها و نهادهای جدید و قدیم حضور فعال دارند و علی رغم سروصدای بسیار زیاد جریانهای سیاسی خارج نظام علیه دولت موقت و برنامه های آن، اینان بدون سروصدا و بدون تظاهر به مخالفت، مهمترین و جدی ترین منتقدان مشی دولت موقت هستند اما در عمل و نه در تظاهر و سروصدای تبلیغاتی مشی خود را جلو می برند و در این رابطه به حمایت آشکار و نهان امام متکی هستند. دولت موقت گهگاه به گله گزاری و حتی تهدید علیه این جریان اقدام می کند.

نظام جدید در حال شکل گیری است و با وجود فقدان قدرت نظامی مرسوم، با اتکا به پتانسیل انقلابی مردم، از تهدیدهای داخلی و خارجی هراسی نشان نمی دهد. علی رغم تمایلات دولت موقت به فروکش کردن تحركات انقلابی و آرام گرفتن انقلاب در نظام مطلوب این دولت، در حاشیه قدرت رسمی، عزمی جزم در تداوم انقلاب خود را به رخ می کشد. نظام انقلابی نو پارافعالاً تجاوز خارجی تهدید نمی کند اما تهدید های مسلحانه داخلی بسرعت زمینه سازی می شود و درگیریهای مسلحانه به دست گروههایی که بعداً اتحاد آنان با عراق علنی و مسلم شد، در این دوره پایه ریزی می شود.